



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

سلسلہ میں احمد رضا صاحب دہلوی

# زیارت قبر

عفی انصاری رحمتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# زیارت قبور

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۱	زیارت قبور
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۲۱	مقدمه ناشر
۲۳	زیارت قبور
۲۳	اشاره
۲۳	فتاوی و هابیان
۲۵	ادله مشروعیت زیارت قبور
۲۵	توضیح
۲۵	۱ - دلیل فطرت
۲۶	۲ - قرآن و زیارت قبور
۲۷	۳ - احادیث و زیارت قبور
۲۷	احادیث و زیارت قبور
۲۸	الف) مشروعیت زیارت قبور در روایات
۲۹	ب) ممارست پیامبر صلی الله علیه و آله به زیارت قبور
۳۱	ج) زیارت قبور در سیره گذشتگان
۳۳	۴ - اجماع مسلمین
۳۴	فتاوی علمای اهل تسنن درباره زیارت قبور
۴۷	آثار زیارت قبور
۴۷	اشاره
۴۷	۱ - خشوع و یاد مرگ
۴۸	۲ - دعا برای اموات
۴۸	۳ - ادای حقوق اموات

۴۹	.....	زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از نظر قرآن
۵۱	.....	روایات و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وآله
۵۶	.....	زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وآله در سیره صحابه
۵۶	.....	توضیح
۵۶	.....	۱ - حضرت زهرا علیها السلام
۵۷	.....	۲ - جابر بن عبدالله
۵۷	.....	۳ - ابویوب انصاری
۵۸	.....	۴ - شخص اعرابی
۵۹	.....	۵ - بلال حبشی
۶۱	.....	۶ - عبدالله بن عمر
۶۱	.....	۷ - ایوب سختیانی
۶۲	.....	۸ - فرستادن پیک به جهت زیارت
۶۲	.....	اهل سنت و استحباب زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه وآله
۶۶	.....	استحباب زیارت قبور امامان
۶۷	.....	زیارت قبور و مشروعیت سفر به سوی آن
۷۱	.....	دلیل وهابیان بر حرمت زیارت قبور
۷۲	.....	نقد کلام ابن تیمیه
۷۲	.....	اشاره
۷۳	.....	پاسخ
۷۴	.....	اعتراض علمای اهل سنت به ابن تیمیه
۷۴	.....	توضیح
۷۴	.....	۱ - ابن حجر عسقلانی
۷۵	.....	۲ - حافظ ذهبی
۷۶	.....	ردّ بر ابن تیمیه در مسأله زیارت قبور
۷۷	.....	تقسیم زیارت به شرعی و بدعی
۷۷	.....	اشاره

۷۹	پاسخ
۸۰	زنان و زیارت قبور
۸۲	ادله جواز
۸۵	تمسک به عموم تعلیل در روایات
۸۸	نقد ادله وهابیان بر حرمت زیارت زنان از قبور
۸۸	توضیح
۸۸	الف) نقد روایات
۹۸	ب) نقد قاعده سدّ ذرایع
۹۹	فتاوی جواز
۱۰۱	فتاوی اهل سنت در جواز زیارت قبور برای بانوان
۱۰۳	فلسفه زیارت قبور اولیای الهی
۱۰۶	فضیلت زیارت قبر امام حسین علیه السلام
۱۰۸	چرا زیارت امام حسین علیه السلام از زیارت کعبه افضل است؟
۱۱۰	حکم طواف بر قبور اولیا
۱۱۰	دیدگاه اهل سنت
۱۱۱	تفصیلی درباره طواف بر قبور اولیا
۱۱۲	بررسی روایات
۱۱۴	تحقیقی از علامه مجلسی
۱۱۶	دست کشیدن و بوسیدن قبور اولیا
۱۱۶	اقوال در مسأله
۱۱۶	اشاره
۱۱۶	۱ - قول به حرمت
۱۱۷	۲ - قول به عدم استحباب
۱۱۷	۳ - قول بر کراهت
۱۱۸	۴ - قول به جواز و استحباب
۱۱۸	روایات اول تا ششم

۱۲۴	روایات هفتم تا هفدهم
۱۳۲	توجیه ادله قائلین به حرمت
۱۳۲	توضیح
۱۳۳	پاسخ
۱۳۴	پاسخ
۱۳۴	پاسخ
۱۳۵	پاسخ
۱۳۷	بنای بر قبور
۱۳۷	اشاره
۱۳۷	فتوهای وهابیان
۱۳۹	قرآن و بنای بر قبور
۱۳۹	توضیح
۱۳۹	۱ - بنای بر قبور، تعظیم شعائر الهی
۱۴۱	۲ - بنای بر قبور از مصادیق موذت ذوی القربی
۱۴۲	۳ - بنای بر قبور اولیای الهی مصداق ترفیع بیوت
۱۴۴	سیره سلف و بنای بر قبور
۱۴۷	مزار بزرگان
۱۴۷	اشاره
۱۴۷	۱ - مزار بلال حبشی
۱۴۷	۲ - مزار سلمان فارسی
۱۴۸	۳ - مزار طلحه بن عبیدالله
۱۴۸	۴ - مزار زبیر بن عوام
۱۴۹	۵ - مزار ابویوب انصاری
۱۴۹	۶ - مرقد امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۵۱	۷ - مرقد امام کاظم علیه السلام
۱۵۱	۸ - مرقد امام رضا علیه السلام



- ۹ - مرقد امام جواد علیه السلام ..... ۱۵۲
- ۱۰ - مزار معروف کرخی ..... ۱۵۲
- ۱۱ - مزار احمد بن موسی علیه السلام ..... ۱۵۲
- ۱۲ - مزار عبیدالله بن محمّد بن عمر بن علی بن الحسین علیه السلام ..... ۱۵۳
- ۱۳ - مزار سیده نفیسه ..... ۱۵۳
- ۱۴ - مزار ذوالنون مصری ..... ۱۵۳
- ۱۵ - مزار ابن طباطبا ..... ۱۵۴
- بررسی ایرادهای وهابیان ..... ۱۵۴
- توضیح ..... ۱۵۴
- ۱ - بنای بر قبور از مظاهر شرک یا راهی به سوی شرک است ..... ۱۵۴
- ۲ - بنای بر قبور از اعمال مشرکین است ..... ۱۵۵
- ۳ - بنای بر قبور، بدعت منکر است ..... ۱۵۵
- ۴ - ادعای اجماع ..... ۱۵۶
- ۵ - استدلال به برخی از احادیث ..... ۱۵۸
- استدلال به برخی از احادیث ..... ۱۵۸
- الف) حدیث ابی الهیاج ..... ۱۵۸
- ب) حدیث جابر ..... ۱۶۱
- ج) حدیث ابوسعید و امّ سلمه ..... ۱۶۳
- ۶ - زمین بقیع موقوفه است ..... ۱۶۴
- آثار سازنده بنای قبور اولیای الهی ..... ۱۶۴
- عدم فرق بین بنای بر قبر با دفن در بنا ..... ۱۶۶
- بنای مسجد و روشن کردن چراغ بر قبور اولیا ..... ۱۷۰
- اشاره ..... ۱۷۰
- فتاوی وهابیان ..... ۱۷۰
- قرآن و ساختن مسجد در جوار قبور اولیا ..... ۱۷۱
- سیره مسلمین بر بنای مسجد در جوار قبور اولیا ..... ۱۷۳

۱۷۳	نقد ادله وهابیان
۱۷۳	توضیح
۱۷۳	الف) استدلال به روایات
۱۷۶	ب) استدلال به قاعده سدّ ذرایع
۱۷۸	حکم تزیین قبور اولیای الهی و روشن کردن چراغ
۱۷۹	دلیل وهابیان بر حرمت
۱۷۹	اشاره
۱۷۹	پاسخ
۱۷۹	الف) سند حدیث
۱۸۰	ب) دلالت حدیث
۱۸۳	فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران
۱۹۴	سلسله کتاب های پیرامون وهابیت
۱۹۵	درباره مرکز

سرشناسه: رضوانی، علی اصغر، ۱۳۴۱-

عنوان و نام پدیدآور: زیارت قبور/ تالیف علی اصغر رضوانی.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۱۷۲ص.

فروست: سلسله مباحث شناخت و هابیت.

شابک: ۷۵۰۰ ریال ۹۶۴۹۷۳۰۵۸

وضعیت فهرست نویسی: فایا

موضوع: وهابیه-- دفاعیه ها و ردیه ها.

موضوع: وهابیه-- عقاید.

موضوع: زیارت-- نظر وهابیه.

موضوع: گورها و گورستان ها -- زیارت-- دفاعیه ها و ردیه ها.

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم).

رده بندی کنگره: BP۲۰۷/۶۲/۹۵۵ز

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۱۶

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۲۵۵۶۰

ص: ۱

اشاره





















ترویج فرهنگ ناب محمدی و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در طول تاریخ دچار کج اندیشی ها و نابخردی هایی بوده است که نمونه بارز آن را در اندیشه وهابیت و سلفی گری می توان نظارگر بود، تفکری که همه مسلمانان جهان را از دین اسلام خارج و فقط خود را مسلمان می دانند. عده ای اندک که با کج اندیشی، مسلمانان جهان و دیگر ادیان را دچار مشکل کرده و چهره ای خشن و کریه از دین رحمت ارائه نموده اند. معمار این اندیشه ابن تیمیه از مخالفان فرزندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می باشد که تفکر او از قرن هفتم تا قرن سیزدهم به فراموشی سپرده شده و مورد مخالفت اندیشمندان مذاهب اسلامی قرار گرفت ولی کمتر از یک قرن است که این تفکر انحرافی دوباره در جامعه اسلامی توسط افرادی معلوم الحال مطرح می گردد. جا دارد متفکرین اسلامی، جریان های فکری منحرف را به مسلمانان جهان معرفی کرده و محور وحدت اسلامی که همان اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است را تبیین نمایند، محوری که براساس محبت و پیروی از اهل بیت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله استوار است و از فحاشی و ضرب و شتم و ترور و بمب گذاری به دور است و هیچ سنخیتی با آن ندارد. گفت و گو در

محافل علمی و معرفی اندیشه ناب، نیاز به آن حرکات انحرافی ندارد، و چنانچه آنان در گفتار صادقند، میدان علم و اندیشه مهیا است.

تهاجم استکبار جهانی و صهیونیست ها به تفکر اصیل اسلامی از زمانی آغاز و سرعت گرفت که انقلاب شکوه مند اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه الله در کشور اسلامی ایران به ثمر نشست و توسط رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلله هدایت گردید.

از کلیه عزیزانی که ما را در نشر معارف اهل بیت علیهم السلام یاری می نمایند به ویژه تولیت محترم مسجد مقدّس جمکران حضرت آیت الله وافی و همکاران در مجموعه انتشارات و مؤلف محترم جناب استاد علی اصغر رضوانی کمال تشکر و قدردانی را داریم امید است مورد رضای حضرت حق قرار گیرد. ان شاء الله.

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

مسلمانان در طول تاریخ اسلام بر جواز؛ بلکه استحباب سفر برای زیارت قبور اولیای الهی اجماع داشته اند. اما از ناحیه ابن تیمیه ممنوع شد؛ زیرا وی اولین کسی است که از این مسئله جلوگیری کرده و شدیداً با آن مقابله نمود و به حرمت آن فتوا داد. بعد از او شاگردان و مروّجان افکارش این نظر را دنبال کرده و تا زمان محمّد بن عبدالوهاب و وهابیان - که همگی به حرمت زیارت قبور معتقدند - ادامه داشت. از آنجا که این مسئله آثار مهمی در پی دارد بجاست تا در مورد جواز و عدم جواز آن تحقیق و بررسی نماییم.

### فتاوی وهابیان

۱ - ابن تیمیه می گوید: «تمام احادیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره زیارت قبرش وارد شده، ضعیف بلکه جعلی است.» (۱)

عسقلانی از ابن تیمیه نقل می کند که او به طور مطلق از زیارت قبور

ص: ۱۳

انبیا و اولیا منع کرده و آن را حرام نموده است؛ چه باشد رحال (بار سفر زیارت بستن) و چه بدون آن. (۱)

همچنین ابن تیمیه در کتاب «التوسل و الوسيله» می گوید: «همه احادیث زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله ضعیف و غیر قابل اعتماد است. لذا صاحبان صحاح و سنن هیچ یک از این احادیث را نقل نکرده اند و تنها کسانی نقل کرده اند که دأبشان نقل احادیث ضعیف است؛ مانند دارقطنی، بزار و دیگران». (۲)

در جای دیگر نیز می گوید: «احادیث زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله کلاً ضعیف؛ بلکه دروغ است». (۳)

۲ - عبدالعزیز بن باز می گوید: «اما مردان؛ برای آنان زیارت قبور و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و دو صاحبش مستحب است، البته بدون شد رحال و قصد حرکت برای زیارت؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: "قبور را زیارت کنید به جهت آن که شما را به یاد آخرت می اندازد"، ولی شد رحال برای زیارت قبور جایز نیست». (۴)

۳ - اعضای استفتای دائمی و هابیان در ضمن فتوایی چنین اعلام کردند: «شد رحال برای زیارت قبور انبیا و صالحین و غیر آنان جایز نیست، بلکه این عمل بدعت است». (۵)

ص: ۱۴

---

۱- ۲. ارشاد الساری، ج ۲، ص ۳۲۹.

۲- ۳. التوسل و الوسيله، ص ۷۲.

۳- ۴. التوسل و الوسيله، ص ۱۵۶.

۴- ۵. مجموع فتاوی بن باز، ج ۲، ص ۷۵۴ و ۷۵۵.

۵- ۶. اللجنه الدائمه للبحوث العلمیه و الافتا، رقم فتوا ۴۲۳.



از این فتواها استفاده می شود که وهابیان در این مسئله اختلاف دارند؛ یعنی مؤسس افکار آنان (ابن تیمیه) قائل به حرمت زیارت قبور به طور مطلق است، به خلاف متأخرین از وهابیان که در صورتی قائل به عدم جواز؛ بلکه بدعت شده اند که حرکت از وطن به جهت زیارت قبور باشد، اما اگر کسی به حج آمده، آن گاه وارد مدینه شود و به طور ضمنی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز زیارت کند، اشکالی ندارد.

## ادله مشروعیت زیارت قبور

### توضیح

مبحث زیارت قبور را در دو بخش دنبال خواهیم کرد:

بخش اول: در ذکر دلیل بر مشروعیت بلکه استحباب زیارت قبور اموات، هر کس که می خواهد باشد.

بخش دوم: در رابطه با استحباب زیارت قبر اولیای خدا علی الخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله.

در ابتدا به ذکر ادله جواز یا استحباب زیارت قبور می پردازیم:

### ۱ - دلیل فطرت

اسلام دین فطرت است و احکام آن؛ چه در مجال عقیده و چه در مقام عمل موافق با فطرت سلیم انسان است. و ما معتقدیم که احکام و تعالیمی که پیامبران و علی الخصوص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آورده اند، همگی موافق با فطرت سلیم بشر بوده و با آن سازگاری دارد، و در حقیقت تعالیم انبیا تذکر دهنده به مسائلی است که در فطرت انسان نهفته است.

خداوند سبحان می فرماید: « وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا \* فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا »؛ (۱) «قسم به جان آدمی و آن کس که آن را [آفریده و] منظم ساخته و سپس فجور و تقوا [شر و خیرش] را به او الهام کرده است.»

در مورد زیارت اموات و قبور نزدیکان و کسانی که بر گردن ما حق دارند، انسان مشاهده می کند که این عمل از جمله کارهایی است که نفس سلیم انسان از هر قوم و ملیتی که باشد بر آن رغبت دارد، و این نیست مگر به جهت وجود میل باطنی فطری که در تمام افراد بشر وجود دارد. و از آنجا که شریعت، هادی به فطرت است، لذا می توان از این طریق به مشروعیت زیارت قبور پی برد.

## ۲- قرآن و زیارت قبور

آیات مختلفی از قرآن با مضامین گوناگونی وجود دارند که می توان از آن ها حکم جواز یا استحباب زیارت قبور اولیای الهی را به دست آورد که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱- خداوند متعال در نهی از حضور پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار قبور منافقین می فرماید: « وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ »؛ (۲) «و در کنار قبر یکی از منافقین توقف نکن.»

آیه در صدد شکستن شخصیت منافقین است و پیامبر صلی الله علیه و آله را از حضور در هنگام دفن منافق یا توقف هنگام زیارت قبور، منع کرده است.

بیضاوی در «انوار التنزیل» (۳) آلوسی در «روح المعانی» (۴) و دیگران به

ص: ۱۶

۱-۷. سوره شمس، آیه ۸.

۲-۸. سوره توبه، آیه ۸۹.

۳-۹. انوار التنزیل، ج ۱، ص ۴۱۶.

۴-۱۰. روح المعانی، ج ۱۰، ص ۱۵۵.

این نکته اشاره کرده اند که مراد از این آیه، نهی از توقف در کنار قبر منافق هنگام دفن یا برای زیارت است.

از این که نهی مربوط به منافقین و کفار است، معلوم می شود توقف برای زیارت قبر مؤمن و مسلمان، مشروع بوده و اشکالی ندارد.

۲ - خداوند متعال در مورد اصحاب کهف و نزاع مردم در کیفیت تعظیم از آنان می فرماید: « إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا؛ (۱) » «تا مردمی که میانشان تنازع و اختلاف در امر آن ها بود رفع نزاعشان بشود، با این همه بعضی گفتند: باید گرد آن ها حصار و بنایی بسازیم. خدا به احوال آن ها آگاه تر است. آنان که بر واقع احوال آن ها اطلاع یافتند، گفتند: البته برایشان مسجدی بنا می کنیم.»

مفسرین می گویند: از این که برخی پیشنهاد ساختن مسجد داده اند، کشف می شود که آنان مسلمان و موحد بوده اند. لذا واضح است که پیشنهاد مسجد به این جهت است که به طور مدام بر آن وارد شده تا مرقد اصحاب کهف مزار مردم گردد.

### ۳ - احادیث و زیارت قبور

#### احادیث و زیارت قبور

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه تنها به زیارت قبور امر نموده، بلکه خود نیز به زیارت قبور می رفت تا عملاً استحباب و جواز این مسئله را تثبیت کند. ما نیز این

ص: ۱۷

مسئله را در سه بخش بررسی می‌نماییم: مشروعیت زیارت در روایات و ممارست پیامبر صلی الله علیه وآله و سلف برای زیارت قبور.

## الف) مشروعیت زیارت قبور در روایات

مسئله مشروعیت زیارت، سه مرحله را طی نموده است:

۱ - مرحله اباحه: استمرار حکم به جوازی که در شرایع سابق بوده است.

۲ - مرحله منع، در صدر اسلام مطابق عقیده خاص و شرک آلودی که عده ای - خصوصاً اهل کتاب - نسبت به اولیای متوفای خود داشتند، بر قبر آنان سجده می‌کردند. به همین جهت در صدر اسلام ممنوع شد.

۳ - مرحله بازگشت به اباحه:

از انس بن مالک نقل شده که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «نهیتکم عن زیاره القبور فروروا فإنها تذکرکم الموت»؛ (۱) «من شما را از زیارت قبور نهی کردم، ولی الآن قبور را زیارت کنید؛ زیرا شما را به یاد مرگ می‌اندازد.»

و نیز از انس نقل شده که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «إِنِّي نهیتکم عن زیاره القبور، فمن شاء أن يزور قبراً فليزر فإنه يُرَقَّ القلب ويدمع العين ويذکر الآخرة ولا تقولوا هجراً»؛ (۲) «همانا من شما را از زیارت قبور نهی کردم، ولی الآن هر کس که خواست قبری را زیارت کند مانعی ندارد؛ زیرا این عمل باعث رقت قلب می‌گردد و اشک را جاری می‌سازد و به یاد آخرت می‌اندازد، ولی چیزی که موجب خشم خدا می‌گردد را نگویید.»

ص: ۱۸

---

۱- ۱۲. مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۳۷۵.

۲- ۱۳. مسند احمد، ج ۳، ص ۲۳۷ - ۲۵۰؛ مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۳۷۶.

ابن ابی ملیکه می گوید: «ائتوا موتاكم فسلّموا عليهم وصلّوا عليهم، فإنّ لكم فيه عبره»؛<sup>(۱)</sup> «به سراغ مُرده های خود بروید و بر آنان سلام کنید و درود بفرستید؛ زیرا برای شما در این عمل عبرت است.»

ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «ما من عبد يمرّ علی قبر رجل مسلم يعرفه فی الدنیا فیسلّم علیه إلّا عرفه، وردّ علیه السلام»؛<sup>(۲)</sup> «هیچ بنده ای نیست که بر قبر شخص مسلمانی مرور کند که او را در دنیا می شناخته است و بر او سلام کند جز آن که آن شخص او را شناخته و جواب سلام او را می دهد.»

عایشه از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «ما من رجل يزور قبر أخیه ویجلس عنده إلّا إستأنس وردّ علیه حتّی یقوم»؛<sup>(۳)</sup> «هیچ کس نیست که به زیارت قبر برادر مؤمن خود رود و نزد او بنشیند جز آن که آن مؤمن با او انس گرفته و جواب سلام او را می دهد تا این که از نزد او برخیزد.»

### **(ب) ممارست پیامبر صلی الله علیه وآله به زیارت قبور**

۱ - بریده اسلمی از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود: «من شما را از زیارت قبور نهی کردم، ولی به محمّد اجازه داده شد تا به زیارت قبر مادرش برود، شما نیز قبور را زیارت کنید؛ زیرا شما را به یاد آخرت می اندازد».<sup>(۴)</sup>

ص: ۱۹

---

۱- ۱۴. المصنّف، عبدالرزاق، ج ۳، ص ۵۷.

۲- ۱۵. احوال القبور، ابن رجب حنبلی، ص ۱۴۲.

۳- ۱۶. همان، ص ۱۴۳.

۴- ۱۷. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۶۶، ح ۱۰۷، کتاب الجنائز.

۲ - حاکم نیشابوری از بریده نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه وآله قبر مادرش را با هزار ملائکه زیارت نمود و هیچ روز مانند آن روز آن حضرت را گریان ندیدم. (۱)

ابوهریره نیز می گوید: «پیامبر صلی الله علیه وآله قبر مادرش را زیارت کرد و به حدی گریه کرد که هر کس نزد او بود به گریه درآمد». (۲)

۳ - طلحه بن عبیدالله می گوید: ما با رسول خدا صلی الله علیه وآله از مدینه برای زیارت قبور شهدا خارج شدیم، همین که به منطقه «حرّه واقم» رسیدیم قبوری را مشاهده نمودیم، عرض کردیم: ای رسول خدا صلی الله علیه وآله! آیا این قبور برادران ماست؟ فرمود: این قبور اصحاب ماست و هنگامی که به قبور شهدا رسیدیم، فرمود: این قبور برادران ماست. (۳)

۴ - مسلم از عایشه نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه وآله شب ها آخر شب به طرف بقیع می رفت و بر اهل بقیع این گونه سلام می کرد: «السلام علیکم دار قوم مؤمنین». (۴)

۵ - ابن ابی شیبّه نقل می کند: پیامبر صلی الله علیه وآله ابتدای هر سال به زیارت قبور شهدای احد می آمد و به آنان این گونه سلام می کرد: «السلام علیکم بما صبرتم فنعمة عقبی الدار». (۵)

ص: ۲۰

---

۱- ۱۸. مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۵۳۱، ح ۱۳۸۹.

۲- ۱۹. همان، ح ۱۳۹۰.

۳- ۲۰. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۱۸، ح ۳۵۷، کتاب المناسک، باب زیاره القبور.

۴- ۲۱. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۶۳، ح ۱۰۲، کتاب الجنائز.

۵- ۲۲. مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۱۳۹۶.

## ج) زیارت قبور در سیره گذشتگان

با رجوع به سیره صحابه و تابعین و علمای امت اسلام پی می بریم که زیارت قبور، سیره همه آنان بوده است، اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - فاطمه زهرا علیها السلام و زیارت قبور؛

حاکم نیشابوری به سند خود نقل می کند که فاطمه زهرا علیها السلام در زمان حیات پدرش روزهای جمعه به زیارت قبر عمویش حمزه بن عبدالمطلب می رفت و در آنجا نماز می خواند و گریه می کرد. (۱)

۲ - عمر و زیارت قبور؛

محبّ الدین طبری نقل می کند که در سفری عمر با عده ای از اصحابش به حج رفتند، در بین راه پیرمردی به او استغاثه کرد. پس از بازگشت به آن محل از احوال آن پیرمرد سؤال نمود. گفتند: از دار دنیا رفته. راوی می گوید: عمر را دیدم با سرعت به طرف قبر او آمد و در آنجا نماز خواند و سپس قبر را در بغل گرفت و گریه کرد. (۲)

۳ - عایشه و زیارت قبور؛

ابن ابی ملیکه می گوید: روزی عایشه وارد قبرستان شد. به او گفتم: به چه جهت وارد قبرستان شده ای؟ گفت: به خاطر قبر برادرم عبدالرحمان.

ص: ۲۱

---

۱- ۲۳. مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۱۳۹۶.

۲- ۲۴. الرياض النضرة، ج ۲، ص ۳۳۰.

گفتم: مگر پیامبر صلی الله علیه وآله از زیارت قبور نهی نکرده است؟ گفت: چرا قبلاً نهی کرده بود، ولی سپس به آن امر نمود. (۱)

۴ - امام علی علیه السلام و زیارت قبور؛

خباب بن ارت - که از سابقین در اسلام است - با امام علی علیه السلام در کوفه بود، به جهت مرض سختی که داشت با امام علی علیه السلام در جنگ صفین شرکت نکرد. وقتی امام از صفین برگشت و خبر وفات او را شنید بر سر قبر او حاضر شد و او را زیارت نمود. (۲)

۵ - محمد بن حنفیه و زیارت قبور؛

بعد از وفات امام حسن مجتبی علیه السلام محمد بن حنفیه بر سر قبر آن حضرت آمد. بغض گلوی او را گرفت، آن گاه به سخن درآمد و آن حضرت را ستود. (۳)

۶ - ابوخلال و زیارت قبور؛

ابوخلال شیخ حنبله در عصر خود می گوید: «هیچ گاه مشکلی برایم پیدا نمی شد، مگر آن که قصد زیارت قبر موسی بن جعفر علیه السلام را می کردم و در آنجا به حضرت متوسل می شدم و خداوند نیز مشکلم را آسان می نمود». (۴)

۷ - ابن خزیمه و زیارت قبور؛

ابوبکر بن محمد بن مؤمل می گوید: با امام اهل حدیث، ابوبکر بن خزیمه

ص: ۲۲

---

۱- ۲۵. مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۵۳۲، ح ۱۳۹۲.

۲- ۲۶. اسد الغابه، ج ۲، ص ۱۴۳.

۳- ۲۷. العقد الفرید، ج ۳، ص ۱۳.

۴- ۲۸. تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۲۰.



و ابن علی ثقفی و جماعتی از مشایخ به قصد زیارت علی بن موسی الرضا علیه السلام در طوس حرکت نمودیم، دیدم ابن خزیمه طوری آن بقعه را تعظیم کرده و در برابر آن تواضع و تضرع می نمود که ما متحیر شدیم. (۱)

#### ۴ - اجماع مسلمین

علمای اسلامی از همه طوایف و مذاهب، بر استحباب زیارت قبور خصوصاً قبور انبیا و صالحان و اولیا اتفاق کرده اند.

قسطلانی می گوید: «قد أجمع المسلمون علی استحباب زیاره القبور كما حکاه النووی، وأوجبها الظاهریه، فزیارته مطلوبه بالعموم والخصوص، لما سبق، أي لما سبق من الروایات، ولأن زیاره القبور تعظیم، وتعظیمه واجب. ولهذا قال بعض العلماء: لا فرق فی زیارته صلی الله علیه وآله بین الرجال والنساء...» (۲) «مسلمانان اجماع بر زیارت قبور دارند؛ آن گونه که نووی حکایت کرده است. و ظاهریه آن را واجب می دانند. پس زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وآله به دلیل عام و خاص مطلوب است و به جهت آنچه از روایات گذشت و دیگر این که زیارت قبور تعظیم است و تعظیم پیامبر صلی الله علیه وآله واجب می باشد. و به همین جهت برخی از علما گفته اند در استحباب زیارت پیامبر صلی الله علیه وآله بین مردان و زنان فرقی نیست...».

قاضی سبکی می گوید: «واعلم أن العلماء مجمعون علی أنه

ص: ۲۳

۱- ۲۹. تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۳۹.

۲- ۳۰. المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیه، قسطلانی، ج ۳، ص ۴۰۵.

يستحبّ للرجال زیاره القبور، بل قال بعض الظاهریه بوجوبها، للحديث المذكور. وممنّ حکى إجماع المسلمین علی الإستحباب أبوزکریا النووی؛<sup>(۱)</sup> «بدان که علما بر استحباب زیارت قبور اجماع کرده اند، بلکه برخی از ظاهریه قائل به وجوب آن به جهت حدیث مذکور شده اند. و از جمله کسانی که اجماع مسلمانان بر استحباب را حکایت کرده، ابوزکریای نووی است.»

سمهودی نیز این اجماع را نقل کرده است.<sup>(۲)</sup>

### فتاوی علمای اهل تسنن درباره زیارت قبور

در کتب فقهی علمای اهل سنّت، موارد بسیار زیادی وجود دارد که زیارت قبور مؤمنین را نه تنها حرام نمی دانند، بلکه بعضی نیز آن را مستحب دانسته اند. در اینجا مناسب است که بعضی از اقوال علمای اهل تسنن را ذکر نماییم:

۱ - شافعی می نویسد: «ولابأس بزیاره القبور، أخبرنا مالک عن ربیعہ (یعنی ابن ابی عبدالرحمن) عن أبی سعید الخدری أنّ رسول الله صلی الله علیه وآله قال: "ونهیتکم عن زیاره القبور فروروها"؛<sup>(۳)</sup> «و زیارت قبور اشکالی ندارد، مالک از ربیعہ بن ابی عبدالرحمان از ابوسعید خدری خبر داده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: در گذشته شما را از زیارت قبور نهی می کردم؛ ولی اکنون آن ها را زیارت کنید.»

ص: ۲۴

---

۱- ۳۱. شفاء السقام، ص ۱۸۴.

۲- ۳۲. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۶۳.

۳- ۳۳. کتاب الأمّ، شافعی، ج ۱، ص ۳۱۷.

۲ - محمد بن شریینی می نویسد: «ویسنّ أن یأتی سائر المشاهد بالمدينة وهی نحو ثلاثین موضعاً يعرفها أهل المدينة. ویسنّ زیاره البقیع وقبآء»؛<sup>(۱)</sup> «و سنت مستحب است که زائر، به بقیه مشاهد (مکان های شریف) در مدینه نیز برود و آن ها حدود سی موضع است که اهل مدینه می شناسند و زیارت بقیع و قبا نیز مستحب است».

او در جای دیگری می گوید: «ویندب (زیارها القبور) الّتی فیها المسلمون (للرجال) بالإجماع. وکانت زیارتها منهیّاً عنها، ثمّ نسخت لقوله صلی الله علیه وآله: کنت نهیتکم عن زیاره القبور فزوروها. ولاتدخل النساء فی ضمیر الرجال علی المختار. وکان ینخرج إلی البقیع، فیقول: السلام علیکم دار قوم مؤمنین وإنا بکم إن شاء الله لا-حقون، اللهم اغفر لأهل بقیع الغرقد. وروی: فزوروا القبور فإنّها تذكّرکم الموت. وإنما نهاهم أوّلاً لقرب عهدهم بالجاهلیه، فلما استقرّت قواعد الإسلام واشتهرت أمرهم بها»؛<sup>(۲)</sup> «و زیارت قبور مسلمانان برای مردان به طور اجماع مستحب است. در گذشته زیارت قبور نهی شده بود، سپس نسخ شد؛ به دلیل فرمایش پیامبر صلی الله علیه وآله که فرمود: در گذشته شما را از زیارت قبور نهی کردم؛ ولی اکنون آن ها را زیارت کنید. بنابر اختیار مصنّف، زنان مشمول ضمیر راجع به مردان نمی شوند. و رسول خدا صلی الله علیه وآله همواره به سوی بقیع می رفت و می فرمود: سلام بر شما ای خانه گروه مؤمنان! و به خواست خدا به

ص: ۲۵

۱- ۳۴. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۲.

۲- ۳۵. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۳۶۵.

سوی شما خواهیم پیوست. خدایا! اهل بقیع غرقد را بیامرزا! و روایت شده که حضرت فرمود: قبور را زیارت کنید؛ چون شما را به مرگ، یادآوری می کنند. و همانا رسول خداصلی الله علیه وآله مردم را ابتدا به دلیل نزدیکی به دوران جاهلیت، نهی فرمود و هنگامی که پایه های اسلام در جامعه استقرار و شهرت یافت، آنان را به زیارت قبور، امر فرمود».

۳ - محمد بن نووی می نویسد: «وِیَسْتَحَبُّ لِلرِّجَالِ زِیَارَةَ الْقُبُورِ لَمَّا رَوَى أَبُو هُرَیْرَةَ قَالَ: زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَبْرَ أُمِّهِ فَبَكَى وَابْكَى مِنْ حَوْلِهِ ثُمَّ قَالَ: إِنِّي إِسْتَأْذَنْتُ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ أَنْ أَسْتَغْفِرَ لَهَا فَلَمْ يَأْذَنْ لِي، وَاسْتَأْذَنْتَهُ فِي أَنْ أَزُورَ قَبْرَهَا فَأْذَنْ لِي فَزُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تَذَكِّرُكُمُ الْمَوْتَ»؛<sup>(۱)</sup> «و زیارت قبور برای مردان مستحب است؛ به دلیل روایت ابی هریره که گفت: رسول خداصلی الله علیه وآله قبر مادرش را زیارت نمود و گریه کرد و اطرافیان را نیز گریانند. سپس فرمود: من از پروردگار عزوجل اجازه خواستم که برای او آمرزش بطلبم، خدا اذن نداد ولی اجازه خواستم که او را زیارت نمایم، خدا اذن داد، پس قبور را زیارت کنید؛ زیرا آن ها مرگ را یادآورتان می شوند».

۴ - ابن عابدین می نویسد: «مطلب فی زیاره القبور (قوله: وبزیارها القبور) أی لآبأس بها، بل تندب كما فی البحر عن المجتبی، فكان ینبغی التصریح به للأمر بها فی الحدیث المذكور كما فی

ص: ۲۶

الامداد، وتزار فی کلّ أسبوع كما فی مختارات النوازل، قال فی شرح لباب المناسك، إلیما أنّ الأفضل یوم الجمعة والسبت والاثنين والخمیس، فقد قال محمد بن واسع: الموتی یعلمون بزوارهم یوم الجمعة ویوماً قبله ویوماً بعده، فتحصل أنّ یوم الجمعة أفضل؛(۱) «مطلبی درباره زیارت قبور: قول مصنف که گفت: (و به زیارها لقبور)؛ یعنی زیارت کردن قبور اشکالی ندارد بلکه مستحب است؛ چنان که از مجتبی در البحر نقل شده است، پس تصریح به این استحباب بهتر بود، چون در حدیث مذکور به آن زیارت، امر شده؛ چنان که در «الامداد» ذکر شده است. و قبور در هر هفته زیارت می شوند؛ چنان که در «مختارات النوازل» آمده است. در شرح «لباب المناسك» گفته است: مگر این که روز جمعه، شنبه، دوشنبه و پنج شنبه افضل است. محمد بن واسع گفته است: مردگان، از زائران خود در روز جمعه و یک روز قبل و یک روز بعد از آن آگاهند، در نتیجه روز جمعه افضل است».

۵ - ابوبکر کاشانی می نویسد: «ولم یتکلم المصنف رحمه الله علی زیاره القبور، ولا بأس بیانه تکمیلًا للفائدة. قال: فی البدائع: ولا بأس بزیاره القبور والدعاء للأموات إن كانوا مؤمنین من غیر وطیء القبور لقول النبئ صلی الله علیه وآله إنی کنت نهیتکم عن زیاره القبور ألا فزوروا فانها

ص: ۲۷

تذکر کم الآخره. ولعمل الأئمه من لدن الرسول صلى الله عليه وآله إلى يومنا هذا...»؛<sup>(۱)</sup> «و مصنف در مورد زیارت قبور سخن پردازى نکرد، ولی برای تکمیل فائده اشکالی ندارد که بیان شود. در کتاب «بدائع» گفته است: و زیارت قبور و دعا برای مردگان مؤمن، بدون پانهادن بر روی قبر اشکالی ندارد، به دلیل سخن پیامبر صلی الله علیه وآله که فرمود: من شما را در گذشته از زیارت قبور نهی می کردم، اکنون آن ها را زیارت کنید؛ چون که شما را به آخرت یاد آور می شوند و نیز به دلیل سیره عملی امت اسلام از زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله تا به امروز.»

او در جای دیگر می گوید: «وروی أن سعد بن أبي وقاص - رضی الله عنه - سأل رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله! إن أمتي كانت تحب الصدقة أفأتصدق عنها؟ فقال النبي صلى الله عليه وآله: تصدق. وعليه عمل المسلمین من لدن رسول الله صلى الله عليه وآله إلى يومنا هذا من زیاره القبور وقرآءه القرآن علیها والتکفین والصدقات والصوم والصلاه وجعل ثوابها للأموات. ولا امتناع فی العقل أيضاً؛ لأن أعطاء الثواب من الله تعالى افضال منه لاستحقاق علیه، فله أن یتفضل علی من عمل لأجله يجعل الثواب له كما له أن یتفضل باعطاء الثواب من غیر عمل رأساً؛»<sup>(۲)</sup> «و روایت شده که سعد بن ابی وقاص سؤالی را از رسول خدا صلی الله علیه وآله پرسید و عرض کرد: ای رسول خدا! مادر من صدقه دادن را دوست می داشت، آیا می توانم از طرف او صدقه بدهم؟ پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: صدقه بده. و سیره عملی مسلمانان از

ص: ۲۸

---

۱- ۳۸. بدائع الصنائع، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲- ۳۹. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۲۱۲.

زمان رسول خداصلی الله علیه وآله تا به امروز چنین بوده است؛ مانند زیارت قبور و قرائت قرآن بر آن ها و کفن کردن و صدقات و روزه و نماز به جای آوردن و قرار دادن ثواب آن برای مردگان. و از جهت عقلی هم هیچ امتناعی ندارد؛ زیرا اعطای ثواب از ناحیه خدای تعالی یک نوع تفضّل است نه این که بنده برای آن استحقاق داشته باشد، پس خدا می تواند برای کسی که برای او فداکاری می کند، ثواب قرار دهد؛ همچنان که می تواند رأساً به کسی بدون این که کاری را انجام دهد، از باب تفضّل، ثواب عطا نماید».

۶- ابن نجیم مضرری می نویسد: «وَصَرَّحَ فِي الْمَجْتَبِي بِأَنَّهَا مَنْدُوبَةٌ. وَقِيلَ: تَحْرِمُ عَلَى النِّسَاءِ وَالْأَصْحَابِ أَنْ الرَّخِصَةَ ثَابِتَةً لَهُمْ»؛ (۱) «و در مجتبی تصریح کرده است که زیارت قبور مستحب است. و بعضی گفته اند: بر زنان حرام است؛ ولی قول صحیح تر این است که رخصت و جواز برای هر دو (مردان و زنان) ثابت است».

۷- بهوتی می نویسد: «... (وإذا أراد الخروج) من المدينة ليعود إلى وطنه - بعد فعل ماتقدّم - وزياره البقيع، ومن فيه من الصحابه والتابعين، والعلماء والصالحين. عاد إلى المسجد النبوي فيصلّي فيه ركعتين، وعاد إلى قبر رسول الله صلى الله عليه وآله فودّع وأعاد الدعاء، قاله في المستوعب، وقال: ويعزم على أن لا يعود إلى ماكان عليه قبل حجّه، من عمل لا يرضى»؛ (۲) «... و اگر خواست بعد از انجام اعمال و زیارت بقیع

ص: ۲۹

---

۱- ۴۰. البحر الرائق، ج ۲، ص ۳۴۲.

۲- ۴۱. کشاف القناع، ج ۲، ص ۶۰۱.

و کسانی که در آن مدفون هستند از جمله صحابه و تابعان و علما و صالحان، از مدینه خارج شده و به وطن خود بازگردند، به سوی مسجد نبوی برگشته و دو رکعت در آن نماز می خوانند و به طرف قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله رفته و با او وداع نموده و دعا را تکرار می کند، این مطلب را در کتاب «المستوعب» گفته و اضافه کرده است: و تصمیم می گیرد دیگر به سراغ کارهایی که قبل از حج مرتکب می شده و خدا از آن ها راضی نبوده، نرود».

۸- ابن حزم می نویسد: «مسأله - وتستحبّ زیاره القبور، وهو فرض ولو مرّه ولا بأس بأن يزور المسلم قبر حميمه المشرک، الرجال والنساء سواء؛ لما روينا من طریق مسلم: (حدّثنا) أبوبکر بن أبی شیبہ عن محمّد بن فضیل عن أبی سنان - هو ضرار بن مرّه - عن محارب بن دثار عن ابن بریده عن أبیه قال رسول الله صلی الله علیه و آله: (نهیتکم عن زیارها لقبور فزوروها)، ومن طریق مسلم: (حدّثنا) أبوبکر ابن أبی شیبہ عن محمّد بن عبید عن یزید بن کیسان عن أبی حازم عن أبی هريره قال: زار النبی صلی الله علیه و آله قبر أمه فبکی وأبکی من حوله، فقال: أستأذنت ربّي فی أن استغفر لها فلم يؤذن لی، (۱) واستأذنته فی أن أزور قبرها وأذن لی، فزوروا القبور فإنها تذكّر الموت. وقد صحّ عن أمّ

ص: ۳۰

---

۱- ۴۲. نگارنده می گوید: درباره ایمان آباء و امهات پیامبران بحث های زیادی شده است ما معتقدیم که پدران و مادران پیامبران همگی از حضرت آدم علیه السلام به بعد مؤمن و مؤحد بوده اند و این موضوع را در کتاب شیعه شناسی و پاسخ به شبهات به طور مستقل بحث کرده ایم.



المؤمنين، وابن عمر وغيرهما زیاره القبور. وروی عن عمر، النهی عن ذلك ولم یصح؛<sup>(۱)</sup> «مسأله: و ما زیارت قبور را مستحب می دانیم و آن فرض و لازم است؛ اگرچه یک بار باشد. و اشکالی ندارد که مسلمان، قبر فامیل و نزدیکان مشرک خود را زیارت کند. مردان و زنان در این مسأله برابرند، به دلیل روایت مسلم از ابوبکر بن ابی شیبه از محمد بن فضیل از ابوسنان (ضراهبین مژه) از محارب بن دثار از ابن بریده از پدرش نقل می کند که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: شما را در گذشته از زیارت قبور نهی کردم، اکنون آن ها را زیارت کنید. نیز به دلیل روایت مسلم از ابوبکر بن شیبه از محمد بن عبید از یزید بن کیسان از ابوحازم از ابوهریره نقل می کند که او گفت: پیامبرصلی الله علیه وآله قبر مادرش را زیارت نمود و گریه کرد و اطرافیان را نیز گریاند، سپس فرمود: از پروردگار اجازه خواستم که برای مادرم آمرزش بطلبم، خدا اذن نداد ولی اجازه خواستم که او را زیارت نمایم، خدا اذن داد، پس قبور را زیارت کنید؛ زیرا آن ها مرگ را یادآورتان می شوند. و زیارت قبور به طور صحیح از ام المؤمنین و ابن عمر و غیر آن دو نقل شده است. و نهی از زیارت قبور، از عمر نقل شده ولی روایتش صحیح نیست».

۹ - البانی در احکام «الجنائز» می نویسد: «زیاره القبور: و تشرع للتعاطف بها و تذکر الآخرة، شریطه أن لا یقول عندها ما یغضب الربّ سبحانه و تعالی کدعاء القبور والاستغاثه به من دون الله تعالی، أو

ص: ۳۱

تزكيتہ والقطع له بالجئہ، ونحو ذلك، وفيه أحاديث: الأول: عن بريده بن الحصيب - رضى الله عنه - قال: قال رسول الله إنى كنت نهيتكم عن زيارة القبور فزوروها، (فإنها تذكركم الآخرة)، (ولتزدكم زيارتها خيراً)، (فمن أراد أن يزور فليرز، ولا تقولوا هجرًا) أخرجه مسلم (١) وأبو داود (٢) ومن طريقه البيهقي (٣) والنسائي (٤) وأحمد (٥) والزيادة الأولى والثانية له، ولأبى داود الأولى بنحوها وللنسائي الثانية والثالثة.

قال النووي رحمه الله فى «المجموع» (٤): والهجر: الكلام الباطل. وكان النهى أولاً لقرب عهدهم من الجاهليته فرّما كانوا يتكلمون بكلام الجاهليته الباطل، فلما استقرت قواعد الإسلام، وتمهدت أحكامه، واستشهرت معالمه أُبيح لهم الزيارة، واحتاط صلى الله عليه وآله بقوله: ولا تقولوا هجرًا.

وقد قال الصنعانى فى «سبل السلام» (٧) عقب أحاديث فى الزيارة والحكمه منها: الكلّ دالّ على مشروعيتّه زيارة القبور وبيان الحكمه فيها، وأنها للإعتبار... فإذا خلت من هذه لم تكن مراده شرعاً.

الثانى: عن أبى سعيد خدرى قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «إنى نهيتكم عن زيارة القبور فزوروها، فإنّ فيها عبره. (ولا تقولوا ما يسخط

ص: ٣٢

١- ٤٤. صحيح مسلم، ج ٣، ص ١٥٦٤، ج ٢، ص ٦٧٢.

٢- ٤٥. سنن أبى داود، ج ٣، ص ٢١٨ و ٣٣٢.

٣- ٤٦. سنن بيهقى، ج ٤، ص ٧٧.

٤- ٤٧. سنن نسائي، ج ٤، ص ٨٩، و ج ٧، ص ٢٣٤.

٥- ٤٨. مسند احمد بن حنبل، ج ٥، ص ٣٥٠، ٣٥٥، ٣٥٦، ٣٦١.

٦- ٤٩. المجموع نووى، ج ٥، ص ٣١٠.

٧- ٥٠. سبل السلام، صنعانى، ج ٢، ص ٥٧٨.

الرب). أخرجه أحمد (١) والحاكم (٢) وعنه البيهقي (٣) ثم قال: صحيح على شرط مسلم، ووافقه الذهبي وهو كما قالوا. ورواه البزار أيضاً والزيادة له كما في مجمع الهيثمي (٤).

وقال: وأسناد رجاله رجال الصحيح قلت: وهي عند أحمد بنحوها من طريق أخرى وأسنادها لا بأس به في المتابعات، ولها شاهد من حديث عبد الله بن عمر وبلفظ البزار. أخرجه الطبراني في «المعجم الصغير» (٥) ورجاله موثقون.

الثالث: عن أنس بن مالك قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «كنت نهيتكم عن زيارة القبور، أن فزوروها، فإنه يرق القلب وتدمع العين وتذكر الآخرة، ولا تقولوا هجراً». أخرجه الحاكم (٦) بسند حسن، ثم رواه (٧) أحمد من طريق أخرى عنه بنحوه، وفيه ضعف. وفي الباب عن أبي هريرة وسيأتي؛ (٨) «زيارة قبور: وزيارة قبور به خاطر پندآموزی و یادآوری آخرت، مشروع شده است به شرط این که نزد آن ها سخنی که موجب غضب پروردگار سبحان و تعالی گردد گفته نشود، مانند دعای قبور و پناه بردن به قبر، بدون توجه به خدای تعالی، یا پاک نمودن خود از گناهان

ص: ٣٣

١- ٥١. مسند احمد بن حنبل، ج ٣، ص ٣٨، ٤٣، و ٤٤.

٢- ٥٢. مستدرک حاکم، ج ١، ص ٣٧٥ - ٣٧٦.

٣- ٥٣. سنن بیهقی، ج ٤، ص ٧٧.

٤- ٥٤. مجمع هیثمی، ج ٣، ص ٥٨.

٥- ٥٥. المعجم الصغير، ج ٢، ص ٤٢.

٦- ٥٦. مستدرک حاکم، ج ١، ص ٣٧٦.

٧- ٥٧. همان، ص ٣٧٥ - ٣٧٦.

٨- ٥٨. احکام الجنائز، الالبانی، ص ١٧٨.

و خود را یقیناً بهشتی دانستن و نظیر این ها. در این باره چند حدیث است:

حدیث اول: از بریده بن حصیب رضی الله عنه که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من در گذشته شما را از زیارت قبور نهی می کردم، اکنون آن ها را زیارت کنید ( چون که آن ها آخرت را یاد آورتان می شوند و زیارت آن ها خیر شما را زیاد می کند، پس هر کس خواست می تواند آن ها را زیارت کند؛ ولی سخن بیهوده و باطل نگوید). این روایت را مسلم، ابوداؤد، بیهقی، نسائی و احمد نقل کرده اند. و زیادتی اول و دوم را احمد نقل کرده و شبیه زیادتی اول را ابوداؤد و زیادتی دوم و سوم را نسائی نقل نموده است.

نووی در کتاب «المجموع» گفته است: و منظور از هجر، سخن باطل است و نهی ابتدایی از زیارت قبور، به خاطر نزدیکی زمان مردم به دوران جاهلیت بوده که چه بسا با سخنان باطل جاهلیت تکلم می کردند؛ اما وقتی که پایه های اسلام استوار گردید و مقدمات اجرای احکام آن فراهم شد و نشانه ها شهرت یافت، زیارت قبور برای مسلمانان مباح شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله به خاطر این که در زیارت، رعایت احتیاط بشود، فرمود: در زیارت سخن زشت و باطل نگوئید.

و صنعانی در کتاب «سبل السلام» به دنبال احادیث زیارت و حکمت آن گفته است: همه این احادیث، بر مشروع بودن زیارت قبور دلالت نموده و حکمت آن را نیز بیان می کند و این که این زیارت برای عبرت آموزی است... پس اگر زیارتی، از این حکمت خالی باشد آن زیارت شرعاً اراده نشده (و جایز نیست).

حدیث دوم: از ابوسعید خدری نقل شده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من در گذشته شما را از زیارت قبور نهی می کردم، اکنون آن ها را زیارت کنید؛ زیرا در آن عبرت است (و سخنی را که موجب سخط پروردگار باشد نگوید).

احمد، حاکم و بیهقی این روایت را نقل کرده اند. و بیهقی گفته است: این روایت بر اساس شرط مسلم (ولا تقولوا هجراً) صحیح است. ذهبی با بیهقی موافقت کرده و گفته است: مطلب همان طوری است که آن دو (بیهقی و مسلم) نقل کرده اند. و این روایت را نیز بزار با زیادتی آن نقل کرده است، چنان که در کتاب «مجمع الزوائد» هیشمی گفته است: و راویان سندش از رجال صحیح می باشند.

می گویم: و شبیه این روایت با سند و طریق دیگری نزد احمد نقل شده و سندش در متابعات، بی اشکال است و شاهد بر این روایت، حدیث عبدالله بن عمر و عبارت بزار است. و طبرانی هم در «المعجم الصغیر» آن را با راویان موثق نقل کرده است.

حدیث سوم: از انس بن مالک نقل شده که گفته است: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در گذشته شما را از زیارت قبور نهی می کردم، اکنون آن ها را زیارت کنید؛ زیرا این زیارت، قلب را رقیق و چشم را اشک بار و آخرت را به یاد شما می آورد، اما در آن، سخن هجو و باطل نگوید.

حاکم در مستدرک آن را با سند حسن نقل کرده است، سپس او و احمد

شبهه این روایت را با سند و طریق دیگری نقل کرده اند که در سند آن، ضعف است و در این باب هم از ابوهریره - رضی الله عنه - نقل شده که خواهد آمد».

۱۰ - سمهودی می گوید: «وقد قال حجّه الاسلام الغزالی: کلّ من یتبرک بمشاهدته فی حیاته یتبرک بزیارته بعد موته ویجوز شدّ الرحال لهذا الغرض، انتهى».

وقد تكون الزياره لأداء حقّ أهل القبور. وقد روى عن النبيّ صلى الله عليه وآله أنّه قال: آنس ما يكون الميّت في قبره إذا زاره من كان يحبّه في دار الدنيا. وسبق عن ابن عباس مرفوعاً: ما من أحد يمرّ بقبر أخيه المؤمن يعرفه في الدنيا فسلمّ عليه الا عرفه وردّ عليه السلام.

ورأيت بخطّ الأقسهري: روى بقى بن مخلد بسنده إلى محمّد بن النعمان عن أبيه مرفوعاً: من زار قبر أبويه في كلّ جمعه أو أحدهما كتب باراً وإن كان في الدنيا قبل ذلك بهما عاقاً؛<sup>(۱)</sup> «غزالی گفته است: هر کس که دیدن او در حال حیات موجب تبرک وی می شود، بعد از مرگ نیز دیدن او موجب تبرک وی می گردد و جایز است سفر برای زیارت او برای این غرض (پایان کلام غزالی).

و گاهی زیارت برای ادای حقّ اهل قبور می باشد. به تحقیق از رسول خداصلی الله علیه وآله روایت شده است که آن حضرت فرمود: مأنوس ترین حالت میّت در قبرش، هنگامی است که دوست و محبّ او در دنیا برای زیارت قبرش

ص: ۳۶

می آید. و قبلاً گذشت که در حدیث مرفوعه ای، ابن عباس گفته است: کسی نیست که بر قبر برادر مؤمنش - که در دنیا او را می شناخته - بگذرد و سلام بر او بفرستد مگر این که میت او را شناخته و جواب سلام او را می دهد.

و من به خط اقصه‌ری دیده‌ام: بقی بن مخلد با سند خودش تا محمد بن نعمان از پدرش در حدیث مرفوعه ای نقل کرده است که: هر کس قبر پدر و مادرش را زیارت کند در هر جمعه ای یا این که قبر یکی از آن دو را زیارت کند، او را از نیکوکاران می نویسند هر چند در دنیا قبل از وفات آن ها عاق والدین بوده باشد».

و نیز در جای دیگر می گوید: «وأجمع العلماء علی استحباب زیاره القبور للرجال کما حکاه النووی بل قال بعض الظاهریه بوجوبها»؛ (۱) «علما بر استحباب زیارت قبور بر مردان اجماع کرده اند؛ همانگونه که این اجماع را نووی نیز نقل کرده است بلکه بعضی از علمای ظاهریه قائل به وجوب زیارت قبور هستند.»

## آثار زیارت قبور

### اشاره

زیارت قبور آثار و برکاتی دارد که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

### ۱ - خشوع و یاد مرگ

انسان هنگامی که به زیارت قبور می رود به یاد قبر و قیامت و آخرت می افتد و در نتیجه خشوعی در او حاصل شده و از گناهان احتراز می نماید.

ص: ۳۷

ابن ماجه و ديگران از پيامبر صلی الله عليه وآله نقل کرده اند که فرمود: «زوروا القبور فإنها تذكركم - تذکر کم - الموت»؛ (۱) «به زیارت قبور بروید؛ زیرا این زیارت تذکر می دهد - تذکر می دهد شما را - به مرگ.»

حاکم نیز به سند خود از پيامبر صلی الله عليه وآله نقل کرده که فرمود: «زر القبور تذکر بها الآخره»؛ (۲) «به زیارت قبور برو؛ زیرا به توسط آن به یاد آخرت می افتی.»

## ۲ - دعا برای اموات

انسان هنگامی که وارد قبرستان می شود، یادش می آید که چگونه نزدیکان و دوستانش از این دنیا رفته و دستشان کوتاه شده است، لذا بر آنان ترحم کرده و دعا می خواند و از خدا برایشان آمرزش می طلبد.

پيامبر صلی الله عليه وآله فرمود: «نهيتکم عن زیاره القبور، فزوروها واجعلوا زیارتکم لها صلاه عليهم واستغفراً لهم»؛ (۳) «من شما را از زیارت قبور نهی کردم، ولی الآن به زیارت قبور روید و زیارتتان از قبور را در حقیقت دعا و استغفار برای آنان قرار دهید.»

## ۳ - ادای حقوق اموات

شکی نیست که اموات خصوصاً نزدیکان بر گردن ما حق دارند. و نیز

ص: ۳۸

---

۱- ۶۱. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۶۵، ح ۱۰۶، کتاب الجنائز.

۲- ۶۲. مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۱۳۹۵.

۳- ۶۳. المعجم الکبیر، طبرانی، ج ۲، ص ۹۴، ح ۱۴۱۹؛ مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۵۸.



اولیای الهی و پیامبران و امامان و صلحا و علما که در راه رسیدن بشر به کمال و سعادت و رساندن دین و ابلاغ آن زحمت بسیار کشیده اند به گردن ما حقی دارند و لذا بر ما است که بخشی از حقوقشان را با زیارت قبورشان ادا کنیم. گرچه در مورد انبیا و اوصیا اثر زیارت قبورشان به خود ما بازمی گردد. لذا از امام رضا علیه السلام نقل است که فرمود: «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِمْ وَشِيعَتِهِمْ، وَأَنْ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَحَسَنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ»؛<sup>(۱)</sup> «همانا برای هر امامی عهدی در گردن موالیان و شیعیان آنان است، که از تمام وفای به عهد آن و خوب اداکردن آن، زیارت قبور آنان است...».

### زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از نظر قرآن

در مورد خصوص زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله نیز می توان به برخی از آیات تمسک نمود؛ خداوند متعال می فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»؛<sup>(۲)</sup> «و اگر هنگامی که گروه منافق به گناه بر خود ستم کردند از کردار خود به خدا توبه کرده و به تو رجوع می کردند و پیامبر بر آن ها استغفار می کرد البته در این حال خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند.»

ص: ۳۹

---

۱- ۶۴. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۷۸ و ۷۹، ح ۳.

۲- ۶۵. سوره نساء، آیه ۶۴.

اگرچه آیه شریفه بنا بر نظر برخی از مفسرین، مربوط به زمان حیات پیامبر صلی الله علیه وآله بوده و کسانی که گناهکار بودند نزد پیامبر صلی الله علیه وآله آمده و اقرار به گناه می کردند و از آن حضرت می خواستند تا از خداوند برای آنان طلب مغفرت کند و آن گاه خداوند آنان را می آمرزید، ولی با بیانی می توان آن را به بعد از وفات آن حضرت نیز تعمیم داد.

سبکی در «شفاء السقام» می گوید: «اگرچه آیه مربوط به حال حیات پیامبر صلی الله علیه وآله است، ولی این رتبه و مقامی است که با موت حضرت قطع نمی شود. لذا می توان آن را به عموم علت به هر موردی که این اوصاف در آن مورد تحقق می یابد تعمیم داد. لذا علما از آیه، عموم فهمیده اند، پس مستحب است که هر کس به زیارت قبر ایشان می آید، این آیه را قرائت نماید» (۱).

در توضیح عموم علت که در تعبیر سبکی آمده، باید می گوئیم: جهت ارجاع گناهکاران به پیامبر صلی الله علیه وآله مسئله شفاعت بوده و شکی نیست که بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه وآله نیز گناهکار وجود دارد و احتیاج به شفاعت پیامبر یا ولی از اولیای الهی وجود دارد. لذا بعد از وفات نیز به زیارت قبر پیامبر رفتن و او را واسطه قرار دادن، اشکالی ندارد.

بنابر این مشاهده می کنیم که صحابه بعد از فوت پیامبر صلی الله علیه وآله نیز سر قبر پیامبر می آمدند و او را واسطه بخشش گناهان خود می دانستند.

ص: ۴۰

سفیان بن عنبیر از عتبی - که هر دو از مشایخ شافعی اند - نقل می کنند: کنار قبر پیامبر صلی الله علیه وآله نشسته بودم که اعرابی ای وارد شد و خطاب به رسول خدا صلی الله علیه وآله عرض کرد: سلام بر تو ای رسول خدا! خداوند متعال فرموده است: « وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا »، من به نزد تو آمده ام و از گناهان خود استغفار می نمایم و تو را شفیع نزد خداوند آورده ام، آن گاه گریه کرد و اشعاری درباره پیامبر صلی الله علیه وآله سرود. (۱)

سمعانی شبیه همین قضیه را از امام علی علیه السلام نقل می کند. (۲)

اگر این عمل جایز نبود، چرا صحابه؛ خصوصاً امام علی علیه السلام که در آن مکان حاضر بود از آن منع نفرمود؟ (۳)

### روایات و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وآله

امامان حدیث از اهل سنت روایات بسیاری را در صحاح و مسانید خود درباره اصل زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وآله و استحباب آن ذکر کرده اند. اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - عبدالله بن عمر از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «من زار قبری

ص: ۴۱

---

۱- ۶۷. وفاء الوفاء، سمهودی، ج ۴، ص ۱۳۶۱.

۲- ۶۸. همان، ج ۲، ص ۶۱۲.

۳- ۶۹. وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۶۱۲.

وجبت له شفاعتی»؛<sup>(۱)</sup> «هر کس به زیارت قبر من آید شفاعتم بر او واجب می شود.»

۲- و نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «من جاءني زائراً لا تعلمه إلا زیارتی کان حقاً علی أن أكون له شفیعاً یوم القیمه»؛<sup>(۲)</sup> «هر کس برای زیارت نزد من آید و تنها کار او زیارت من باشد، بر من سزاوار است که شفیع او در روز قیامت شوم.»

۳- و نیز نقل کرده که فرمود: «من حجّ فزار قبری بعد وفاتی کان کمن زارنی فی حیاتی»؛<sup>(۳)</sup> «هر کس حج به جای آورد و قبر مرا بعد از وفاتم زیارت کند، مثل کسی است که مرا در زمان حیاتم زیارت کرده است.»

۴- و هم چنین از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «من حجّ البیت ولم یزرنی فقد جفانی»؛<sup>(۴)</sup> «هر کس حج خانه خدا را به جای آورد ولی مرا زیارت نکند به طور حتم به من جفا کرده است.»

۵- از عمر نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من زار قبری - أو من زارنی - کنت له شفیعاً - أو شهیداً...»؛<sup>(۵)</sup> «هر کس قبر مرا زیارت کند - یا این که فرمود: هر کس مرا زیارت کند - من شفیع - گواه - او خواهم بود...».

ص: ۴۲

---

۱- ۷۰. سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۲۷۸، ح ۱۹۴؛ السنن الکبری، بیهقی، ج ۵، ص ۲۴۵.

۲- ۷۱. المعجم الکبیر، طبرانی، ج ۱۲، ص ۲۲۵، ح ۱۳۱۴۹.

۳- ۷۲. المعجم الکبیر، ج ۱۲، ص ۳۱۰، ح ۱۳۴۹۷؛ سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۲۷۸، ح ۱۹۲.

۴- ۷۳. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۲؛ المواهب اللدنیة، ج ۴، ص ۵۷۱.

۵- ۷۴. مختصر تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۰۷؛ کنوز الحقائق، ج ۲، ص ۱۰۷.

۶ - حاطب بن ابی بلتعہ از پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ نقل کرده کہ فرمود: «من زارنی بعد موتی فکأنما زارنی فی حیاتی...»؛<sup>(۱)</sup> «هر کس مرا بعد از مرگم زیارت کند به مانند آن است کہ مرا در زمان حیاتم زیارت کرده است.»

۷ - عبداللہ بن عمر نقل کرده کہ پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ فرمود: «من حجّ حجه الاسلام وزار قبری وغزا غزوه وصلی علیّ فی بیت المقدّس لم یسأله اللّٰه عزّ وجلّ فیما افترض علیہ»؛<sup>(۲)</sup> «هر کس حجه الاسلام به جای آورد و قبر مرا زیارت کند و در غزوه ای شرکت نماید و در بیت المقدس بر من درود بفرستد، خدای عزوجلّ در آنچه بر او واجب کرده، او را سؤال و مواخذہ نخواهد کرد.»

۸ - ابوهریره از پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ نقل کرده کہ فرمود: «من زارنی بعد موتی فکأنما زارنی وأنا حیّ. ومن زارنی کنت له شهیداً وشفیعاً یوم القیمه»؛<sup>(۳)</sup> «هر کس مرا بعد از مرگم زیارت کند همانند آن است کہ مرا در حال حیاتم زیارت کرده است. و هر کس مرا زیارت کند او را گواه و شفیع در روز قیامت خواهم بود.»

۹ - انس بن مالک از پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ نقل کرده کہ فرمود: «من زارنی

ص: ۴۳

---

۱- ۷۵. سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۲۷۸، ح ۱۹۳؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۴۵.

۲- ۷۶. شفاء السقام، ص ۳۴، ح ۹؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۴؛ نیل الاوطار، ج ۵، ص ۱۰۹.

۳- ۷۷. شفاء السقام، ص ۳۵؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۵.

بالمدينة محتسباً كنت له شفيعاً»؛<sup>(۱)</sup> «هر کس مرا در مدینه با اخلاص زیارت کند، من شفیع او خواهم بود.»

۱۰ - و نیز از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «من زارنی میتاً فکأنتما زارنی حیاً، ومن زار قبری وجبت له شفاعتی یوم القیمه. وما من أحد من أمتی له سعه ثم لم یزرنی فلیس له عذر»؛<sup>(۲)</sup> «هر کس مرا بعد از مرگم زیارت کند همانند آن است که مرا در حیاتم زیارت کرده است و هر کس قبر مرا زیارت کند شفاعتم در روز قیامت بر او ثابت می گردد. و هر یک از امت من که وسعت مالی داشته، ولی مرا زیارت نکرده باشد، عذری ندارد.»

۱۱ - ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «من زارنی فی مماتی کان کمن زارنی فی حیاتی، ومن زارنی حتی ینتهی الی قبری كنت له یوم القیمه شهیداً - أو قال - شفیعاً»؛<sup>(۳)</sup> «هر کس مرا بعد از مرگم زیارت کند همانند کسی خواهد بود که در زمان حیاتم مرا زیارت کرده است. و هر کس مرا زیارت کند تا این که به کنار قبر من برسد من گواه او - شفیع او - در روز قیامت خواهم بود.»

۱۲ - امام علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «من زار قبری بعد

ص: ۴۴

- 
- ۱- ۷۸. مختصر تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۰۶؛ التاج الجامع للاصول، ج ۲، ص ۱۹۰.
  - ۲- ۷۹. شفاء السقام، ص ۳۷؛ المواهب اللدنیة، ج ۴، ص ۵۷۲؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۶.
  - ۳- ۸۰. مختصر تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۰۶؛ شفاء السقام، ص ۳۸؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۶.

مماتی فکأنما زارنی فی حیاتی، ومن لم یزر قبری فقد جفانی»؛<sup>(۱)</sup> «هر کس قبر مرا بعد از مرگم زیارت کند همانند آن است که مرا در زمان حیاتم زیارت کرده است، و هر کس که قبر مرا زیارت نکند به من جفا کرده است.»

۱۳ - بکر بن عبدالله از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «من أتى المدینه زائراً لی وجبت له شفاعتی یوم القیمه...»؛<sup>(۲)</sup> «هر کس به جهت زیارت من وارد مدینه شود شفاعت من در روز قیامت بر او واجب می شود.»

۱۴ - عبدالله بن عمر از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «من زارنی بعد موتی فکأنما زارنی فی حیاتی»؛ «هر کس مرا بعد از مرگم زیارت کند همانند آن است که مرا در زمان حیاتم زیارت کرده است.»

۱۵ - ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «من حجَّ إلی مکه ثمَّ قصدنی فی مسجدی کتبت له حجَّتان مبرورتان»؛<sup>(۳)</sup> «هر کس در مکه حج به جای آورد و سپس مرا در مسجدم قصد نماید برای او ثواب دو حج مقبول نوشته می شود.»

۱۶ - از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «من زار قبر رسول الله صلی الله علیه وآله

ص: ۴۵

---

۱- ۸۱. مختصر تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۰۶؛ شفاء السقام، ص ۳۹؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۷.

۲- ۸۲. المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۲۸۹؛ السنن الکبری، بیهقی، ج ۵، ص ۲۴۶.

۳- ۸۳. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۷؛ نیل الاوطار، ج ۵، ص ۱۰۹.

کان فی جواره»؛<sup>(۱)</sup> «هر کس قبر رسول خداصلی الله علیه وآله را زیارت کند در جوار او خواهد بود.»

## زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وآله در سیره صحابه

### توضیح

با مراجعه به سیره پیشینیان از صحابه، تابعین و دیگران پی می بریم که زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وآله شیوه آنان بوده است. اینک به نمونه هایی از این سیره اشاره می کنیم:

### ۱ - حضرت زهرا علیها السلام

ابن عساکر و دیگران به سند خود از امام علی علیه السلام نقل کرده اند: لَمَّا رَمَسَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَاءَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَوَقَفَتْ عَلَى قَبْرِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَخَذَتْ قَبْضَهُ مِنْ تَرَابِ الْقَبْرِ وَوَضَعَتْ عَلَى عَيْنَيْهَا وَبَكَتْ وَأَنْشَأَتْ تَقُولُ:

مَاذَا عَلِيٌّ مِنْ شَمِّ تَرْبَةِ أَحْمَدَ

أَنْ لَا يَشُمَّ مَدَى الزَّمَانِ غَوَالِيَا

صَبَّتْ عَلَيَّ مِصَابِي لَوْ إِنِّي

صَبَّتْ عَلَيَّ الْأَيَّامُ عَدْنَ لِيَالِيَا<sup>(۲)</sup>

«چون رسول خداصلی الله علیه وآله دفن شد فاطمه - درود خدا بر او باد - در کنار قبر ایشان قرار گرفت و مشتی خاک قبر را برداشته و بر چشمش گذارد و گریست و این شعر را سرود: چیست بر کسی که تربت احمد را بو کرده این که نمی خواهد در طول زمان هیچ بویی را استشمام کند. بر سر من مصایبی ریخته شد که اگر بر روزها ریخته می شد تبدیل به شب می شدند.»

ص: ۴۶

۱- ۸۴. مختصر تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۰۶؛ نیل الأوطار، ج ۵، ص ۱۰۹.

۲- ۸۵. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۴۰۵؛ ارشاد الساری، ج ۲، ص ۳۹۰.



بیهقی به سند خود از ابی محمّد بن منکدر نقل کرده که گفت: جابر را دیدم؛ در حالی که در کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه وآله بود و می فرمود: «هاهنا تسکب العبرات، سمعت رسول الله صلی الله علیه وآله يقول: ما بین قبری ومنبری روضه من ریاض الجنّه»؛ (۱) «اینجاست که اشک ها ریخته می شود. از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که می فرمود: ما بین قبر من و منبرم باغی از باغ های بهشت است.»

### ۳ - ابویوب انصاری

حاکم نیشابوری و دیگران به سند خود از داوود بن ابی صالح نقل کرده اند که گفت: «أقبل مروان يوماً فوجد رجلاً واضعاً وجهه على القبر فأخذ برقبته ثم قال: هل تدري ماتصنع؟ فأقبل عليه فإذا أبوأيوب الأنصاري، فقال: نعم إنني لم آت الحجر ولم آت اللبّن، إنما جئت رسول الله صلی الله علیه وآله ولم آت الحجر، سمعت رسول الله يقول: "لا تَبْكُوا على الدين إذا وليه أهله ولكن أبكوا على الدين إذا وليه غير أهله"؛ (۲) «مروان روزی بر بقعه رسول خدا صلی الله علیه وآله وارد شد. مردی را مشاهده کرد که صورت خود را بر روی قبر گذارده است. مروان گردن او را گرفت، و به او گفت: آیا می دانی چه می کنی؟ دقت که کرد، ناگهان دید که او ابویوب

ص: ۴۷

۱- ۸۶. شعب الایمان، ج ۳، ص ۴۹۱.

۲- ۸۷. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۱۵؛ مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۴۵.

انصاری است. ابوتیوب فرمود: آری، من به جهت سنگ نیامده ام و نیز به جهت این خشت ها نیامده ام، من تنها به جهت رسول خداصلی الله علیه وآله آمده ام. من به جهت این سنگ نیامده ام. از رسول خداصلی الله علیه وآله شنیدم که می فرمود: بر دین نگرید اگر فردی شایسته متولی آن شد، ولی بر دین بگرید هنگامی که متولی آن نااهل باشد.»

#### ۴ - شخص اعرابی

از امام علی علیه السلام نقل شد که فرمود: «قدم علینا اعرابی بعد ما دفننا رسول الله صلی الله علیه وآله بثلاثة ایام، فرمی بنفسه علی قبر النبی صلی الله علیه وآله وحثا من ترابه علی رأسه وقال: یا رسول الله صلی الله علیه وآله! قلت فسمعناه ووعیت عن الله سبحانه فوعینا عنک، وکان فیما أنزل علیک: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا...» وقد ظلمت نفسی وجتتک تستغفر لی. فنودی من القبر: قد غفر لک»؛(۱) «شخصی اعرابی بعد از سه روز از وفات رسول خداصلی الله علیه وآله بر ما وارد شد و خودش را بر قبر پیامبر انداخت و از خاک قبر حضرت بر سر خود ریخت و عرض کرد: ای رسول خدا! گفتم، پس ما گفتارت را شنیدیم، و از خداوند سبحان گرفتی ما نیز از تو گرفتیم. از جمله آیاتی که بر تو نازل شد این آیه است: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا...» من به خودم ظلم کردم و آمده ام تا تو برایم استغفار کنی. حضرت فرمود: از داخل قبر ندا داده شد: برای تو بخشوده شد.»

ص: ۴۸

از این حدیث نکاتی چند استفاده می شود:

(الف) مشروعیت اصل زیارت قبور.

(ب) مشروعیت شدّ رحال به جهت زیارت قبور.

(ج) توسل به ارواح اولیای الهی.

(د) استغاثه از ارواح اولیای الهی.

## ۵ - بلال حبشی

بلال بن رباح حبشی مؤذن رسول خدا صلی الله علیه وآله بعد از وفات آن حضرت از مدینه به شام هجرت کرد. ولی خوابی را دید که ابن عساکر آن را این گونه با سندش از ابی الدرداء نقل کرده است: «إِنَّ بِلَالَ رَأَى فِي مَنَامِهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَقُولُ: مَا هَذِهِ الْجَفْوَةُ يَا بِلَالُ؟! أَمَا أَنْ لَكَ أَنْ تَزُورَنِي يَا بِلَالُ؟! فَانْتَبَهَ حَزِينًا وَجَلًّا خَائِفًا، فَرَكِبَ رَاحِلَتَهُ وَقَصَدَ الْمَدِينَةَ، فَأَتَى قَبْرَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَجَعَلَ يَبْكِي وَيَمْرُغُ وَجْهَهُ عَلَيْهِ، فَأَقْبَلَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ فَجَعَلَ يَضُمُّهُمَا وَيَقْبَلُهُمَا، فَقَالَ لَهُ: نَشْتَهِي أَنْ نَسْمَعَ أَذَانَكَ الَّذِي كُنْتَ تُؤَدِّنُ بِهِ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَفَعَلَ، فَعَلَى سَطْحِ الْمَسْجِدِ، فَوَقَفَ مَوْقِفَهُ الَّذِي كَانَ يَقِفُ فِيهِ، فَلَمَّا أَنْ قَالَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» إِرْتَجَّتِ الْمَدِينَةَ. فَلَمَّا أَنْ قَالَ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» إِزْدَادَتْ رَجَّتُهَا. فَلَمَّا أَنْ قَالَ: «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» خَرَجَتْ الْعَوَاتِقُ مِنْ خُدُورِهِنَّ فَقَالُوا: أُبْعَثَ رَسُولَ اللَّهِ؟ فَمَا رَأَى يَوْمًا أَكْثَرَ بَاكِيًّا وَلَا بَاكِيَةً بِالْمَدِينَةِ

بعد

رسول الله من ذلك اليوم»؛ (۱) «بلال شبی در عالم رؤیا رسول خداصلی الله علیه وآله را دید؛ در حالی که به او می فرمود: این چه جفایی است که کرده ای، ای بلال؟! آیا وقت آن نشده که ما را زیارت کنی ای بلال؟! بلال محزون و ترسناک بیدار شد و سوار بر مرکب خود به قصد مدینه حرکت نمود. مستقیماً به نزد قبر پیامبرصلی الله علیه وآله آمد و شروع به گریه کرده و صورت خود را بر قبر مالید. امام حسن و امام حسین علیهما السلام آمدند، بلال آن دو را در بغل گرفت و بوسید. آن دو به بلال فرمودند: ما آن طور اذانی را که برای رسول خداصلی الله علیه وآله می گفتی، می خواهیم از تو بشنویم. بلال قبول کرد و بر بام مسجد رفت و در مکانی که همیشه در آنجا می ایستاد، قرار گرفت. و چون «الله اکبر» گفت، مدینه به لرزه درآمد. چون «اشهد ان لا اله الا الله» گفت، صدای مردم بلندتر شد و هنگامی که «اشهد ان محمداً رسول الله» گفت، تمام زن ها از پشت پرده ها بیرون آمدند. مردم گفتند: آیا رسول خداصلی الله علیه وآله دوباره مبعوث شده است؟ مثل آن روز مردم را از زن و مرد گریان تر بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله ندیدند.»

نتیجه این که: رسول خداصلی الله علیه وآله او را به شدّ رحال به جهت زیارت خود امر نموده است. حدیث مذکور از حیث سند صحیح است.

و به سند صحیح و متواتر از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «من

ص: ۵۰

---

۱- ۸۹. تاریخ ابن عساکر، ترجمه بلال؛ مختصر تاریخ دمشق، ج ۴، ص ۱۱۸؛ تهذیب الکمال، ج ۴، ص ۲۸۹؛ اسدالغابه، ج ۱، ص ۳۰۷.

رآنی فی المنام فقد رآنی حقاً، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتِمُّثَلُّ بِئِي»؛<sup>(۱)</sup> «هر کس مرا در خواب ببیند به طور حتم خودم را دیده؛ زیرا شیطان به صورت من در نمی آید.»

## ۶ - عبدالله بن عمر

عبدالرزاق به سند صحیح در باب «سلام بر قبر پیامبر صلی الله علیه وآله» نقل کرده: «إِنَّ ابْنَ عُمَرَ كَانَ إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ أَتَى قَبْرَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ...!»؛<sup>(۲)</sup> «همانا عبدالله بن عمر این گونه بود که هر گاه از سفری باز می گشت، کنار قبر پیامبر صلی الله علیه وآله می آمد و عرض می نمود: سلام بر تو ای رسول خدا صلی الله علیه وآله!».

## ۷ - ایوب سختیانی

سمهودی از عبدالله بن مبارک نقل کرده که گفت: «سمعت أبا حنيفة يقول: قدم أيوب السخثياني وأنا بالمدينة، فقلت: لأنظرنَّ ما يصنع. فجعل ظهره ممايلي وجه رسول الله صلى الله عليه وآله وبكى غير متباك، فقام مقام رجل فقيه»؛<sup>(۳)</sup> «از ابوحنيفه شنيدم که می گفت: زمانی که من در مدینه بودم، ایوب سختیانی وارد شهر شد. با خودم گفتم: ببینم چه می کند، او پشت خود را به طرف رسول خدا صلی الله علیه وآله قرار داد و گریست نه مانند کسانی که تباکی می کنند. و در مقام شخص فقیه ایستاد.»

ص: ۵۱

۱- ۹۰. المجموع، نووی، ج ۶، ص ۲۱۱.

۲- ۹۱. المصنّف، ج ۳، ص ۵۷۶، ح ۶۷۲۵؛ المجموع، نووی، ج ۸، ص ۲۷۲؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۵۸.

۳- ۹۲. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۷۷.

این روایت دلالت بر صحت شدّ رحال به جهت زیارت رسول خداصلی الله علیه وآله دارد؛ زیرا سختیانی در مدینه نبوده است.

## ۸ - فرستادن پیک به جهت زیارت

حاتم بن وردان می گوید: «کان عمر بن عبدالعزیز یوجّه البرید قاصداً من الشام إلى المدینه ليقرئ عنه النبی صلی الله علیه وآله السلام»؛<sup>(۱)</sup> «عمر بن عبدالعزیز همیشه از شام پیک به مدینه می فرستاد تا از طرف او به پیامبرصلی الله علیه وآله سلام برساند.»

## اهل سنت و استحباب زیارت قبر رسول خداصلی الله علیه وآله

علمای اهل سنت به جز وهابیان عموماً فتوا به جواز بلکه استحباب زیارت قبر پیامبرصلی الله علیه وآله داده اند. اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - ابوالحسن ماوردی می گوید: «فإذا عاد - ولیّ الحاج - سار بهم علی طریق المدینه لزیاره قبر رسول الله صلی الله علیه وآله لیجمع لهم بین حجّ بیت الله عزّ وجلّ وزیاره قبر رسول الله رعایه لحرمته وقیاماً بحقوق طاعته...»؛<sup>(۲)</sup> «و چون سرپرست حاجیان از حج بازگشت، آنان را به جهت زیارت قبر رسول خداصلی الله علیه وآله از راه مدینه سیر داد تا برای آنان بین حجّ خانه خدای عزّوجلّ و زیارت قبر رسول خداصلی الله علیه وآله جمع کند، به جهت رعایت احترام حضرت و قیام به حقوق طاعت او...».

ص: ۵۲

---

۱- ۹۳. الشفاء، قاضی عیاض، ج ۲، ص ۸۵؛ شعب الایمان، بیهقی، ج ۳، ص ۴۹۲؛ المواهب اللدنیّه، ج ۳، ص ۴۰۶.

۲- ۹۴. الاحکام السلطانیّه، ج ۲، ص ۱۰۹.

۲ - ابواسحاق ابراهیم بن محمد شیرازی فقیه شافعی (متوفای ۴۷۶ ه.ق) می گوید: «ویستحبّ زیاره قبر رسول الله صلی الله علیه وآله»؛ (۱) «زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه وآله مستحب است.»

۳ - قاضی عیاض مالکی (متوفای ۵۴۴ ه.ق) می گوید: «وزیاره قبره صلی الله علیه وآله سنّه مجمع علیها وفضیله مرغّب فیها»؛ (۲) «و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وآله سنتی است که بر آن اجماع شده و فضیلتی است که در آن رغبت شده است.»

۴ - ابن قدامه مقدسی حنبلی (متوفای ۶۲۰ ه.ق) می گوید: «یستحبّ زیاره قبرالنبی صلی الله علیه وآله»؛ (۳) «زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وآله مستحب است»

۵ - محیی الدین نووی شافعی (متوفای حدود ۶۷۷ ه.ق) می گوید: «ویسنّ شرب ماء زمزم و زیاره قبر رسول الله صلی الله علیه وآله بعد فراغ الحجّ»؛ (۴) «آشامیدن آب زمزم و زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه وآله بعد از فراغ شدن از حج، مستحب است.»

۶ - شیخ تقی الدین سبکی شافعی (متوفای ۷۵۶ ه.ق) در کتاب «شفاء السقام» بابی را منعقد کرده و در آن می گوید: «سفر به جهت زیارت از وسایل تقرب به سوی خدا است...» (۵)

او این مطلب را از قرآن و روایات استفاده کرده است.

ص: ۵۳

۱- ۹۵. المهذب، ج ۱، ص ۲۳۳.

۲- ۹۶. شرح الشفاء، خفاجی، ج ۳، ص ۵۱۵.

۳- ۹۷. شرح مختصر الخرقی فی فروغ الحنابله، ج ۶، ص ۵۸۸.

۴- ۹۸. المنهاج، ج ۱، ص ۵۱۱.

۵- ۹۹. شفاء السقام، ص ۱۰۰ - ۱۱۷.

۷- سید نور الدین سمهودی (متوفای ۹۱۱ ه.ق) در کتاب «وفاء الوفاء» بحث مفصّلی را برای اثبات استحباب سفر به جهت زیارت آورده و ثابت کرده که سفر به جهت زیارت، همانند خود زیارت از وسایل تقرّب است» (۱).

۸- حافظ ابوالعباس قسطلانی مصری (متوفای ۹۲۳ ه.ق) می گوید: «إعلم أنّ زیاره قبره الشریف من أعظم القربات وأرجی الطاعات والسبیل إلى أعلى الدرجات، ومن اعتقد غیر هذا فقد انخلع من ربه الاسلام وخالف الله ورسوله وجماعه العلماء الأعلام»؛ (۲) «بدان که زیارت قبر شریف پیامبر صلی الله علیه وآله از عظیم ترین تقرّب ها و امیدوارترین طاعات و راهی به عالی ترین درجات است. و هر کس غیر از این را اعتقاد پیدا کند به طور حتم از دائره اسلام خارج شده و با خدا و رسولش و نیز با جماعت علمای اعلام مخالفت کرده است.»

۹- شیخ محمد خطیب شربینی (متوفای ۹۷۷ ه.ق) می گوید: «... أما زیارته صلی الله علیه وآله فمن أعظم القربات للرجال والنساء»؛ (۳) «اما زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وآله از عظیم ترین تقرّب ها برای مردان و زنان است.»

۱۰- زین الدین عبدالرؤف مناوی (متوفای ۱۰۳۱ ه.ق) می گوید: «وزیاره قبره صلی الله علیه وآله الشریف من کمالات الحجّ، بل زیارته عند الصوفیه

ص: ۵۴

---

۱- ۱۰۰. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۶۲.

۲- ۱۰۱. المواهب اللدنیّه، ج ۴، ص ۵۷۰.

۳- ۱۰۲. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۳۶۵.



فرض وعندهم الهجرة إلى قبره كهي إليه حيّاً»؛<sup>(۱)</sup> «و زیارت قبر شریف پیامبر صلی الله علیه وآله از کمالات حج است. بلکه زیارت قبر او نزد صوفیه واجب است. و نزد آنان هجرت به سوی قبر پیامبر صلی الله علیه وآله همانند هجرت به سوی او در زمان حیات است.»

۱۱ - شیخ عبدالرحمن شیخ زاده (متوفای ۱۰۷۸ ه.ق) می گوید: «من أحسن المندوبات بل يقرب من درجة الواجبات، زیاره قبر نبینا و سیدنا محمد صلی الله علیه وآله...»؛<sup>(۲)</sup> «از بهترین مستحبات بلکه عملی که نزدیک به درجه واجبات به حساب می آید، زیارت قبر نبی ما و سید ما محمد صلی الله علیه وآله است.»

۱۲ - محمد بن عبدالباقی زرقانی مالکی مصری (متوفای ۱۱۲۲ ه.ق) می گوید: «قد كانت زیارته مشهوره فی زمن كبار الصحابه، معروفه بینهم. لما صالح عمر بن الخطاب أهل بیت المقدس جاءه كعب الأخبار فأسلم ففرح به وقال: هل لك أن تسیر معی إلى المدینه و تزور قبره صلی الله علیه وآله و تتمتع بزیارته؟ قال: نعم»؛<sup>(۳)</sup> «زیارت حضرت از زمان بزرگان صحابه مشهور بوده و بین آنان معروف بوده است. زمانی که عمر بن خطاب با اهل بیت المقدس مصالحه کرد، کعب الأخبار نزد او آمد و اسلام

ص: ۵۵

---

۱- ۱۰۳. شرح جامع الصغير، ج ۶، ص ۱۴۰.

۲- ۱۰۴. مجمع الأنهر فی شرح ملتقى الأبحر، ج ۱، ص ۱۵۷.

۳- ۱۰۵. شرح المواهب، ج ۸، ص ۲۹۹.

آورد. عمر از این واقعه خوشحال شد و به او گفت: آیا می خواهی که با من به مدینه بیایی و قبر پیامبر صلی الله علیه وآله را زیارت کرده و از زیارت او بهره ببری؟ کعب گفت: آری.»

۱۳ - شیخ محمد بن علی شوکانی (متوفای ۱۲۵۰ ه.ق) می گوید: «قد اختلفت فيها - فی زیاره النبى - أقوال أهل العلم، فذهب الجمهور إلى أنها مندوبه، وذهب بعض المالكيه وبعض الظاهريه إلى أنها واجبه، وقالت الحنفية: إنها قربه من الواجبات. وذهب ابن تيميه الحنبلي حفيد المصنّف المعروف بشيخ الاسلام إلى أنها غير مشروع»؛<sup>(۱)</sup> «درباره زیارت پیامبر صلی الله علیه وآله اقوال اهل علم مختلف است؛ جمهور قائل به استحباب آن می باشند. و برخی از مالکیه و برخی از ظاهریه معتقد به وجوب آن شده اند. حنفیه گفته اند: زیارت نزدیک به واجبات است. ولی ابن تیمیه حنبلی نوه مصنف که به شیخ الاسلام معروف شده، ادعا کرده که زیارت غیر مشروع است.»

۱۴ - جزیری می گوید: «زیاره قبر النبى صلی الله علیه وآله من أفضل المندوبات»؛<sup>(۲)</sup> «زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وآله از بهترین مستحبات است.»

### استحباب زیارت قبور امامان

اهل بیت علیهم السلام شیعیان خود را امر نموده اند تا قبرشان را زیارت کنند.

ص: ۵۶

---

۱- ۱۰۶. نیل الاوطار، ج ۵، ص ۱۰۷.

۲- ۱۰۷. الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۷۱۱.

اینک به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم:

۱ - شیخ طوسی از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «همانا برای هر امامی عهدی برگردن اولیا و شیعیان آنان است، از تمام وفا و حسن ادای به این عهد، زیارت قبور آنان است.» (۱)

۲ - محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «شیعیان ما را به زیارت حسین بن علی سفارش نمایند؛ زیرا به جای آوردن آن بر هر مؤمنی که اقرار به امامت حسین از جانب خداوند عزّ و جلّ دارد، واجب است.» (۲)

۳ - علی بن میمون می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «اگر کسی از شما هزار حج انجام دهد، ولی به زیارت قبر امام حسین علیه السلام نرود، حقی از حقوق خداوند را ترک کرده است». از علت آن سؤال شد؟ حضرت فرمود: «حقّ حسین علیه السلام بر هر مسلمانی واجب است.» (۳)

### زیارت قبور و مشروعیت سفر به سوی آن

قبلاً در فتاوی و هابیان اشاره نمودیم که متأخرین از آنان قائل به عدم مشروعیت سفر یا بدعت بودن سفر برای زیارت قبور؛ حتی قبر پیامبرند، (اگرچه ابن تیمیه مطلقاً زیارت را تحریم کرده است).

ص: ۵۷

---

۱- ۱۰۸. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۷۸ و ۷۹، ح ۳.

۲- ۱۰۹. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳؛ امالی صدوق، ص ۱۲۶.

۳- ۱۱۰. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۵.

حال در صدیم تا مشروعیت سفر برای زیارت، خصوصاً زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وآله را به اثبات برسانیم:

۱ - خداوند متعال می فرماید: « وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ... » (۱) که لفظ «مَجِيء» بر آمدن از راه دور و نزدیک هر دو صدق می کند.

۲ - در روایتی که نقل شد، پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «من زار قبری...»، که لفظ زیارت نیز شامل آمدن از راه دور و نزدیک می شود؛ خصوصاً در روایتی که ابن السکن به سند صحیح نقل می کند، این چنین آمده: «من جاءنی زائراً» که این تعبیر هم ظهور در سفر دارد.

۳ - از برخی روایات به طور وضوح یا ضمنی جواز یا استحباب زیارت قبور؛ حتی با شدّ رحال و بار سفر بستن و به قصد زیارت حرکت کردن، استفاده می شود.

مسلم و دیگران به سند صحیح از بریده اسلمی نقل می کنند که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «من شما را از زیارت قبور نهی کردم، ولی به محمّد اذن داده شد تا قبر مادرش را زیارت نماید، شما نیز قبور را زیارت کنید که شما را به یاد آخرت می اندازد». (۲)

از این که پیامبر صلی الله علیه وآله می فرماید: «به محمّد اذن داده شد تا قبر مادرش را

ص: ۵۸

---

۱- ۱۱۱. سوره نساء، آیه ۶۴.

۲- ۱۱۲. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۶۶، ح ۱۰۷، کتاب الجنائز؛ صحیح ترمذی، ج ۳، ص ۳۷۰.

زیارت کند.» استفاده می شود که حرکت از مکانی به مکانی دیگر، تنها به قصد زیارت اشکالی ندارد.

سمعانی از امام علی علیه السلام نقل می کند که اعرابی ای بعد از سه روز از دفن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد مدینه شد و مستقیماً کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و خود را بر قبر شریف انداخت و خاک قبر را بر سر خود ریخت، آن گاه عرض کرد: ای رسول خدا! گفتمی و ما هم گفتارت را شنیدیم، تو آیات را از خداوند گرفتی و ما نیز از تو، از جمله آیاتی که بر تو نازل شد این است: « وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ... » من به خود ظلم کرده ام و لذا نزد تو آمده ام تا برایم استغفار نمایم. (۱)

قضیه بلال و خوابی که دید، و حرکت او از شام به مدینه به قصد زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله - که قبلاً اشاره شد - شاهد خوبی بر جواز «شدّ رحال» برای زیارت قبور است. (۲)

سبکی نقل می کند: عمر بن عبدالعزیز دائماً کسی را به نیابت خود از شام به مدینه می فرستاد تا سلامش را به رسول خدا صلی الله علیه و آله برساند و باز گردد. (۳)

خطیب بغدادی از ابی علی خلال شیخ حنابله نقل می کند که در عصر خود هیچ گاه امر مهمی برایم اتفاق نمی افتاد مگر آن که به قصد زیارت قبر

ص: ۵۹

---

۱- ۱۱۳. وفاء الوفاء، سمهودی، ج ۲، ص ۶۱۲.

۲- ۱۱۴. اسد الغابه، ج ۱، ص ۳۰۷ و ۳۰۸؛ مختصر تاریخ دمشق، ج ۴، ص ۱۱۸؛ تهذیب الکمال، ج ۴، ص ۲۸۹.

۳- ۱۱۵. شفاء السقام، ص ۵۵.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام حرکت می کردم و بعد از توسل به آن حضرت، از خداوند متعال آنچه می خواستم عطا می فرمود. (۱)

روایت ابوبکر محمد بن مؤمل که قبلاً به آن اشاره شد، نیز بر شدّ رحال به جهت زیارت قبور اولیای الهی دلالت خوبی دارد. (۲) طلحه بن عبیدالله می گوید: با رسول خدا صلی الله علیه وآله به قصد زیارت قبور شهدای احد حرکت کردیم. (۳)

عایشه می گوید: هر شبی که نوبت من بود پیامبر صلی الله علیه وآله در آخر آن شب به زیارت اهل بقیع می رفت. (۴)

از این روایات و روایات دیگر به خوبی استفاده می شود که «شدّ رحال» و سفر برای زیارت قبور نه تنها جایز بوده، بلکه استحباب نیز دارد.

۴ - اجماع مسلمین در طول تاریخ بر سفر به جهت زیارت قبور اولیای الهی بوده است، که با مراجعه به تاریخ مسلمین به خوبی روشن می شود.

۵ - اهل سنت در صحاح خود روایات بسیاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل کرده اند: «کسی که برای رفتن به مسجد قدم برمی دارد، به هر قدمش ترفیع درجه ای داده می شود و گناهی از او بخشوده خواهد شد». (۵) و این ثواب نیست مگر از باب مقدمیت گام برداشتن برای امر قریبی که وقوف در مسجد است. لذا می توان گفت که شدّ رحال و سفر به عنوان مقدمه زیارت اولیای الهی نیز مستحب است.

ص: ۶۰

---

۱- ۱۱۶. تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۲۰.

۲- ۱۱۷. تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۳۹.

۳- ۱۱۸. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۱۸، ح ۳۵۷.

۴- ۱۱۹. مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۵۳۳.

۵- ۱۲۰. ر.ک: صحیح مسلم.

## دلیل وهابیان بر حرمت زیارت قبور

عمده دلیل وهابیان بر حرمت زیارت قبور - حتی قبر پیامبر صلی الله علیه وآله - روایت ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه وآله است که فرمود: «شدّ رحال و بار سفر بستن جایز نیست، مگر به سوی سه مسجد: مسجد النبی، مسجد الحرام و مسجد الاقصی». (۱)

در جواب از استدلال به این حدیث می‌گوییم: در مستثنا منه این حدیث دو احتمال است:

اول: این که مستثنا منه، «مسجد من المساجد» باشد؛ یعنی اصل حدیث این گونه باشد: «لا تشدّ الرحال إلى مسجد من المساجد إلّا إلى ثلاثة مساجد».

دوم: مستثنا منه «مکان من الأمکنه» باشد، به تقدیر: «لا تشدّ الرحال إلى مکان من الأمکنه إلّا إلى ثلاثة مساجد».

بنابر معنای اوّل دلیلی بر حرمت «شدّ رحال» برای زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وآله نیست؛ زیرا قبر پیامبر مسجد نیست.

در صورت دوّم نیز اخذ به عموم روایت ممکن نیست؛ زیرا لازمه آن حرمت هر نوع سفری است؛ اگرچه به قصد زیارت هم نباشد، که هیچ کس قائل به آن نیست. وانگهی نهی از شدّ رحال برای زیارت غیر از این سه مسجد، نهی تحریمی نیست، بلکه ارشادی است؛ زیرا در هر شهری مسجد وجود دارد و سفر برای زیارت مسجد در شهری دیگر ضرورتی ندارد و این

ص: ۶۱

بر خلاف زیارت قبور اولیای الهی است که آثار و برکاتی عظیم بر آن مترتب است که در جای خود به آن اشاره خواهیم کرد.

غزالی نیز به این نکته التفات پیدا کرده، می گوید: «مسافرت عبادی مستحب است؛ از جمله مسافرت به جهت زیارت قبور انبیا، صحابه، تابعین و سایر علما و اولیا. پس به طور کلی هر کس که در حال حیات به او تبرک جست می شود، در حال ممات نیز می توان به زیارتش تبرک جست. لذا شدّ رحال برای تحقق این غرض جایز می گردد. این موضوع با حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله: «لا تشدّ الرحال إلّا إلی ثلاثه مساجد» منافات و تعارض ندارد؛ زیرا حدیث مربوط به مساجد است و مساجد از آنجا که همه در فضیلت یکسانند، ترجیحی در سفر برای آن ها نیست، مگر این سه مسجد که به جهت خصوصیتی که دارند، سفر به خاطر آن ها اشکالی ندارد و این مسئله غیر از سفر برای زیارت قبور اولیای الهی است.» (۱)

دکتر عبدالملک سعدی می گوید: «نهی از شدّ رحال به مساجد دیگر به جهت آن است که زحمتی بی فایده است؛ زیرا ثواب مساجد یکسان است، مگر سه مسجد.» (۲)

## نقد کلام ابن تیمیه

### اشاره

ابن تیمیه در اینجا مغالطه ای واضح دارد؛ زیرا او با آن که مستثنی منه

ص: ۶۲

---

۱- ۱۲۲. احیاء العلوم، غزالی، ج ۲، ص ۲۴۷، کتاب آداب السفر.

۲- ۱۲۳. البدعه، دکتر عبدالملک سعدی، ص ۶۰.



در این حدیث را «المساجد» گرفته، ولی در عین حال به این حدیث بر منع و حرمت شدّ رحال به جهت زیارت قبور انبیا و اولیا و صالحان از راه قیاس اولویت استدلال کرده است. او می گوید: «فإذا كان السفر إلى بيوت الله غير الثلاثة ليس بمشروع باتفاق الأئمة الأربعة بل قد نهى عنه الرسول صلى الله عليه وآله فكيف بالسفر إلى بيوت المخلوقين الذين تتخذ قبورهم مساجد وأوثاناً وأعياداً...»؛ (۱) «اگر سفر به خانه های خدا غیر از این سه خانه، به اتفاق امامان چهارگانه مشروع نیست، بلکه پیامبر صلی الله علیه وآله از آن نهی کرده است، پس چگونه است سفر به خانه های مخلوقین که قبورشان مساجد و بت ها و عیدها قرار گرفته است.»

## پاسخ

اولاً: به چه دلیل سفر برای زیارت خانه های خدا غیر از این سه خانه مشروع نیست. قبلاً اشاره شد که نهی در روایت، تنزیهی و ارشادی است نه مولوی.

ثانیاً: ایشان نسبت تحریم را به رؤسای مذاهب اربعه داده، در حالی که ما نصی بر حرمت از آنان نیافته ایم.

ثالثاً: عدم جواز سفر به غیر از مساجد سه گانه - بر فرض تسلیم - دلیل نمی شود بر این که سفر به خانه هایی که «أذن الله أن تُزفَع وَيُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» به طریق اولی حرام باشد، و این قیاس مع الفارق است؛ زیرا گرچه خانه های خدا غیر از این سه مسجد همگی در تأثیر گذاری یکسان است

ص: ۶۳

ولی در زیارت قبور پیامبر صلی الله علیه وآله و اولیای الهی اثر دیگری دارد که یکی از آن ها توسل به آن بزرگان و استغاثه به ارواح آنان می باشد که در جای خود رجحان و مشروعیت آن ثابت شده است.

رابعاً: ابن تیمیه می گوید: «مسلمانان قبور انبیای خود را بت قرار داده اند». چه کسی چنین نیتی را کرده است؟ این تهمتی بیش نیست؛ همان گونه که در بحث استغاثه به ارواح اولیای الهی به آن اشاره کردیم.

## اعتراض علمای اهل سنت به ابن تیمیه

### توضیح

از آنجا که ابن تیمیه از سردمداران مخالفان شدّ رحال در زیارت قبور اولیا است، و این نظریه ای است که مخالف با رأی و عملکرد غالب بلکه عموم مسلمین است، لذا افراد بسیاری بر ضدّ او جبهه گیری کرده و مطالبی را بیان کرده اند؛ از آن جمله:

### ۱ - ابن حجر عسقلانی

او می گوید: «حاصل این که علما، ابن تیمیه را به تحریم بار سفر بستن به جهت زیارت قبر سید ما رسول خدا صلی الله علیه وآله منتسب کرده اند، و این که او این عمل را انکار کرده است. و در شرح این مطلب از هر دو طرف طول و تفصیل است، و این از بدترین مسائلی است که از ابن تیمیه نقل شده است. و از جمله ادله ای که با آن بر دفع مدعای دیگران که همان اجماع بر مشروعیت زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وآله است، استدلال کرده، مطلبی است که از مالک نقل شده که او کراهت داشت که بگوید: من به زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وآله رفتم.

ولی محققان از اصحاب مالک از این مطلب جواب داده اند که او به جهت ادب از تلفظ به این کلمه کراهت داشته نه آن که اصل زیارت را کراهت داشته باشد؛ زیرا زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله از برترین اعمال و بهترین وسیله تقرب است که ما را به ذی الجلال رهنمون می سازد. و مشروعیت آن بدون نزاع، محل اجماع است. و خداوند هدایت کننده به صواب می باشد» (۱).

## ۲ - حافظ ذهبی

ذهبی در «سیر اعلام النبلاء» در ردّ ابن تیمیه در مورد زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید: «پس هر کس در کنار حجره مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله با حالت خواری و تسلیم و در حال درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله بایستد خوشا به حال او، او بهترین زیارت را انجام داده و زیباترین اظهار محبت را داشته است و او به طور حتم عبادتی زاید بر کسی که در سرزمینش یا نمازش بر او درود فرستاده، انجام داده است؛ زیرا زائر هم اجر زیارت و هم اجر درود فرستادن بر او را دارد. و هر کس که بر او یک درود فرستد خداوند بر او ده درود خواهد فرستاد، ولی هر کس که او را زیارت کند و ادب زیارت را به جای نیورد یا بر روی قبر سجده کند یا کاری را انجام دهد که مشروع نیست، این چنین شخصی کار خوبی همراه با کار بد را انجام داده است که باید او را با مدارا و مهربانی تعلیم داد. به خدا سوگند! فریاد زدن و شیون کردن مسلمان و نیز

ص: ۶۵

بوسیدن دیوارها و گریه بسیار او جز به جهت این که او محبّ خدا و رسول است نیست. پس محبت او معیار و فارق بین اهل بهشت و جهنم است. لذا زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله از بهترین اعمالی است که باعث قرب به خدا می گردد. و بستن اثاثیه برای سفر به جهت زیارت قبور انبیا و اولیا، بر فرض تسلیم که اذن داده نشده به جهت استدلال به عموم حدیث «لاتشدوا الرحال الا الی ثلاثه مساجد»، و بر فرض که این عموم را قبول کنیم، می گوییم: بار سفر بستن به جهت زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله بار سفر بستن برای زیارت مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله است. لذا ابتدا زائر شروع به تحیت مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله می کند و سپس تحیت صاحب مسجد را به جای می آورد. خداوند ما و شما را برای این زیارت روزی کند. آمین» (۱).

شیخ شعیب ارناؤوط در تعلیقه خود بر گفتار ذهبی می نویسد: «قصد المؤلف رحمه الله بهذا الإستطراد الردّ علی شیخه ابن تیمیه الذی یقول بعدم جواز شدّ الرحل لزیاره قبر النبی صلی الله علیه و آله...»؛ (۲) «مقصود مؤلف - ذهبی - به این کلام، رد کردن بر استادش ابن تیمیه است که قائل به عدم جواز بار سفر بستن به جهت زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله است.»

### ردّ بر ابن تیمیه در مسأله زیارت قبور

علمای معاصر ابن تیمیه و بزرگان قومش در مسأله زیارت قبر

ص: ۶۶

---

۱- ۱۲۶. سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۸۴.

۲- ۱۲۷. سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۸۵.

پیامبر صلی الله علیه وآله با رأی او به مخالفت پرداخته و کتاب هایی را بر ضد او تألیف کرده اند که از آن جمله عبارت است از:

- ۱ - «شفاء السقام فی زیاره خیر الانام»، از تقی الدین سبکی.
- ۲ - «الدرّه المضمیه فی الردّ علی ابن تیمیه»، از سبکی.
- ۳ - «المقاله المرضیه»، از قاضی القضاة مالکیه تقی الدین ابی عبدالله اخنائی.
- ۴ - «نجم المهتدی و رجم المقتدی»، از فخر بن معلّم قرشی.
- ۵ - «دفع الشبهه»، از تقی الدین صنی.
- ۶ - «التحفه المختاره فی الردّ علی منکر الزیاره»، از تاج الدین فاکهانی.
- ۷ - «الجواهر المنظم فی زیاره القبر الشریف النبوی المکرم»، از ابن حجر مکی.

### تقسیم زیارت به شرعی و بدعی

#### اشاره

شیخ بن باز از مفتیان وهابی می گوید: «... فصارت فی الحقیقه ثلاثه أنواع:

النوع الأول: مشروع، وهو أن يزورها للدعاء لأهلها أو لتذكّر الآخره.

الثاني: أن تزار للقرائه عندها أو للصلاه عندها أو للذبح عندها فهذه بدعه ومن وسائل الشرك.

ص: ۶۷

الثالث: أن يزورها للذبح للميت والتقرب إليه بذلك، أو لدعاء الميت من دون الله أو لطلب المدد منه أو الغوث أو النصر، فهذا شرك أكبر نسأل الله العافيه، فيجب الحذر من هذه الزيارات المبتدعه. ولا فرق بين كون المدعو نبيّاً أو صالحاً أو غيرهما. ويدخل في ذلك ما يفعله بعض الجهال عند قبر النبي صلى الله عليه وآله من دعائه والاستغاثه به أو عند قبر الحسين أو البدوي أو شيخ عبدالقادر الجيلاني أو غيرهم...»<sup>(١)</sup>

«در حقیقت زیارت بر سه نوع است:

نوع اول: که مشروع است، آن که انسان به زیارت شخصی به جهت دعا بر اهلش برود یا رفتن او به جهت یادآوری آخرت باشد.

نوع دوم: آن که به جهت قرائت قرآن نزد آن قبر یا خواندن نماز یا قربانی نزد آن قبر برود. که این عمل بدعت و از وسایل شرک است.

نوع سوم: آن است که به زیارت قبر به جهت ذبح برای میت و تقرب از این راه برود، یا او را صدا زده و غیر از خدا از او مدد و یاری و نصرت بخواهد. که این شرک اکبر است. از خدا می خواهیم که ما را از این عمل عافیت دهد. پس واجب است که از انواع زیارت هایی که بدعت است بر حذر شد. و فرقی در این جهت نیست بین این که کسی را که انسان صدا می زند پیامبر باشد یا فرد صالح یا غیر از این دو. و در این گونه عمل داخل می شود آنچه را که برخی از جاهلان کنار قبر پیامبر صلی الله علیه وآله انجام می دهند؛ از

ص: ۶۸

قبیل صدا زدن و استغاثه به او یا در کنار قبر حسین یا بدوی یا شیخ عبدالقادر گیلانی یا دیگران.»

## پاسخ

اولاً: در بحث قرائت قرآن و دعا و نماز در کنار قبور اولیای الهی به طور مبسوط جواز بلکه رجحان این عمل را به اثبات رساندیم.

ثانیاً: هرگز یکی از مسلمانان برای میت به جهت تقرب به او قربانی نمی کند، بلکه برای خداوند قربانی می نماید و ثواب آن را برای روح میت می فرستد و با این عمل خود به او متوسل شده تا در نهایت امر به خداوند سبحان متقرب گردد.

ثالثاً: در بحث استغاثه به ارواح اولیا به طور مبسوط ذکر کردیم که این گونه عمل هرگز شرک به حساب نمی آید، در صورتی که با دید استقلالی نباشد.

شیخ محمد زاهد کوثری از علمای ازهر مصر می گوید: «همانا سعی ابن تیمیه در منع مردم از زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله دلالت بر خصومت و کینه ای دارد که در درون او نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله نهفته است، چگونه تصور شرک به سبب زیارت و توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله درباره مسلمانان می رود؟ کسانی که در حق او معتقدند که او بنده و رسول خدا است، و این مطلب را در ادامه یادآوری و یادبود او هر روز حداقل بیست بار در نماز تکرار می کنند. همیشه اهل علم، عوام را از بدعت ها در تمام شئون بازمی دارند و آنان را به سنت ها در زیارت و غیر زیارت ارشاد می نمایند، هر گاه که بدعتی از آنان در

چیزی رخ دهد. ولی در هیچ یک از این ایام آنان را به سبب زیارت یا توسّل، مشرک ننمایند. آری، اول کسی که مردم را به این وسیله به شرک نسبت داد ابن تیمیه بود، و کسانی که به دنبال او رفته و اموال و خون مسلمین را به جهت احتیاجی که در خود می بیند حلال کرده است»<sup>(۱)</sup>.

## زنان و زیارت قبور

وهابیان قائل به عدم مشروعیت، بلکه حرمت زیارت قبور برای زنان! هستند، و برای مردان در صورتی که بدون شدّ رحال و سفر برای زیارت باشد را جایز می دانند.

گروه دائمی وهابیان می گویند: «زیارت قبور تنها برای مردان مشروع است نه بر زنان، آن هم در صورتی که در شهر خودش باشد؛ یعنی بدون بار سفر بستن به جهت عبرت گرفتن»<sup>(۲)</sup>.

شیخ بن باز می گوید: «برای زنان زیارت قبور جایز نیست؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وآله زنانی را که به زیارت قبور می روند لعنت کرده است. و دیگر این که زنان فتنه هستند، و صبرشان کم است. و لذا از رحمت خدا و احسان او این است که برای آنان زیارت قبور را حرام کرده است تا این که نه فتنه گری کنند و نه دیگران را به فتنه بکشاند»<sup>(۳)</sup>.

ص: ۷۰

---

۱- ۱۲۹. تکمله السیف الصقیل، ص ۱۵۶.

۲- ۱۳۰. اللجنه الدائمه، ج ۱، ص ۲۸۸.

۳- ۱۳۱. مجموع فتاوی بن باز، ج ۲، ص ۷۵۷.



او هم چنین می گوید: «از رسول خداصلی الله علیه وآله ثابت شده، زنانی را که به زیارت قبور می روند لعنت کرده است. این حدیث از ابن عباس و ابوهریره و حسان بن ثابت انصاری رسیده و علما از این حدیث استفاده کرده اند که زیارت برای زن ها حرام است؛ زیرا لعن تنها بر حرام می باشد، بلکه دلالت دارد بر این که این عمل از گناهان کبیره است. لذا صواب آن است که زیارت زنان از قبور حرام است نه این که فقط مکروه باشد. و سبب این امر - خدا داناتر است - این که زنان غالباً کم صبرند و لذا گاهی نوحه سرایی و مثل آن از کارهایی را انجام می دهند که منافات با صبری دارد که واجب است. و این که زنان فتنه اند، لذا زیارت آن ها از قبرها و به دنبال جنازه رفتن آن ها گاهی باعث می شود که آن ها به توسط مردها گول بخورند و گاهی هم ممکن است که مردها به توسط آن ها گول بخورند. و شریعت اسلامی کامل به جهت سد ذرایع و بستن راه هایی آمده که به فساد و فتنه ها منجر خواهد شد. و این از رحمت خدا به بندگانش می باشد. و به طور صحیح از رسول خداصلی الله علیه وآله رسیده که فرمود: «من برای بعد از خود فتنه ای ضرردارتر بر مردان از زنان نگذاشتم.» بر صحت این حدیث اتفاق است... و این که برخی از فقها زیارت قبر پیامبرصلی الله علیه وآله و قبر دو صاحبش را استثنا کرده اند گفتاری بدون دلیل است، و صواب آن است که منع شامل همه می شود و نیز شامل همه قبرها حتی قبر پیامبرصلی الله علیه وآله و حتی قبر دو صاحبش می شود، و این مورد اعتماد از حیث دلیل است»<sup>(۱)</sup>.

ص: ۷۱

حدیث اول: حدیث عبداللہ بن ابی ملیکہ است کہ در جواب پنجم ذکر شد. در این حدیث عایشه از پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ نقل می کند کہ حضرت زن ہا را برای زیارت قبور امر فرمود بعد از آن کہ قبلاً نہی فرمودہ بود. و با استناد بہ امر رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ، خود بہ زیارت قبر برادرش عبدالرحمان می رفت. و در پاسخ کسی کہ از او در این بارہ پرسید، از امر رسول خدا خبر داد. (۱) بہ این حدیث بر جواز زیارت قبور برای زنان افرادی؛ از قبیل شوکانی در «نیل الاوطار» استدلال کردہ اند. (۲)

حدیث دوم: حدیثی است کہ بیہقی (۳) از انس بن مالک نقل می کند:

«وقد روينا في الحديث الثابت عن أنس بن مالك أن رسول الله صلى الله عليه وآله مرَّ بامرأه عند قبر وهي تبكي فقال لها: اتقي الله واصبري.» (۴)

در این حدیث کہ بیہقی می گوید: «وقد روينا في الحديث الثابت عن أنس بن مالك» دلالت دارد بر صحت سند آن؛ زیرا تعبیر بہ «الثابت عن انس بن مالک» دلالت روشنی دارد بر این کہ این حدیث از انس بن مالک ثابت شدہ است کہ رسول خدا از کنار زنی کہ نزد قبری می گریست، عبور کرد، رسول خدا بہ آن زن فرمود: تقوا پیشہ کن و صبرنما. در این خبر

ص: ۷۲

۱- ۱۳۳. مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۳۷۶، کتاب الجنائز.

۲- ۱۳۴. نیل الاوطار، ج ۴، ص ۱۶۴.

۳- ۱۳۵. سنن بیہقی، ج ۴، ص ۷۸، کتاب الجنائز.

۴- ۱۳۶. اعانہ الطالبین، ج ۲، ص ۱۴۲.

نیامده که حضرت او را نهی فرموده باشد از خارج شدن به سوی قبرستان.

و بکری دمیاطی این حدیث را به عنوان دلیل بر عدم تحریم زیارت قبور بر زنان نقل نموده و گفته است که: «خبر مذکور مورد اتفاق همه است».

محمد بن شربینی شافعی نیز (۱) به حدیث مذکور استدلال کرده است.

حدیث سوم: روایتی است که مسلم در صحیح خود از عایشه نقل می کند که خداوند به توسط جبرئیل به رسول خود فرمود: «إِنَّ رَيْكَ يَا مَرْكَ أَنْ تَأْتِي أَهْلَ الْبَقِيعِ فَتَسْتَغْفِرْ لَهُمْ، قَالَتْ: قُلْتُ: كَيْفَ أَقُولُ لَهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! قَالَ: قُولِي: السَّلَامُ عَلَيَّ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ...» (۲).

این حدیث با صراحت دلالت دارد بر این که خداوند به رسول خدا امر فرموده به بقیع بیاید و برای آن ها استغفار کند. بعد عایشه می پرسد: من چه بگویم برای آن ها؟ رسول خدا صلی الله علیه وآله در جواب، کیفیت زیارت و سلام به اهل بقیع را به او تعلیم می فرماید.

این روایت نیز در جواز زیارت زن ها و رفتن آن ها به قبرستان صراحت دارد.

شارح صحیح مسلم، نووی می گوید: «این حدیث، دلیل برای کسانی است که جایز می دانند زیارت قبور را برای زن ها. و در این مسأله بین علما اختلاف وجود دارد، بین اصحاب ما در آن سه وجه است: یکی این که حرام

ص: ۷۳

---

۱- ۱۳۷. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۳۶۵.

۲- ۱۳۸. صحیح مسلم بشرح نووی، ج ۷، ص ۴۴، کتاب الجنائز.

است به خاطر حدیث: «لعن الله زوّارات القبور.» دوم این که: کراهت دارد. سوم این که: مباح است. و استدلال می شود برای اباحه و جواز به این حدیث. ابن حجر عسقلانی نیز به این حدیث بر جواز زیارت قبور برای زن ها استدلال نموده و گفته است: «فأئده: ممّا يدلّ للجواز بالنسبه إلى النساء ما رواه مسلم عن عائشه»؛ «از جمله ادله ای که دلالت بر جواز نسبت به زنان دارد، حدیثی است که مسلم از عایشه روایت کرده است.»

سپس حدیث مذکور را نقل می کند. (۱)

بکری شافعی نیز به آن حدیث بر جواز و عدم حرمت زیارت قبور برای زن ها استدلال کرده است. (۲)

هم چنین در کتاب «مغنی المحتاج» (۳) محمد بن شربینی شافعی به این حدیث استدلال شده است.

و نیز ابن حجر عسقلانی (۴) به حدیث مذکور، بر جواز زیارت قبور برای زنان، استدلال کرده است.

حدیث چهارم: حاکم با سندی از جعفر بن محمد و او از پدرش و او از علی بن الحسین و او از پدرش علیهم السلام نقل می کند: «إنّ فاطمه بنت النبی صلی الله علیه وآله کانت تزور قبر أمّها حمزه کلّ جمعه فتصلی وتبکی عنده»؛ (۵) «به

ص: ۷۴

---

۱- ۱۳۹. تلخیص الحیبر، ج ۲، ص ۱۳۷.

۲- ۱۴۰. اعانها الطالبین، ج ۲، ص ۱۴۲.

۳- ۱۴۱. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۳۶۵.

۴- ۱۴۲. سبل السلام، ج ۲، ص ۵۷۹ و ۵۸۵.

۵- ۱۴۳. مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۳۷۷، کتاب الجنائز، سنن بیهقی ج ۴، ص ۷۸، کتاب الجنائز.

درستی که فاطمه دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله قبر عمویش حمزه را هر روز جمعه زیارت می نمود، و نماز می خواند و نزد قبر او گریه می نمود».

در کتاب «تلخیص الحبیر»<sup>(۱)</sup> به این حدیث برای جواز زیارت بانوان استدلال شده است.

ابن حجر عسقلانی<sup>(۲)</sup> گفته است که این حدیث، مرسل است؛ زیرا علی بن الحسین، فاطمه بنت محمد را درک نکرده است.

در پاسخ این ایراد باید گفت: «آنچه حاکم نقل نموده این است که علی بن الحسین علیه السلام از پدرش نقل نموده است و شکی نیست در این که حسین بن علی فرزند فاطمه علیها السلام بوده و او مادر را درک نموده است. در نتیجه این حدیث، مسند است نه مرسل.

حدیث پنجم: حدیث ام عطیه است که مسلم از او روایت کرده: «قالت نهینا عن زیاره القبور ولم یعزم علينا»؛<sup>(۳)</sup> «ما زنان از زیارت قبور نهی شده ایم ولی این نهی بر ما لازم و فرض نشده است (این نهی عزیمت نیست بلکه رخصت و جواز است)».

### تمسک به عموم تعلیل در روایات

عموم تعلیل در روایات استحباب زیارت قبور شامل مردها و زن ها می شود

ص: ۷۵

---

۱- ۱۴۴. تلخیص الحبیر، ج ۲، ص ۱۳۷.

۲- ۱۴۵. سبل السلام، ج ۲، ص ۵۷۹ و ۵۸۰.

۳- ۱۴۶. المغنی، ج ۲، ص ۴۳۰، الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۴۲۷.

و اختصاص به مردها ندارد. در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱ - وقال: «نهیتکم عن زیاره القبور فزوروا فإن فیها عبره»؛ (۱) «نهی کردم شما را از زیارت قبور، پس زیارت کنید قبور را به درستی که در زیارت قبور، عبرت گرفتن است».

۲ - «فزوروا القبور فإنها تزهد فی الدنيا وتذكر الآخرة»؛ (۲) «پس زیارت کنید قبور را؛ زیرا که زیارت قبور موجب زهد در دنیا و یادآوری آخرت می‌شود»

۳ - «فزوروا فإنها تذكرکم الآخرة»؛ (۳) «زیارت کنید قبور را، پس به درستی که زیارت قبور به یاد می‌آورد مردن را و تذکر دهنده مرگ است»

۴ - «فزوروا القبور فإنها تذكر الموت»؛ (۴) «زیارت کنید قبور را؛ زیرا زیارت تذکر دهنده مرگ است».

۵ - «فزوروا ولیزدکم زیارتها خیراً»؛ (۵) «پس زیارت نمایید قبور را؛ چرا که زیارت آن‌ها برای شما خیر را زیاد می‌کند».

۶ - «كنت نهیتکم عن زیاره القبور ألا فزوروا فإنه یرق القلب وتدمع العین وتذكر الآخرة ولاتقولوا هجراً»؛ (۶) «من در گذشته شما را از

ص: ۷۶

---

۱- ۱۴۷. مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۳۷۵ - ۳۷۷، کتاب الجنائز.

۲- ۱۴۸. همان.

۳- ۱۴۹. همان.

۴- ۱۵۰. همان.

۵- ۱۵۱. همان.

۶- ۱۵۲. همان.

زیارت قبور نهی می کردم، پس اکنون آن ها را زیارت نمایید؛ زیرا قلب را رقت می بخشد، چشم اشک می ریزد، و تذکر دهنده و یاد آورنده آخرت می شود، ولی هنگام زیارت قبرها سخن بیهوده نگوید».

۷- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنِّي كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَمَنْ شَاءَ أَنْ يَزُورَ قَبْرًا فَلْيُزِرْهُ فَإِنَّهُ يَرْقُّ الْقَلْبَ وَيُدْمَعُ الْعَيْنَ وَيَذْكَرُ الْآخِرَةَ»؛<sup>(۱)</sup> «من در گذشته شما را از زیارت قبور نهی می کردم، پس هر کس خواست که قبری را زیارت کند، پس زیارت کند آن را؛ زیرا زیارت قبر، قلب را رقت بخشیده، چشم را گریان می کند و آخرت را به یاد می آورد».

۸- ابوذر گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: «زِرَالْقُبُورَ تَذَكَّرُ بِهَا الْآخِرَةَ...»؛<sup>(۲)</sup> «زیارت کن قبور را که به واسطه آن، به یاد آخرت می آفتی».

آنچه در این احادیث به عنوان علت استحباب ذکر شده است، عموم دارد و زن و مرد را شامل می شود و اختصاص به مردها ندارد. و چنان که این امور، حکمت حکم امر به زیارت باشد آن هم اختصاص به مردها ندارد و هر جا حکمت حکم امر وجود داشته باشد، حکم نیز وجود دارد و فرقی بین حکمت و علت از این جهت نیست که در صورت وجود حکمت حکم، حکم نیز وجود خواهد داشت و فرق بین علت و حکمت در فرض نبودن حکمت و علت حکم است که در صورت نبودن علت، معلول که حکم است نخواهد بود، ولی در حکمت با فرض نبود آن، حکم باقی است.

ص: ۷۷

---

۱- ۱۵۳. پیشین.

۲- ۱۵۴. همان، ص ۳۷۶ - ۳۷۷ کتاب الجنائز.

بنابراین، چه این فوایدی که در روایات ذکر گردیده علّت حکم باشند و چه حکمت، بین زنان و مردان در آن ها فرقی نیست، پس ناچار حکم هم که استحباب زیارت قبور است، عمومیت خواهد داشت. و اگر زیارت قبور موجب زهد در دنیا و یادآور مرگ و آخرت است، فرقی بین زن و مرد در رسیدن به این فواید و آثار نیست.

شیخ سید سابق به عموم تعلیل وارد در روایات استدلال کرده و گفته است:

«فلا مانع من الأذن لهنّ، لأنّ تذکر الموت یحتاج إلیه الرجال والنساء»؛<sup>(۱)</sup> «مانعی ندارد اذن برای زن ها؛ برای این که یادآوری مرگ، چیزی است که مردها و زن ها نیاز به آن دارند و اختصاص به مردها ندارد».

## نقد ادله وهابیان بر حرمت زیارت زنان از قبور

### توضیح

وهابیان بر حرمت زیارت قبور برای زنان به دو نوع دلیل تمسک کرده اند: یکی استدلال به برخی از روایات. و دیگری استدلال به قاعده سدّ ذرایع.

اینک به نقد و بررسی هر یک از آن ها می پردازیم.

### الف) نقد روایات

از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «لعن الله زائرات القبور»؛<sup>(۲)</sup> «خداوند زنانی را که به زیارت قبور می روند، لعنت کرده است.»

و نیز از حضرت نقل شده که فرمود: «لعن الله زوّارات القبور»؛<sup>(۳)</sup> «خداوند زنانی را که زیاد به زیارت قبور می روند، لعنت کرده است.»

ص: ۷۸

---

۱- ۱۵۵. فقه السنّه، ج ۱، ص ۴۴۲.

۲- ۱۵۶. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۸۷؛ سنن بیهقی، ج ۴، ص ۷۸.

۳- ۱۵۷. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۲؛ سنن بیهقی، ج ۴، ص ۸۷.



این روایات از جهاتی قابل خدشه است؛

۱ - این روایات از سه طریق نقل شده است: طریق حسان بن ثابت، ابن عباس و ابوهریره و هر سه طریق آن ضعیف است.

در طریق حسان بن ثابت، عبدالله بن عثمان بن خثیم واقع است که احادیثش قوی نمی باشد، آن گونه که ابن دورقی از ابن معین نقل کرده است. (۱)

در همین طریق عبدالرحمن بن بهمان قرار دارد که ابن مدینی می گوید: ما او را نمی شناسیم. (۲)

در طریق دوم ابوصالح باذان است که ابوحاتم گفته: به او احتجاج نمی شود. و نسائی او را غیر ثقه معرفی کرده است. و ابن عدی گفته: من نمی دانم که یکی از پیشینیان از او راضی باشد. (۳)

در طریق سوم عمر بن ابی سلمه واقع است که نسائی او را غیر قوی معرفی کرده و ابن خزیمه و ابوحاتم می گویند: به حدیث او احتجاج نمی شود. و ابن معین او را ضعیف می داند. (۴)

پس حدیث با تمام طرقش مورد مناقشه سندی است. و ناصرالدین

ص: ۷۹

---

۱- ۱۵۸. میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۵۹.

۲- ۱۵۹. همان، ص ۵۵۱.

۳- ۱۶۰. تهذیب الکمال، ج ۴، ص ۶.

۴- ۱۶۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۱۳۳.

البانی بعد از نقل این حدیث می گوید: «فلم نجد فی الأحادیث ما یشهد له»؛<sup>(۱)</sup> «در احادیث، چیزی که به نفع او گواهی دهد نیافتیم.»

۲ - کلمه «لعن» همیشه دلالت بر حرمت ندارد، بلکه اصل این کلمه دلالت بر کراهت دارد، کسی ادعا نکرده که این کلمه برای حرمت وضع شده است؛ زیرا مفاد و مفهوم آن دوری از رحمت خدا است؛ آن گونه که در کتب اهل لغت آمده است.

ابن منظور می گوید: «اللعن: هو الإبعاد والطرده من الخیر. وقیل: الطرد والإبعاد من الله»؛<sup>(۲)</sup> «لعن به معنای دور کردن و طرد از خیر است. و برخی به معنای طرد و دور کردن از خدا معنا کرده اند.»

۳ - این فتوا مخالف با سیره زنان صحابیه است؛ زیرا با مراجعه به تاریخ پی می بریم که برخی از آنان به زیارت قبور می رفتند و کسی هم مانع آنان نمی شد.

درباره حضرت زهرا علیها السلام نقل شده که آن حضرت هر جمعه یا هر هفته دو بار به زیارت قبر حمزه سیدالشهداء و سایر شهدای احد می رفت و این در عصر حیات پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. و حتی بعد از وفات پدرش تا هنگام شهادت خودش نیز زیارت را ادامه می داد و هرگز نهی از پیامبر صلی الله علیه و آله یا حضرت علی علیه السلام یا یکی از صحابه در مورد این کار نرسیده است.

ص: ۸۰

---

۱- ۱۶۲. سلسله الاحادیث الضعیفه و اثرها السلیبی فی الأمه، ص ۲۶۰.

۲- ۱۶۳. لسان العرب، ج ۱۲، حرف اللام.

عبدالرزاق و دیگران نقل کرده اند که فاطمه علیها السلام هر جمعه به زیارت قبر عمویش حمزه می رفت و در آنجا نماز به جای می آورد و گریه می کرد. (۱)

و نیز نقل شده که فاطمه علیها السلام به زیارت قبور شهدای احد دو روز در میان یا سه روز در میان می رفت و در آنجا نماز به جای می آورد و دعا و گریه می نمود. (۲)

ابن ابی ملیکه می گوید: «رأيت عائشة تزور قبر أخيها عبدالرحمن بن أبي بكر، ومات بالحُبشي وقبر بمكة»؛ (۳) «عائشه را دیدم که به زیارت قبر برادرش عبدالرحمن بن ابوبکر می رفت. او از دنیا رحلت نمود و در مکه مدفون شد.»

و نیز نقل شده که عائشه روزی وارد قبرستان شد. به او گفته شد: آیا رسول خدا صلی الله علیه وآله از زیارت قبور نهی نکرده است؟ او گفت: آری قبلاً نهی کرده بود ولی بعداً به ز... [قبور امر نمود. (۴)

۴- اکثر علما این نهی را بر کراهت حمل کرده و از آن حرمت استفاده نکرده اند که مواردی از کلمات آن ها ذکر می شود:

الف) در سنن ترمذی بابی را این گونه عنوان می کند: «باب ۶۱ ماجاء فی کراهیة زیارة القبور للنساء»؛ «باب آنچه در کراهت زیارت قبور برای

ص: ۸۱

---

۱- ۱۶۴. المصنّف، عبدالرزاق، ج ۳، ص ۵۷۲ و ۵۷۴؛ السنن الکبری، ج ۴، ص ۱۳۱.

۲- ۱۶۵. مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۵۳۳؛ السنن الکبری، ج ۴، ص ۱۳۱.

۳- ۱۶۶. المصنّف، عبدالرزاق، ج ۳، ص ۵۷۰.

۴- ۱۶۷. السنن الکبری، ج ۴، ص ۱۳۱.

زنان آمده است». و همین روایت را ذکر می کند که خود دلالت بر آن دارد که از روایت بیشتر از کراهت برداشت نشده است.

آن گاه بعد ابو عیسی ترمذی می گوید: «بعضی از علما گفته اند که کراهت زیارت قبور برای زنان به علت کمی صبر و زیادی جزع آن هاست» (۱).

ب) از بکری دمیاطی (۲) در این زمینه مطالبی ذکر شده است که خلاصه آن در اینجا ذکر می شود: «ویندب زیاره القبور لرجل لا- لأنثی (ومثلها الخنثی) فتکره»؛ «و برای مردان - نه زنان - زیارت قبور مستحب است، (و مثل زنان است خنثی) که کراهت دارد».

بعد در وجه کراهت بیانی دارد. سپس می گوید: «وإنما لم تحرم...»؛ «به درستی که حرام نشده است؛ زیرا...». و به دو حدیث بر عدم حرمت استدلال می کند تا می رسد به اینجا که می گوید: «ويحمل على ذلك الخبر الصحيح لعن الله زوّارات القبور»؛ «بر کراهت حمل می شود خبر صحیح لعن الله زوّارات القبور».

بعد می گویند: «نعم یسنّ لها قبر النبی صلی الله علیه وآله لأنّها من أعظم القربات للرجال والنساء ومثل زیاره قبر النبی صلی الله علیه وآله زیاره سایر قبور الأنبیاء والعلماء والأولیاء فسنّ لها»؛ (۳) «آری، مستحب است برای زن زیارت

ص: ۸۲

---

۱- ۱۶۸. سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۷۲، کتاب الجنائز.

۲- ۱۶۹. اعانها الطالبین، ج ۲، ص ۱۴۲.

۳- ۱۷۰. سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۷۲، کتاب الجنائز.

قبر پیامبر صلی الله علیه وآله؛ زیرا آن از بزرگ ترین تقرّب ها برای مردان و زنان است. و مثل زیارت قبر پیامبر است زیارت سایر قبور انبیا و علما و اولیا، که مستحب می باشد.»

۵ - حمل این نهی است بر مواردی که رفتن زن ها برای زیارت قبور، مستلزم گناه و ارتکاب حرامی بشود.

بهوتی از علمای حنبلی در کتاب «کشاف القناع» آورده است: «یسنّ للذکور زیاره قبر مسلم»؛ «برای مردان، زیارت قبر مسلمان، مستحب است.»

تا این که می گوید:

«وتکره زیاره القبور للنساء لما روت أم عطیه قالت: (نهینا عن زیاره القبور ولم یعزم علینا) متفق علیه. فإن علم أنه یقع منهنّ محرّم حرمت زیارتهنّ القبور وعلیه یحمل قوله صلی الله علیه وآله: لعن الله زورات القبور. رواه الخمسه إلّا النسائی. وصحّحه الترمذی غیر قبر النبّی...»؛<sup>(۱)</sup> «و زیارت قبور برای زنان مکروه است؛ به دلیل روایت امّ عطیه که گفت: ما (زنان) از زیارت قبور نهی شده ایم ولی اتفاق بر عزیمت و الزام آور بودن آن قرار نگرفت، در نتیجه اگر در زیارت، کار حرامی از ناحیه زنان انجام شود، زیارت قبور بر آنان حرام می گردد و سخن رسول خدا صلی الله علیه وآله که فرمود: و خداوند زنان زایر قبور را لعنت کند، بر این صورت حمل می شود. این

ص: ۸۳

روایت را محدّثان پنج گانه به جز نسائی نقل کرده اند و ترمذی آن را درباره قبر غیر از پیامبر صلی الله علیه و آله صحیح دانسته است.»

در این کلام، حدیث «لعن الله زوّارات القبور» بر مواردی که زنان مرتکب فعل حرامی شوند، حمل شده است.

محمّد بن شربینی می گوید:

«وقیل: تحرم؛ لما روی ابن ماجه والترمذی عن أبی هريره - رضی الله عنه - أنّ النبیّ صلی الله علیه و آله لعن زوّارات القبور و لیس هذا الوجه فی «الروضه»، و به قال صاحب «المهذب» و غیره. وقیل: تباح. جزم به فی «الأحیاء» و صحّحه الرّویانی إذا أمن الإفتتان، عملاً بالأصل. والخبر فیما إذا ترتّب علیها بکاء و نحو ذلك. و محلّ هذه الأقوال فی غیر زیاره قبر سیّد المرسلین، أمّا زیارته فمن أعظم القربات للرجال والنساء. والحقّ الدمنهوری به قبور بقیّه الأنبیاء و الصالحین و الشهداء و هو ظاهر»؛ (۱) «و بعضی گفته اند: حرام است؛ به خاطر روایتی که ابن ماجه و ترمذی از ابوهریره نقل کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زنان زیارت کننده قبور را لعن کرده است. و این وجه (حرمت) در کتاب «روضه» وجود ندارد. و بر همین معنا هم صاحب «مهذب» و غیر او عقیده دارند. و بعضی دیگر هم گفته اند: مباح است. و صاحب کتاب «الاحیاء» بر این عقیده است. و روایانی هم آن را صحیح دانسته است؛ البته هنگامی که ایمن از فتنه؛ مثل گریه کردن و امثال

ص: ۸۴

آن باشد. علت این حکم اصل (الاصاله البرائنه) و خبر صحیح می باشد. البته این اختلاف اقوال بین علما در مورد زیارت قبور مؤمنین است؛ امّا در خصوص زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله اختلافی بین علما نیست، و آن را از بالاترین مقربّات الهی دانسته اند. و زیارت آن حضرت بر زنان و مردان مستحب است. دمنهوری، زیارت سایر پیامبران، صالحین و شهدا را هم به زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله ملحق کرده و زیارت آن ها را هم از بالاترین مقربّات الهی دانسته است. و این کلام دمنهوری درست و ظاهر است».

۶- بعضی هم حدیث مذکور را بر زیارت قبور مشرکین حمل نموده اند.

سرخسی می گوید: «وقیل: المراد النهی عن زیاره قبور المشرکین فإنّهم ما منعوا عن زیاره قبور المسلمین قطّ (الآتری) أنّه علیه الصلاه والسلام قال قد أذن لمحمّد فی زیاره قبر أمّه وکانت قد ماتت مشرکه»؛ (۱) «و بعضی گفته اند: مراد از نهی در زیارت قبور، نهی از زیارت قبور مشرکان است؛ چون که مشرکان، هرگز از زیارت قبور مسلمانان نهی نشدند. آیا ندیدی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند به محمّد در زیارت قبر مادرش که در حال شرک مرده بود، اجازه داد (اما به دیگران اذن نداده است)».

۷- این که این نهی برای زن هایی است که زیاد به زیارت قبور می روند؛ زیرا «زوّارات» صیغه مبالغه است و صیغه مبالغه دلالت بر کثرت و زیاده

ص: ۸۵

روی در آن مورد می کند و شامل اصل زیارت که خالی از کثرت و زیاده روی باشد، نمی شود.

شوکانی از قرطبی نقل می کند که می گوید: «اللعن المذكور فی الحدیث إنما هو للمكثرات من الزیارة لماتقتضیه الصیغه من المبالغه ولعلّ السبب مايفضی إليه ذلك من تضييع حقّ الزوج والتبرّج وماينشأ من الصیاح ونحو ذلك. وقد یقال: إذا أمن جمیع ذلك فلا- مانع من الإیذن لهنّ؛ لأئِنَّ تذکر الموت یحتاج إليه الرجال والنساء. قال الشوکانی تعليقاً علی کلام القرطبی: وهذا الکلام هو الّذی ینبغی إعتماده فی الجمع بین أحادیث الباب المتعارضه فی الظاهر»؛<sup>(۱)</sup> «منظور از لعن مذکور در حدیث (لعن اللّهُ زوّارات القبور) با توجه به اقتضای صیغه مبالغه، مربوط به زنانی است که در زیارت، زیاده روی می کنند و شاید عاملی که باعث این نهی گردیده، ضایع شدن حق شوهر و خود آراییی زن (که رعایت آن برای شوهر لازم است) و چیزی که موجب بروز صیحه و فریاد و مانند آن ها می شود، باشد. و گاهی گفته می شود که اگر زیارت زنان از این مسائل ایمن باشد، مانع ندارد که به آن ها اجازه زیارت قبور داده شود؛ برای این که یادآوری مرگ، چیزی است که مردان و زنان به آن نیازمندند.

شوکانی ذیل کلام قرطبی گفته است: و این کلامی است که در جمع بین احادیث باب که در ظاهر با هم متعارض هستند، می توان به آن اعتماد نمود».

ص: ۸۶



۸- این که نهی مذکور نسخ شده است. ابو عیسی ترمذی در ذیل این حدیث می گوید: «این نهی (لعن رسول الله زوارات القبور) قبل از آن بود که پیغمبر اجازه و ترخیص در زیارت قبور دهد؛ ولی بعد از ترخیص رسول خدا صلی الله علیه و آله، در این رخصت، هم مردها و هم زن ها داخل هستند (بنابراین، این نهی، با ترخیص رسول خدا صلی الله علیه و آله نسخ شده است)».

و خبر نسخ نهی مذکور و ترخیص زیارت برای زن ها دلالت می کند بر آنچه از عبدالله بن ابی ملیکه نقل شده است که گفت:

«روزی عایشه از قبرستان می آمد، پس به او گفتم: ای امّ المؤمنین! از کجا می آیی؟ گفت: از کنار قبر برادرم عبدالرحمان، پس به او گفتم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله از زیارت قبور نهی فرموده است؟ گفت: آری، پیامبر صلی الله علیه و آله نهی نمود از زیارت قبور، ولی سپس به آن امر فرمود».

شوکانی می گوید: (۱) «این حدیث را حاکم نقل نموده و ابن ماجه نیز به طور اختصار از عایشه نقل کرده است که پیامبر زیارت قبور را اجازه داده است» (۲) «عن ابی ملیکه عن عائشه أنّ رسول الله صلی الله علیه و آله رخص فی زیاره القبور»؛ (۳) «از ابی ملیکه از عایشه نقل شده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به زیارت قبور رخصت و اجازه داده است».

ص: ۸۷

---

۱- ۱۷۵. نیل الاوطار، ج ۴، ص ۱۶۴.

۲- ۱۷۶. مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۳۷۵، کتاب الجنائز.

۳- ۱۷۷. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۰، ح ۱۵۷۰، کتاب الجنائز، باب ۴۷، ما جاء فی زیاره القبور.

حاکم پس از آن که حدیث «لعن رسول الله صلى الله عليه وآله زوّارات القبور» را از حسان بن ثابت نقل می کند، می گوید: «وهذه الأحاديث المروية في النهي عن زيارة القبور منسوخة والناسخ لها حديث علقمة بن مرثد عن سليمان بن بريدة عن أبيه عن النبي صلى الله عليه وآله: (قد كنت نهيتكم عن زيارة القبور ألا فزوروها فقد أذن الله تعالى لنيّيه في زيارة قبر أمّه). وهذا الحديث مخرج في الكتابين الصحيحين للشيخين رضي الله عنهما»؛<sup>(۱)</sup> «و این احادیثی که درباره نهی از زیارت قبور وارد شده، منسوخ هستند و ناسخ آن ها حدیث علقمه بن مرثد از سلیمان بن بریده از پدرش از پیامبر صلی الله علیه وآله است که فرمود: (در گذشته شما را از زیارت قبور نهی می کردم، اکنون آن ها را زیارت کنید، و خدای متعال به پیامبر در زیارت مادرش اذن داد). و این حدیث، در دو کتاب صحیح بخاری و مسلم رضی الله عنهما نقل شده است».

۹- احادیث متعددی است که در جواز زیارت برای زنان صراحت دارد و مقتضای جمع بین این احادیث و حدیث مورد بحث این است که حدیث مذکور را حمل بر کراهت نماییم، چنان که مجموع این روایات، در بخش قول به جواز ذکر می شود.

### **(ب) نقد قاعده سدّ ذرایع**

به قاعده سدّ ذرایع بر حرمت زیارت قبور بر زنان نیز این گونه پاسخ می دهیم:

ص: ۸۸

اولاً: اجرای این قاعده در این مورد در حقیقت اجتهاد در مقابل نصّ است؛ زیرا ظاهر نصوص، جواز زیارت زنان از قبور می باشد.

ثانیاً: این قاعده موردش جایی است که عملی به طور حتم راهی به سوی حرام باشد و به حرام منجر شود که باید راه را بر آن بست تا مردم به حرام نیفتند. در مورد زنان نمی توان این قاعده را به طور کلی و عموم اجرا کرد؛ زیرا بسیاری از زنان هستند که صبور بوده بلکه از مردان هم صبورترند، و با حجاب کامل و وقت خلوت به زیارت قبور می روند که هرگز باعث فتنه خودشان یا دیگران نمی شوند. و لذا استدلال و توجیه و استحسان بن باز در همه موارد جاری نیست.

## فتاوی جواز

عده ای از علمای اهل سنت و فقهای آنان تصریح به جواز زیارت زنان از قبور کرده اند. اینک به برخی از عبارات و فتاوی آنان اشاره می کنیم:

۱ - ابن عبد البر بعد از نقل این احادیث از ابوبکر نقل کرده که گفت: از اباعبدالله احمد بن حنبل شنیدم، هنگامی که از او درباره زیارت زنان از قبور سؤال شد، گفت: «أرجو إن شاء الله أن لا یكون به بأس»؛ (۱) «امیدوارم که در آن - ان شاء الله - مشکلی نباشد.»

۲ - ابن عابدین می گوید: «هل تستحبّ زیاره قبره صلی الله علیه وآله للنساء؟»

ص: ۸۹

---

۱- ۱۷۹. التمهید فی شرح الموطأ، ج ۳، ص ۲۳۴.

الصحيح: نعم بلا كراهه، بشروطها على ما صرح به بعض العلماء، أما على الأصح من مذهبنا - وهو قول الكرخي وغيره، من أن الرخصة في زيارة القبور ثابتة للرجال والنساء جميعاً - فلا أشكال، وأما على غيره فذلك نقول بالاستحباب، لأطلاق الأصحاب، بل قيل: واجبه، ذكره في شرح اللباب؛<sup>(١)</sup> «آيا زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وآله برای زنان مستحب است؟ قول صحيح آن است که آری، بدون کراهت، ولی با شروط آن، آن گونه که برخی از علما به آن تصریح کرده اند. اما بنا بر قول صحيح تر از مذهب ما که قول کرخی و دیگران است که رخصت در زیارت قبور برای تمام مردان و زنان ثابت است، دیگر اشکالی وجود ندارد. و اما بنا بر رأی دیگران، قول به استحباب را به جهت اطلاق اصحاب قائل می شویم. بلکه گفته شده که زیارت واجب است، بنا بر آنچه در شرح لباب آن را ذکر کرده است.»

۳ - ترمذی بعد از نقل حدیث می گوید: «وقد رأى بعض أهل العلم أنّ هذا كان قبل أن يرخص النبي صلى الله عليه وآله في زيارة القبور، فلما رخص دخل في رخصته الرجال والنساء»؛<sup>(٢)</sup> «برخی از اهل علم معتقدند که این حدیث مربوط به قبل از رخصت پیامبر صلی الله علیه وآله در زیارت قبور بوده، و لذا هنگامی که حضرت رخصت داد، مردان و زنان در این رخصت داخل شدند.»

۴ - شیخ منصور علی ناصف از علمای الازهر می گوید: «الأمر في

ص: ۹۰

---

۱- ۱۸۰. ردّ المختار علی الدرّ المختار، ج ۲، ص ۲۶۳.

۲- ۱۸۱. سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۷۲، باب ۶۲، ح ۱۰۵۶.

زیاره القبور للندب عند الجمهور، وللوجوب عند ابن حزم ولو مره واحده فی العمر»؛<sup>(۱)</sup> «نزد جمهور اهل سنت، امر در زیارت قبور برای استحباب و نزد ابن حزم برای وجوب است ولو یک مرتبه در طول عمر.»

آن گاه در ادامه می گوید: «زیاره النساء للقبور جائزه بشرط الصبر وعدم الجزع وعدم التبرج وأن يكون معها زوج أو محرم، منعاً للفتنه...»؛<sup>(۲)</sup> «زیارت زنان از قبرها جایز است به شرط آن که صبر داشته و جزع نکنند و همانند عصر جاهلیت بیرون نیایند. و این که همراه آنان همسرشان یا محرمی باشد تا از فتنه جلوگیری شود.»

### فتاوی اهل سنت در جواز زیارت قبور برای بانوان

۵ - سرخسی - از علمای حنبلی - می گوید: «والأصح عندنا أن الرخصة ثابتة في حق الرجال والنساء جميعاً. فقد روى أن عائشه رضي الله عنها كانت تزور قبر رسول الله صلى الله عليه وآله في كل وقت وأنها لمّا خرجت حاجه زارت قبر أخيها عبدالرحمن رضي الله عنه»؛<sup>(۳)</sup> «و صحیح تر نزد ما این است که رخصت و اجازه زیارت قبور در حق همه مردان و زنان ثابت است. و از عائشه روایت شده که قبر رسول خداصلی الله علیه وآله را در هر وقتی زیارت می کرد و هرگاه حاجتی داشت، قبر برادرش عبدالرحمان - رضي الله عنه - را

ص: ۹۱

---

۱- ۱۸۲. التاج الجامع للاصول، ج ۱، ص ۳۸۱.

۲- ۱۸۳. همان.

۳- ۱۸۴. المبسوط، ج ۲۴، ص ۱۰.

۶ - محمد بن شربینی شافعی، ضمن نقل اقوال می گوید:

«وقیل: تباح. جزم به فی «الأحياء» وصححه الرؤياني إذا أمن الإفتتان عملاً بالأصل والخبر فيما إذا ترتب عليها بكاء ونحو ذلك»؛<sup>(۱)</sup> «و گفته شده زیارت قبور برای زنان مباح و جایز است... به جهت عمل به اصل اباحه، و خبر: (لعن رسول الله زوارات القبور) در موردی است که گریه و نحو آن بر آن مترتب شود».

۷ - ابن قدامه می گوید: «إختلفت الروايه عن أحمد في زیاره النساء القبور فروی عنه كراهتها»؛ «از احمد روایات مختلف درباره زیارت قبور از جانب زنان رسیده است. از او قول به کراهت روایت شده است.»

تا آنجا که می گوید: «والروايه الثانيه لا يكره»؛<sup>(۲)</sup> «روایت دوم آن است که کراهت ندارد.»

۸ - ابن حجر می گوید: «فائده: ممّا يدلّ للجواز بالنسبه إلى النساء ما رواه مسلم عن عائشه قالت: كيف أقول يا رسول الله صلى الله عليه وآله؟ تعنى إذا زرت القبور، قال: قولى السلام على أهل الديار من المؤمنين»؛<sup>(۳)</sup> «فایده: از جمله روایاتی که دلالت بر جواز زیارت زنان می کند، روایت مسلم از عایشه است که به رسول خدا صلی الله علیه وآله عرض کرد: ای رسول خدا! چه

ص: ۹۲

۱- ۱۸۵. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۳۶۵.

۲- ۱۸۶. المغنی، ج ۲، ص ۴۳۰.

۳- ۱۸۷. تلخیص الحییر، ج ۵، ص ۲۴۸.

بگویم؟ حضرت فرمود: منظورت هنگام زیارت قبور است؟ بعد فرمود: بگو: سلام بر اهل سرزمین مؤمنان!

و بعد روایت حاکم در مورد زیارت فاطمه علیها السلام قبر عمویش حمزه را در هر روز جمعه نقل می کند.

۹- و در مبسوط سرخسی است که می گوید:

«و الأصحّ عندنا أنّ الرخصة ثابتة في حقّ الرجال و النساء جميعاً»؛ (۱) «و صحیح تر در نظر ما این است که رخصت و اجازه زیارت در حقّ همه مردان و زنان ثابت است».

### فلسفه زیارت قبور اولیای الهی

زیارت قبور اولیای الهی؛ خصوصاً پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام آثار و برکاتی دارد که می تواند ملاک حسن و رجحان آن باشد. اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱- بزرگان دین و اولیای الهی در حقیقت الگوهای هستند که با اقتدای به آنان به کمال و سعادت دنیا و آخرت خواهیم رسید. این مسئله تنها اختصاص به جوامع دینی ندارد، بلکه همه جوامع بشری درصدد بزرگ جلوه دادن الگوهای هستند که مردم با اقتدای به آنان در طریق سعادت و کمال قرار گیرند. این الگوها اگرچه زنده نیستند، ولی با دعوت مردم به

ص: ۹۳

زیارت قبرشان، مردم را به یاد خود انداخته و آن‌ها را به کمالات سوق خواهند داد؛ مثلاً در بسیاری از کشورها میدان و مجسمه‌ای را به نام سرباز گمنام قرار می‌دهند، که رمز فداکاری خالص در راه وطن است تا مردم از این طریق همیشه به این فکر باشند که هر گاه کشور مورد هجوم اجانب قرار گرفت، از خود فداکاری نشان دهند.

بنابر این حضور یافتن بر سر قبر بزرگان و اسوه‌ها، از حیث روانی آثار و برکات خاصی دارد که روان‌شناسان از آن غافل نبوده‌اند.

عباس محمود عقاد می‌گوید: «خواست روزگار و اتفاقات این بوده که قافله حسین بعد از آن که از هر طرف جلو آن گرفته شد به سوی کربلا-سوق داده شود، کربلایی که تاریخش تا امروز با تاریخ اسلام گره خورده و حقیقت آن است که به تاریخ بنی‌نوع انسان گره بخورد.

کربلا-امروز حرمی است که مسلمانان به جهت عبرت و درس‌آموزی، او را زیارت کرده و غیر مسلمانان نیز به جهت سیر و سیاحت به زیارت او می‌روند. ولی کربلا اگر قرار باشد که حقیقت ادا شود سزاوار است که مزار هر انسانی باشد که برای نوع خود قداست و فضیلتی قائل است؛ زیرا به یاد نداریم بقعه‌ای از بقعه‌های زمین که اسمش با جمله‌ای از فضایل و مناقب انسانی مقرون باشد، بزرگ‌تر از زمین کربلا بعد از شهادت امام حسین علیه السلام...»<sup>(۱)</sup>.

۲- زیارت از مظاهر حبّ است. شکی نیست که اهل بیت علیهم السلام محبتشان

ص: ۹۴



از جهات مختلف بر ما لازم و واجب است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي لِحَبِّي»؛<sup>(۱)</sup> «اهل بیتم را به جهت دوستی من دوست بدارید.» لذا همان گونه که محبت پیامبر صلی الله علیه و آله واجب است، محبت اهل بیتش هم لازم است. از طرفی دیگر می دانیم که حبّ، مظاهر و بروز دارد، و تنها در اطاعت و دوستی قلبی خلاصه نمی شود. یکی از این مظاهر، زیارت قبر آنان است.

۳- زیارت قبور اولیای الهی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخت اجر و مزد رسالت است. خداوند متعال می فرماید: «قُلْ لِمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛<sup>(۲)</sup> «بگو: من از شما اجر رسالت نمی خواهم جز این که مودت مرا در حقّ خویشاوندانم منظور بدارید.» یکی از مصادیق مودت ذوی القربی، زیارت قبور آنان است.

۴- زیارت قبور اولیای الهی تعبیری از عمق ارتباط انسان با خط اولیای خداوند متعال است.

۵- زیارت اولیای الهی در حقیقت تجدید عهدی با آن ها است. می دانیم که هر یک از امامان بر ما ولایت دارند و ما هم باید ولایت آنان را پذیرفته و با آنان بیعت نماییم. این بیعت تنها با گفتن نیست، بلکه باید بیعت قلبی خود را ابراز نماییم، که در حال حاضر با زیارت قبور آن ها و حضور در کنار مرقد شریفشان صورت می گیرد.

لذا در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده: «همانا برای هر امامی عهدی بر

ص: ۹۵

---

۱- ۱۹۰. مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۴۹.

۲- ۱۹۱. سوره شوری، آیه ۲۳.

گردن اولیا و شیعیانشان است که وفای به آن عهد و حسن ادای آن، زیارت قبور آنان است»<sup>(۱)</sup>.

۶ - حضور در کنار قبر اولیای خدا انسان را از جنبه روحی و معنوی زنده کرده و روح تازه معنوی به انسان افاضه می کند.

۷ - با این عمل، اولیای الهی نیز ما را دوست می دارند که خود سبب نزول برکات بر ما می گردد.

۸ - زیارت کردن و قرار گرفتن در کنار قبور اولیای الهی، ما را به یاد فداکاری های آنان انداخته و لذا با خدای خود پیمان می بندیم که مانند آنان باشیم.

۹ - زیارت قبور اولیای الهی در حقیقت اعلان عملی به ادامه دادن راه آن بزرگان و انزجار و تبری از دشمنان آنان است.

### فضیلت زیارت قبر امام حسین علیه السلام

در روایات اهل بیت علیهم السلام سفارش فراوانی در مورد زیارت قبر امام حسین علیه السلام شده است؛ از جمله:

۱ - امام باقر علیه السلام می فرماید: «شیعیان ما را به زیارت قبر حسین علیه السلام امر کنید؛ زیرا به جای آوردن آن بر هر مؤمنی که اقرار به امامت حسین علیه السلام از جانب خدای عزوجلّ دارد، واجب و فرض است»<sup>(۲)</sup>.

۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس از شیعیان ما به زیارت قبر

ص: ۹۶

---

۱- ۱۹۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۷۸ و ۷۹.

۲- ۱۹۳. کامل الزیارات، ص ۱۳۱.

حسین علیه السلام رود باز نمی گردد تا این که تمام گناهان او بخشوده شود».(۱)

۳ - امام رضا علیه السلام از پدرش و او از جدش امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «همانا ایام زائرین حسین علیه السلام جزء عمرشان حساب نمی شود».(۲)

۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس که می خواهد در جوار پیامبر صلی الله علیه و آله و جوار علی و فاطمه علیهما السلام باشد، هرگز زیارت حسین بن علی علیهما السلام را رها نکند».(۳)

۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس به زیارت قبر حسین آید؛ در حالی که عارف به حق اوست، گناهان گذشته و آینده او بخشوده خواهد شد».(۴)

۶ - احمد بن محمد بن ابی نصر می گوید: یکی از اصحاب ما از امام رضا علیه السلام درباره ثواب زیارت قبر امام حسین علیه السلام سؤال کرد، حضرت فرمود: «معادل با عمره است».(۵)

۷ - محمد بن سنان می گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: «هر کس به زیارت قبر حسین علیه السلام رود، خداوند متعال برای او ثواب حج قبول شده خواهد نوشت».(۶)

۸ - امام صادق علیه السلام می فرماید: «زیارت قبر حسین علیه السلام معادل ثواب بیست حج است، بلکه افضل از بیست حج».(۷)

ص: ۹۷

---

۱- ۱۹۴. پیشین، ص ۱۴۵.

۲- ۱۹۵. کامل الزیارات، ص ۱۴۷.

۳- ۱۹۶. همان.

۴- ۱۹۷. همان، ص ۱۵۱.

۵- ۱۹۸. همان، ص ۱۶۷.

۶- ۱۹۹. همان، ص ۱۷۰.

۷- ۲۰۰. همان، ص ۱۷۵.

## چرا زیارت امام حسین علیه السلام از زیارت کعبه افضل است؟

برخی از مغرضین از وهابیان با مشاهده این روایات در کتب شیعه خشمگین شده و شدیداً بر شیعه امامیه به سبب وجود این روایات حمله کرده اند. اینان می گویند: وجود این گونه روایات مردم را از فریضه حج بازداشته و عقیده آنان را نسبت به حج سُست می کند یا این که موجب تفضیل امام حسین علیه السلام بر خداوند متعال می شود - نعوذبالله تعالی - لذا باید از نشر این گونه افکار و عقاید جلوگیری کرد، چون نوعی غلو است.

در جواب از این اشکال می گوئیم:

۱ - ممکن است که این روایات جنبه رمزی داشته باشد؛ یعنی هر گاه اسلام در خطر است و مردم تنها توجهشان به ظاهر شریعت (نماز، روزه، حج و غیره) است؛ در حالی که این قالب ها از روح تهی است باید با گذراندن خطّ سرخ شهادت، ابتدا روح را در کالبد شریعت و جامعه اسلامی وارد نمود، آن گاه به ظاهر شریعت پرداخت.

در کشور اسلامی که تنها اسم اسلام باشد، ولی از روح شریعت خبری نباشد باید ابتدا با پیمودن راه حسینی اَمّت را نسبت به حقیقت اسلام آشنا کرد و آن گاه به ظاهر شریعت پرداخت؛ یعنی همان کاری که امام حسین علیه السلام نمود؛ زیرا آن وقتی که همه برای اعمال حج به مکه آمده اند، ایشان اعمال حجّ خود را نیمه تمام گذاشته و به امر مهمی پرداخت که احیای امر به معروف و نهی از منکر، بیداری ملت و احیای شریعت است.

۲ - اگر کعبه احترام دارد از آن جهت است که به امر خداوند توسط انبیای الهی بنا شده است و طبق نص برخی از روایات، موازی عرش الهی و مظهري از مظاهر ربوبی است، ولی امام کلمه الله و مظهر جامع جمیع صفات جمال و جلال الهی است. لذا در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «من أراد الله بدأ بکم، ومن وَّحده قبل عنکم، ومن قصده توجَّه بکم»؛ (۱) «هر که خدا را اراده کرده از شما شروع خواهد کرد، و هر که خدا را به وحدانیت شناخته از شما قبول کند، و هر کس خدا را قصد کرده به شما توجَّه کند.» در دعای ندبه نیز می خوانیم: «أین وجه الله الذی إلیه یتوجَّه الأولیاء»؛ (۲) «کجاست وجه خدا که اولیا به او توجَّه کنند؟»

۳ - بر هر فرد مسلمانی واجب است که احکام شرعی؛ از جمله حج و مسائل آن را فرا گرفته و آن گاه به حج برود و اعمال آن را به جای آورد. از آنجا که امام، مبین شریعت نبوی است، باید ابتدا به سراغ او رفته و با التزام به امامت و ولایت تشریحی و تکوینی او سراغ حج و اعمال آن برویم.

۴ - روایات به افضلیت زیارت امام حسین علیه السلام با معرفت به حقّ امام بر حجّ غیر واجب اشاره دارند، نه حجّ واجب؛ زیرا هیچ گاه فعل مستحّبی از فعل واجب افضل نمی شود.

ص: ۹۹

---

۱- ۲۰۱. زیارت جامعه کبیره.

۲- ۲۰۲. دعای ندبه.

از نظر اهل سنت طواف در اطراف قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله حرام و منهی عنه است. اینک به عباراتی از اهل سنت در این زمینه می پردازیم:

- ۱ - محیی الدین نووی می نویسد: «لایجوز أن یطاف بقبره»؛<sup>(۱)</sup> «طواف کردن به دور قبر پیامبر صلی الله علیه و آله جایز نیست».
- ۲ - محمّد بن شربینی می نویسد: «ولیحذر من الطواف بقبره صلی الله علیه و آله»؛<sup>(۲)</sup> «باید از طواف کردن به دور قبر پیامبر صلی الله علیه و آله پرهیزد».
- ۳ - سمهودی در آداب حرم مطهر نبوی می نویسد: «ومنها: أن یجتنب لمس الجدار وتقبيله والطواف به، والصلاه إلیه»؛<sup>(۳)</sup> «و از جمله آداب این است که از لمس کردن دیوار و بوسیدن آن و طواف به دور قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و نماز به طرف آن خودداری کند».

ص: ۱۰۰

---

۱- ۲۰۳. المجموع، نووی، ج ۸، ص ۲۷۵.

۲- ۲۰۴. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۳.

۳- ۲۰۵. وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۱۴۰۲.

## تفصیلی درباره طواف بر قبور اولیا

طواف بر قبور اولیا علی الخصوص رسول خداصلی الله علیه وآله و سایر انبیا و امامان از اهل بیت علیهم السلام از نظر قصد و عنوانی که طواف کننده دارد بر چند نوع است:

۱ - این که به عنوان عبادت انجام گیرد همان گونه که طواف خانه خدا به این عنوان و نیت است.

شکی نیست که طواف به این عنوان را اگر کسی به دور قبر ولیّ خدا انجام دهد بدعت و حرام بوده بلکه به یک معنا شرک است.

۲ - این که طواف را به عنوان عبادت و پرستش آن ولیّ و تعظیم به قصد الوهیت یا ربوبیت او انجام ندهد، بلکه تنها به قصد این انجام دهد که مستحب و مطلوب شرعی است. این نوع نیز حرام و بدعت است؛ چون امر استحبابی بر طواف به دور قبور اولیای الهی حتی رسول خداصلی الله علیه وآله نرسیده است.

۳ - این که شخص طواف کننده فقط به این جهت طواف می کند که صاحب قبر را دوست دارد و به جهت علاقه ای که به او دارد دور او می گردد، و لذا مقید به هفت شوط هم نیست. این نوع طواف محذوریت شرعی ندارد، و بر فرض که دلیلی بر حرمت طواف بر غیرخانه خدا (کعبه) باشد از این مورد انصراف دارد.

۴ - این که طواف را تنها به قصد تبرّک انجام دهد نه عبادت. و از آن جهت که تبرّک جستن از اولیای الهی - آن گونه که خود به اثبات رساندیم - اشکالی ندارد، این نوع از طواف نیز خالی از اشکال است.

از آنجا که ممکن است برخی به روایاتی از اهل بیت علیهم السلام درباره طواف بر قبر و ظهور آن ها در نهی تمسک کنند، لذا ضرورت دارد که به بررسی اجمالی این روایات بپردازیم:

حلبی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «لاتشرب وأنت قائم، ولاتطف بقبر ولا تبئل فی ماء نقیع، فإن من فعل ذلك فأصابه شیء فلابومنّ إلّا نفسه...»؛<sup>(۱)</sup> «در حال ایستاده آب نیاشام، و طواف به قبری مکن و در آب گوارا و زلال بول نکن؛ زیرا کسی که چنین کرد و به او چیزی رسید به جز خودش کسی دیگر را ملامت نکند».

و نیز محمّد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام نقل کرده که فرمود: «لاتشرب وأنت قائم، ولاتبئل فی ماء نقیع، ولاتطف بقبر...»؛<sup>(۲)</sup> «در حالی که ایستاده ای شرب مکن و در آب گوارا بول نکن، و به قبری طواف منما...».

این دو روایت گرچه از جهت سند قوی است؛ زیرا هر دو ی آن ها صحیح است، ولی از جهت دلالت نه تنها راجع به طواف به معنای دور زدن نیست، بلکه موردی به بحث ما ندارد.

مراد از طواف در این دو حدیث، غائط کردن است نه طواف نمودن

ص: ۱۰۲

---

۱- ۲۰۶. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۱۱، چاپ امیربهادر.

۲- ۲۰۷. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۱۱، چاپ امیربهادر.



و دور زدن. شاهد بر این مطلب عبارت طریحی در «مجمع البحرین» است که در ماده «طواف» می گوید: «الطَّوْفُ: الغَائِطُ ومنه الخير: لا یصلُّ أحدکم وهو یدافع الطَّوْفَ. ومنه الحدیث: لا تبیل فی مستنقع، ولا تطف بقبر»؛<sup>(۱)</sup> «طواف به معنای غائط است. و از همین ماده است روایتی که می گوید: یکی از شما نباید نماز خود را در حال فشار غائط به جای آورد. و از همین معنا است حدیثی که می گوید: در آب گوارا بول مکن و به قبری طواف منما».

و نیز جوهری در «صحاح اللغه» می نویسد: «الطَّوْفُ: الغَائِطُ، تقول منه: طاف یطوف طوفاً واطاف اطيافاً، إذا ذهب إلى البراز لیتغوّط»؛<sup>(۲)</sup> «طواف به معنای غائط است. تو از این ماده می گویی: طاف یطوف طوفاً و اطفاف اطيافاً، هنگامی که شخصی بیرون رود تا غائط کند».

فیروز آبادی در «قاموس اللغه» می نویسد: «طوف به معنای غائط است. طاف یعنی به جهت غائط کردن بیرون رفت».<sup>(۳)</sup>

شبه همین معنا را زبیدی در «تاج العروس» آورده است.

وانگهی، مناسبت فقرات حدیث، میان ایستاده آب خوردن و بول کردن در آب راکد و گودال هایی که در آن ها آب جمع می شود با میان قبور غائط کردن است نه دور گشتن و طواف نمودن بر قبور.

ص: ۱۰۳

---

۱- ۲۰۸. مجمع البحرین، طریحی، ماده «طوف».

۲- ۲۰۹. صحاح اللغه، ماده «طوف».

۳- ۲۱۰. قاموس المحيط، ماده «طوف».

به خصوص تعلیلی که در روایت اول برای ارتکاب این امور آمده است که می فرماید: «اگر به او چیزی از (خطر) رسید به جز خودش کسی دیگر را ملامت نکند». این تعلیل با غائط کردن مناسبت دارد؛ زیرا این عمل خالی از خطرهای روحی و جسمی نیست. علاوه بر این که غائط نمودن بر روی قبور مؤمنین موجب هتک حرمت صاحبان قبور می شود.

تأیید این مطلب که دو روایت فوق مربوط به غائط کردن بر قبور است نه طواف کردن و دور زدن بر قبور، این که صاحب وسائل در همان باب روایتی را از یحیی بن اکثم نقل کرده که در حدیثی گفت: «بينا أنا ذات يوم دخلت أطوف بقبر رسول الله صلى الله عليه وآله، فرأيت محمّداً بن عليّ الرضا عليه السلام يطوف به، فناظرته في مسائل عندي...»؛ «هنگامی که من روزی وارد بقعه رسول خدا شدم تا قبر حضرتش را طواف نمایم، مشاهده کردم محمّد بن علی الرضا علیه السلام (جواد الائمه) را که مشغول طواف به دور قبر پیامبر صلی الله علیه وآله بود. من در مورد مسائلی چند که نزد من بود با آن حضرت علیه السلام مناظره کردم...».

### تحقیقی از علامه مجلسی

علامه مجلسی در اینجا بحث بلیغی فرموده و انصافاً حق مطلب را ادا کرده است. او پس از آن که روایت اولی را که از «علل الشرایع» نقل شده ذکر می کند می گوید: «يحتمل أن يكون النهي عن الطواف بالعدد

المخصوص الذي يطاف بالبيت...»؛<sup>(۱)</sup> «محتمل است که مقصود از نهی به طواف، طواف به هفت بار است که مخصوص خانه خدا است...».

او سپس روایت وارده از کتاب «کافی» راجع به طواف حضرت جواد الائمه علیه السلام به نقل از یحیی بن اکثم را نقل کرده و در ذیل آن می گوید: «والأحوط أن لا يطوف إلا للإتيان بالأدعية والأعمال المأثورة وإن أمكن تخصيص النهي بقبر غير المعصوم، إن كان معارض صريح. ويحتمل أن يكون المراد بالطواف المنفي هنا التغوط»؛<sup>(۲)</sup> «و احتیاط آن است که جز برای خواندن دعاها و عمل هایی که رسیده به دور قبر طواف نکنند، گرچه ممکن است که نهی را به قبر غیر معصوم اختصاص دهیم در صورتی که معارض صریحی بر جواز وجود داشته باشد. و احتمال دارد که مراد به طوافی که نهی شده غائط کردن باشد».

آن گاه مرحوم مجلسی برای اثبات احتمال اخیر به کلامی از کتاب «النهاية» ابن اثیر تمسک می کند که طواف به معنای غائط کردن است. و در آخر با تمسک به روایاتی دیگر این معنا را ترجیح می دهد.

مرحوم محدث نوری نیز در «مستدرک الوسائل» کتاب المزار حق مطلب را ادا کرده است؛ زیرا:

أولاً: عنوان باب را برخلاف صاحب وسائل، باب جواز طواف کردن و دور گشتن بر قبور قرار داده است.

ص: ۱۰۵

---

۱- ۲۱۱. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۶ - ۱۲۸.

۲- ۲۱۲. همان.

ثانیاً: طواف در روایت مورد نظر را به معنای غائط و حدث گرفته است.

## دست کشیدن و بوسیدن قبور اولیا

یکی از اعمالی که شدیداً مورد مذمت و طعن وهابیان قرار گرفته و آن را بدعت و شرک می نامند مسأله مسح کردن و دست کشیدن بر قبور اولیای الهی و حتی پرده خانه کعبه و دیوار کعبه است. آن ها نه تنها حکم به حرمت و شرک بودن این عمل کرده اند، بلکه شدیداً با آن به مقابله فیزیکی می پردازند. اینک جا دارد این عمل را به طور خصوص مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

## اقوال در مسأله

### اشاره

درباره دست مالیدن و مسح کردن بر قبور اولیای الهی حتی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و هر آنچه به حضرت مرتبط است اقوالی از علمای اهل سنت رسیده است.

### ۱ - قول به حرمت

ابن عثیمین می گوید: «برخی از زائرین دست به محراب و منبر و دیوار مسجد می کشند، که تمام این ها بدعت است»<sup>(۱)</sup>.

سمهودی از زعفرانی نقل می کند که گفته است: «قرار دادن دست بر روی قبر و مس کردن و بوسیدن آن از بدعت های است که شرعاً منکر است»<sup>(۲)</sup>.

ص: ۱۰۶

---

۱- ۲۱۳. دلیل الأخطاء، ص ۱۰۷.

۲- ۲۱۴. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۴۰۲.

## ۲ - قول به عدم استحباب

برخی تنها به عدم استحباب شرعی آن اشاره کرده و اصل این عمل را بدعت یا حرام ندانسته اند. عبدالرحمن بن قدامه می نویسد:

«مسح کردن دیوار قبر پیامبر صلی الله علیه وآله و بوسیدن آن مستحب نیست. احمد می گوید: حکم آن را نمی دانم. اثر می می گوید: اهل مدینه را دیدم که قبر پیامبر صلی الله علیه وآله را لمس نمی کنند، بلکه در کناری می ایستند و سلام می دهند. ابو عبدالله می گوید: ابن عمر نیز چنین انجام می داد. او می گوید: اما درباره منبر، ابراهیم بن عبدالله بن عبدالقاری روایت می کند که او ابن عمر را دید که دستش را بر محل نشستن پیامبر صلی الله علیه وآله بر روی منبر گذاشت و سپس دست خود را بر صورتش کشید.»<sup>(۱)</sup>

نووی بعد از نقل کلامی از ابوموسی در این باره می گوید: «... و نیز به خاطر این که استلام دو رکن شامی کعبه مستحب نیست؛ چون سنّت نبوده است، با این که استلام دو رکن دیگر آن مستحب است. با این وصف، مسّ قبور به طریق اولی مستحب نمی باشد. و خداوند به حکم این مسأله دانایتر است.»<sup>(۲)</sup>

## ۳ - قول بر کراهت

محبی الدین نووی در جایی دیگر می گوید: «قالوا: ویکره مسح بالید و تقیبه بل الأدب أن یبعد منه کما یبعد منه لو حضره فی حیاته صلی الله علیه وآله.»

ص: ۱۰۷

---

۱- ۲۱۵. الشرح الکبیر، ج ۳، ص ۴۹۶.

۲- ۲۱۶. المجموع، نووی، ج ۵، ص ۳۱۱.

هذا هو الصواب الذي قاله العلماء وأطبقوا عليه...»؛<sup>(۱)</sup> «گفته اند: مسح با دست و بوسیدن قبر پیامبر صلی الله علیه وآله مکروه است، بلکه ادب اقتضا می کند که از قبر دور باشد همان طوری که در حال حیات حضرت نزد او حاضر می شدند. این سخن درستی است که علماء گفته اند و بر آن اجماع و اتفاق دارند...».

محمد بن شربینی می گوید: «ویکره مسح بالید و تقبيله»؛<sup>(۲)</sup> «و مسح قبر پیامبر صلی الله علیه وآله با دست و بوسیدن آن کراهت دارد».

#### ۴ - قول به جواز و استحباب

##### روایات اول تا ششم

شیعه امامی به طور اتفاق و بسیاری از علمای اهل سنت معتقد به جواز بلکه استحباب لمس کردن و بوسیدن قبور اولیای الهی و در رأس آن ها پیامبر اسلام می باشند. و در این حکم به روایاتی چند تمسک کرده اند:

۱ - ابن حجر در این باره می نویسد: «فأئده أخرى: إستنبط بعضهم من مشروعيه تقبيل الأركان جواز تقبيل كل من يستحق التعظيم من آدمي وغيره، فأما تقبيل يد الآدمي في كتاب الأدب. وأما غيره فنقل عن الإمام أحمد أنه سئل عنه تقبيل منبر النبي صلى الله عليه وآله وتقبيل قبره فلم ير به بأساً. واستبعد بعض أتباعه صحه ذلك. ونقل عن ابن أبي الصيف اليماني أحد علماء مكة من الشافعيه جواز تقبيل المصحف وأجزاء

ص: ۱۰۸

---

۱- ۲۱۷. المجموع، ج ۸، ص ۲۷۵.

۲- ۲۱۸. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۳.

الحديث وقبور الصالحين وبالله التوفيق»؛<sup>(۱)</sup> «بعضی از علما از مشروع بودن ارکان کعبه، جایز بودن بوسیدن هرکسی را که مستحق تعظیم باشد از آدم و غیر آن، برداشت نموده اند؛ اما حکم بوسیدن دست آدمی، در کتاب الادب می آید و اما درباره غیر آدمی از امام احمد نقل شده است که از او درباره بوسیدن منبر و قبر پیامبر صلی الله علیه وآله سؤال شد، او این مسأله را بی اشکال دانست، ولی بعضی از پیروان او صحیح بودن آن را بعید شمرده اند. و از ابن ابی صیف یمانی یکی از علمای شافعی مکه، جایز بودن بوسیدن مصحف (قرآن) و اجزای حدیث و قبور صالحان، نقل شده است و توفیق از ناحیه خداست».

این مطلب در کتاب «نیل الاوطار» شوکانی از کتاب فتح الباری (نیز) نقل شده است.

۲ - سمهودی می گوید: «قال العزّ فی کتاب العلل والسؤالات لعبدالله بن أحمد بن حنبل عن أبيه رواية أبي علي بن الصوف عنه، قال عبدالله: سألت أبي عن الرجل يمسّ منبر رسول الله صلى الله عليه وآله ويتبرّك بمسّه، ويقبله ويفعل بالقبر مثل ذلك رجاء ثواب الله تعالى، قال: لا بأس به. قال العزّ بن جماعة: وهذا يبطل ما نقل عن النووي من الإجماع. قلت: النووي لم يصرّح بنقل الإجماع لكن قوه كلامه تفهمه»؛<sup>(۲)</sup> «عزّ می گوید: در کتاب «العلل و السؤالات» عبدالله بن احمد بن حنبل از پدرش روایت

ص: ۱۰۹

---

۱- ۲۱۹. فتح الباری، ج ۳، ص ۴۷۵.

۲- ۲۲۰. وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۱۴۰۴.

ابی علی بن صوف را از او نقل کرده که عبدالله گفت: از پدرم درباره مردی که منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله را مس می کند و به آن تبرک می جوید و آن را می بوسد و همین کار را با قبر آن حضرت به امید ثواب انجام می دهد، پرسیدم او گفت: این کار اشکال ندارد. عزیز جماعه می گوید: این سخن، اجماع منقول از نووی را باطل می کند. می گویم: نووی به نقل اجماع، تصریح نکرده و لیکن قوت کلامش اجماع را می فهماند.

۳- قاضی سبکی می گوید: «إِنَّ عَدَمَ التَّمَسُّحِ بِالْقَبْرِ لَيْسَ مِمَّا قَامَ الْإِجْمَاعُ عَلَيْهِ: قَدْ رَوَى ... فِي أَخْبَارِ الْمَدِينَةِ... قَالَ: أَقْبَلَ مِرْوَانَ بْنَ الْحَكَمِ، فَإِذَا رَجُلٌ مَلْتَزِمٌ الْقَبْرِ، فَأَخَذَ مِرْوَانَ بَرَقَبْتِهِ ثُمَّ قَالَ: هَلْ تَدْرِي مَا تَصْنَعُ؟ فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ فَقَالَ: نَعَمْ إِنِّي لَمْ آتِ الْحَجْرَ، وَلَمْ آتِ اللَّبْنَ، إِنَّمَا جِئْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»؛<sup>(۱)</sup> «بر جایز نبودن مسح قبر، اجماع اقامه نشده است. در «اخبار مدینه» روایت شده است که مروان بن حکم با مردی که به قبر پیامبر ملتزم شده بود (به آن چسبیده بود) مواجه شد، مروان گردن او را گرفت و گفت: آیا می دانی که چه می کنی؟ آن مرد به مروان رو کرد و گفت: آری، من سنگ و خشت را نگرفته ام بلکه من به پیشگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده ام».

این جریان را علامه امینی رحمه الله از داوود بن ابی صالح این گونه نقل می کند: «أَقْبَلَ مِرْوَانَ يَوْمًا فَوَجَدَ رَجُلًا وَاضِعًا وَجْهَهُ (جبهته) عَلَى الْقَبْرِ فَأَخَذَ مِرْوَانَ بَرَقَبْتِهِ ثُمَّ قَالَ: هَلْ تَدْرِي مَا تَصْنَعُ؟ فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ فَإِذَا

ص: ۱۱۰

---

۱- ۲۲۱. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۴۰۴، المعجم الاوسط، طبرانی، ج ۴، ص ۱۴۰۵.



أبوأيوب الأنصاري، فقال: نعم إنني لم آت الحجر إنما جئت رسول الله صلى الله عليه وآله ولم آت الحجر سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: لا تبكوا على الدين إذا وليه أهله ولكن أبكوا على الدين إذا وليه غير أهله؛<sup>(١)</sup> «روزی مروان بن حکم با مردی که صورتش (پیشانی اش) را روی قبر (پیامبر) گذاشته بود، مواجه شد، مروان گردن او را گرفت و گفت: آیا می دانی که چه می کنی؟ وقتی به او رو کرد، دید ابویوب انصاری است و گفت: آری، من برای سنگ نیامده ام بلکه به پیشگاه رسول خداصلی الله علیه وآله آمده ام که می فرمود: هرگاه متولّی و سرپرست دین، اهل آن بود، بر دین گریه نکنید و لیکن بر دین بگریید آن گاه که سرپرستی آن را (انسان) نااهلی عهده دار شود».

بعد علامه می گوید: «این جریان را حاکم در «مستدرک»<sup>(٢)</sup> نقل کرده و آن را صحیح دانسته و عده ای دیگر (نیز) نقل نموده اند». می گوید: این داستان به ما خبر می دهد که منع از توسّل به قبور طاهره از زمان صحابه از بدعت های اموی هاست و از هیچ صحابی انکار توسّل به قبر پیغمبر و تبرّک به آن غیر از زاینده بنی امیه مروان حکم شنیده نشده است».<sup>(٣)</sup>

۴ - سمهودی نیز می گوید: «أَنَّ بِلَالَ لَمَّا قَدِمَ مِنَ الشَّامِ لَزِيَارَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَى الْقَبْرَ، فَجَعَلَ يَبْكِي عِنْدَهُ، وَيَمْرُغُ وَجْهَهُ عَلَيْهِ، وَإِسْنَادُهُ جَيِّدٌ»؛<sup>(٤)</sup> «هنگامی که بلال برای زیارت پیامبرصلی الله علیه وآله از شام برای زیارت

ص: ۱۱۱

۱- ۲۲۲. الغدير، ج ۵، ص ۱۴۸.

۲- ۲۲۳. همان، ج ۴، ص ۵۱۵.

۳- ۲۲۴. الغدير، ج ۵، ص ۱۴۸ - ۱۴۹.

۴- ۲۲۵. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۴۰۵.

پیامبر صلی الله علیه وآله مشرف شد، نزد قبر پیامبر آمد و نزد قبر گریه می کرد و صورتش را بر آن می مالید. سندهای این روایت خوب است».

علامه امینی داستان بلال را از ابن عساکر در تاریخ شام و حدود ده نفر از بزرگان معروف اهل سنت در «الغدیر» (۱) نقل نموده است.

۵ - طاهر بن یحیی حسینی می گوید: «حدّثنی اَبی عن جدّی جعفر بن محمّد عن اَبیه عن علیّ علیه السلام قال: لَمَّا رُمِسَ رسولُ الله صلی الله علیه وآله جائت فاطمه رضی الله تعالی عنها، فوقفّت علی قبره صلی الله علیه وآله، وأخذت قبضهً من تراب القبر ووضعت علی عینیهَا وبکت، وأنشأت تقول:

ماذا علی من شمّ تربه أحمد

أن لا یشمّ مدی الزمان غوالیا

صبت علی مصائب لو أنّها

صبت علی الأيام عدن لیالیاً (۲)

«پدرم از جدّم از جعفر بن محمّد از پدرش از علی - رضی الله عنه - برایم حدیث نقل کرد که فرمود: وقتی پیامبر به خاک سپرده شد، فاطمه - رضی الله تعالی عنها - بر سر قبر پیامبر صلی الله علیه وآله ایستاد و مشتّی از خاک قبر را گرفت و بر روی چشمانش گذاشت و گریه کرد و این شعر را خواند:

بر کسی که تربت احمد (پیامبر) را ببوید ابداً سختی و بدبختی نخواهد دید.

مصیبت هایی بر من وارد شد که اگر بر روزها وارد می شد، به شب بدل می شدند».

ص: ۱۱۲

۱- ۲۲۶. همان، ج ۵، ص ۱۴۷.

۲- ۲۲۷. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۴۰۵.

علامه امینی این واقعه را از ابن جوزی در «الوفاء»، ابن سیدالناس در «سیره نبویه»، (۱) قسطلانی در «المواهب»، القاری در «شرح الشمائل»، (۲) شبراوی در «الاتحاف»، (۳) الخالدی در «صلح الاخوان»، (۴) الحمزاوی در «مشارق الانوار»، (۵) السید احمد زینی دحلان در «السیره النبویه» (۶) و عدّه ای دیگر از بزرگان اهل سنت نقل نموده است.

۶ - خطیب بن حمله می گوید: «إِنَّ ابْنَ عَمْرِو بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ اللَّهِ عَنِ كَانِ يَضَعُ يَدَهُ الْيَمْنَى عَلَى الْقَبْرِ الشَّرِيفِ، وَأَنَّ بِلَالَ بْنَ الرَّاحِطِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَضَعَ خَدَّيْهِ عَلَيْهِ أَيْضاً... ثُمَّ قَالَ: وَلَا شَكَّ أَنَّ الْإِسْتِغْرَاقَ فِي الْمَحَبَّةِ يَحْمِلُ عَلَى الْإِذْنِ فِي ذَلِكَ، وَالْمَقْصُودُ مِنْ ذَلِكَ كَلَّةُ الْإِحْتِرَامِ وَالتَّعْظِيمِ، وَالنَّاسُ تَخْتَلِفُ مَرَاتِبَهُمْ فِي ذَلِكَ كَمَا كَانَتْ تَخْتَلِفُ فِي حَيَاتِهِ فَأَنَّاسٌ حِينَ يَرُونَهُ لَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ بَلْ يَبَادِرُونَ إِلَيْهِ وَأَنَّاسٌ فِيهِمْ أَنَاهُ يَتَأَخَّرُونَ، وَالْكَلَّةُ مَحَلُّ خَيْرٍ» (۷) «ابن عمر رضی الله عنه همواره دست راستش را روی قبر شریف پیامبر می گذاشت و بلال رضی الله عنه دو طرف صورتش را بر آن می گذاشت. او سپس می گوید: شکی نیست در این که شدت محبت بر جواز این کار حمل می شود (جایز بودن آن را اثبات می کند) و مقصود از این کارها صرفاً احترام و تعظیم کردن است و مراتب مردم به اختلاف درجاتشان در این مسأله

ص: ۱۱۳

۱- ۲۲۸. وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۳۴۰.

۲- ۲۲۹. وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۲۱۰.

۳- ۲۳۰. همان، ص ۹.

۴- ۲۳۱. همان، ص ۵۷.

۵- ۲۳۲. همان، ص ۶۳.

۶- ۲۳۳. همان، ج ۳، ص ۳۹۱.

۷- ۲۳۴. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۴۰۵.

متفاوت است؛ همان طوری که در زمان حیات حضرت، مردم چنین بودند؛ بعضی از آن ها وقتی پیامبر را می دیدند، نمی توانستند خویشتن داری کنند و چه بسا خود را به حضرت می چسباندند و بعضی شکیبایی می کردند و عقب تر می ایستادند، همه این ها خیر و نیکی است».

### روایات هفتم تا هفدهم

۷ - حافظ بن حجر می گوید: «فنقل عن أحمد أنه سئل عن تقبيل منبر النبي صلى الله عليه وآله وقبره، فلم ير به بأساً، واستبعد بعض أتباعه صحته عنه. ونقل عن ابن أبي الصحف اليماني أحد علماء مكة من الشافعيه جواز تقبيل المصحف واجزاء الحديث وقبور الصالحين. ونقل الطيب الناشرى عن المحب الطبري إنه يجوز تقبيل القبر ومسّه؟ قال: وعليه عمل العلماء الصالحين وأنشد:

لو رأينا لسليمي أثراً

لَسَجَدْنَا أَلْفَ أَلْفٍ لِلْأَثَرِ

وقال آخر:

أمرّ على الديار ديار ليلي

أقبل ذا الجدار وذا الجدارا

وما حبّ الديار شغفن قلبي

ولكن حبّ من سكن الديارا» (۱)

«از احمد نقل شده که از او درباره بوسیدن قبر و منبر پیامبر صلی الله علیه وآله سؤال شد، او این مسأله را بی اشکال دانست، ولی بعضی از پیروانش صحّت این مسأله را بعید شمردند. و از ابن ابی صیف یمانی یکی از علمای شافعی مکه، جایز بودن بوسیدن مصحف (قرآن) و اجزای حدیث و قبور صالحان نقل

ص: ۱۱۴

شده است. طیب ناشری از محبّ طبری نقل کرده است: که (از او سؤال شد): آیا بوسیدن قبر و مسّ آن جایز است؟ او گفته است: علمای صالح آن را انجام می دادند و این شعر را خوانده است:

«اگر از دوست سالم و بی عیب اثری دیدم، برای آن اثر هزار هزار سجده می کنم».

و دیگری گفته: سرزمین ها را به دنبال سرزمین لیلی می گردم و این دیوار و آن خانه را می بوسم، این محبّت سرزمین نیست بلکه عشق ساکن سرزمین است که مرا دلباخته کرده است».

۸ - سمهودی می گوید: «ونقل بعضهم عن أبي خثيمه قال: حدّثنا مصعب بن عبدالله حدّثنا إسماعيل بن يعقوب التيمي قال: كان ابن المنكدر يجلس مع اصحابه، قال: وكان يصيبه الصمات. فكان يقوم كما هو يضع خده على قبر النبي صلى الله عليه وآله ثم يرجع، فعوتب في ذلك، فقال: إنه يصيبني خطره، فإذا وجدت ذلك إستشفيت بقبر النبي صلى الله عليه وآله وكان يأتي موضعاً من المسجد في الصحن فيتمرغ فيه ويضطجع، ف قيل له في ذلك فقال: إنني رأيت النبي صلى الله عليه وآله في هذا الموضع، أراه قال في النوم»؛ (۱) «بعضی از آن ها از ابی خثیمه نقل کرده اند که او گفت: مصعب بن عبدالله برای ما حدیث نقل کرده که اسماعیل بن یعقوب تیمی برای ما در حدیثی گفت: ابن منکدر، همواره با اصحاب خود می نشست، او گفت: ابن

ص: ۱۱۵

منکدر همواره در سکوت به سر می برد تا این که با آن حال از جا برمی خاست و صورتش را بر قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می گذاشت و باز می گشت. آن گاه او از ناحیه دیگران به خاطر این عمل، مورد سرزنش قرار گرفت؛ وی گفت: همانا برای من ناراحتی پیش می آید، در این حال از قبر پیامبر صلی الله علیه و آله شفا طلب می کنم او در مکانی از صحن مسجد (پیامبر) روی زمین می غلطید و خود را می مالید و در آنجا خواب و استراحت می کرد. به او گفته شد: این چه کاری است؟ در جواب گفت: من پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که اینجا را نشان می دادند.»

۹ - سمهودی نیز می گوید: «وفی الأحياء قال بعض العلماء: إنّه قصد بوضع اليد مصافحه الميت يرجى أن لا يكون به حرج ومتابعه الجمهور أحق»؛<sup>(۱)</sup> در کتاب الاحیاء بعضی از علما می گویند: اگر از گذاشتن دست بر روی قبر، مصافحه میت را قصد نماید، امید است که اشکالی نداشته باشد و در هر صورت، تبعیت از جمهور قول علما سزاوارتر است.»

۱۰ - سمهودی نیز می گوید: «قد انعقد الإجماع على تفضيل ما ضمّ الأعضاء الشريفه، حتى على الكعبه المنيفه وأجمعوا بعدُ على تفضيل مكّه والمدينه على سائر البلاد، واختلفوا أيهما أفضل، فذهب عمر بن الخطاب وابنه عبدالله ومالك بن أنس وأكثر المدنيتين إلى تفضيل المدينه، وأحسن بعضهم فقال: محلّ الخلاف في غير الكعبه الشريفه،

ص: ۱۱۶

فهي أفضل من المدینه ماعدا ما ضمّ الأعضاء الشریفه إجماعاً، وحکایه الإجماع علی تفضیل ما ضمّ الاعضاء الشریفه نقله القاضی عیاض وکذا القاضی أبوالولید الباجی قبله كما قال الخطیب ابن جمله، وکذا نقله أبوایمن ابن عساکر و غیرهم، مع التصریح بالتفضیل علی کعبه الشریفه، بل نقل التاج»(۱)

«اجماع منعقد شده است بر فضیلت قبری که اعضای شریف (پیامبر) را در بر دارد حتی بر کعبه معظمه هم فضیلت دارد و پس از آن بر فضیلت مکه و مدینه بر سایر بلاد اجماع کرده اند؛ اما بر افضل بودن یکی از آن دو بر دیگری اختلاف نموده اند، عمر بن خطاب و پسرش عبدالله و مالک بن انس و اکثر اهل مدینه به افضل بودن مدینه نظر داده اند و بعضی از آن ها نیکو نظر داده اند و گفته اند که: محلّ خلاف در غیر کعبه شریفه است؛ چون فضیلت کعبه بر مدینه غیر از مکانی که اعضای شریف پیامبر را در بردارد، اجماعی است و حکایت اجماعی بودن فضیلت مکان اعضای شریف (قبر پیامبر) را قاضی عیاض و قبل از او قاضی ابولید باجی نقل کرده است؛ چنان که خطیب بن جمله آن را گفته است. نیز ابویمن بن عساکر و غیر ایشان این مطلب را نقل کرده اند و به فضیلت کعبه شریفه تصریح نموده اند، تاج چنین نقل کرده است».

۱۱ - علامه احمد بن محمد مقرئ مالکی (متوفی ۱۰۴۱ ه. ق) در «فتح

ص: ۱۱۷

---

۱-۲۳۸. وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۲۸.

المتعال بصفه النعال» به نقل از ولیّ الدین عراقی نقل کرده که گفت: «أخبر الحافظ أبوسعید بن العلا قال: رأیت فی کلام أحمد بن حنبل فی جزء قدیم علیه خطُّ ابن ناصر وغيره من الحفاظ أنّ الإمام أحمد سئل عن تقبیل قبر النبیّ صلی الله علیه وآله وتقبیل منبره؟ فقال: لا بأس بذلك. قال فأریناه التقیّ ابن تیمیّه فصار یتعجّب من ذلك ویقول: عجبت من أحمد عندی جلیل هذا کلامه أو معنی کلامه. وقال: وایّ عجب فی ذلك وقد روینا عن الإمام أحمد أنّه غسّل قمیصاً للشافعی وشرب الماء الّذی غسّله به؟ وإذا کان هذا تعظیمه لأهل العلم فما بالك بمقادیر الصحابه؟ وكيف بآثار الأنبياء علیهم الصّلاه والسلام؟ وما أحسن ما قاله مجنون لیلی:

أمرُّ علی الدیار دیار لیلی

أقبلُ ذا الجدار وذا الجدارا

وما حبّ الدیار شغفن قلبی

ولکن حبّ من سكن الدیار(۱)

«حافظ ابوسعید بن علا خبر داده است: در جزء قدیم کلام احمد بن حنبل که به خطّ ابن ناصر و دیگر حفاظ است، دیدم که از امام احمد درباره بوسیدن قبر و منبر پیامبر صلی الله علیه وآله سؤال شد، او گفت: اشکالی ندارد. ابوسعید گوید: آن نوشته را به تقی بن تیمیّه نشان دادم، او از این کلام تعجب کرد و گفت: از احمد که نزد من جلیل القدر است، تعجب می کنم! آیا این کلام اوست یا معنای کلام او؟ ابوسعید می گوید: چه تعجیبی در این کلام است؛ در

ص: ۱۱۸



حالی که از امام احمد به ما روایت رسیده است که او پیراهن شافعی را شست و آبی را که با آن پیراهن را شسته بود نوشید؟ و اگر این عمل تعظیم اهل علم است، پس حکم ارزش صحابه پیامبر و نیز آثار انبیا - علیهم الصلاه و السلام - چه می شود؟ و چه زیبا گفته است مجنون درباره لیلی: امر علی الدیار... .

و این را «الغدیر» در پاورقی ذکر نموده است که این جریان؛ یعنی شستن پیراهن شافعی را ابن جوزی در مناقب احمد(۱) و ابن کثیر در تاریخ خود(۲) نقل نموده اند.

۱۲ - «شافعی صغیر، محمّد بن احمد رملی (متوفی ۱۰۰۴ ه. ق) استاد اساتید مذهب شافعیّه در شرح المنهاج می گوید: «ویکره أن يجعل علی القبر المظله، وأن یقبل التابوت الذی یجعل فوق القبر واستلامه وتقبیل الأعتاب عند الدخول لزیاره الأولیاء، نعم، أن قصد التبرک لایکره كما أفتی به الوالدرضی الله عنه فقد صرّحوا بأنّه إذا عجز عن إستلام الحجر سنّ له أن یشیر بعصا وأن یقبلها»؛(۳) «روی قبر، سایه انداختن و بوسیدن تابوت بالای قبر و استلام کردن آن و بوسیدن درگاه ها هنگام داخل شدن برای زیارت اولیا مکروه است؛ آری، اگر قصد تبرک داشته باشند، مکروه نیست؛ چنان که پدرم به آن فتوا داده است و علما به آن

ص: ۱۱۹

---

۱- ۲۴۰. الغدیر، ج ۵، ص ۴۵۵.

۲- ۲۴۱. ابن کثیر، ج ۱۰، ص ۳۳۱.

۳- ۲۴۲. الغدیر، ج ۵، ص ۱۵۱.

تصریح کرده اند به این که اگر کسی از استلام سنگ (قبر) عاجز باشد، جایز است بر او که با عصا اشاره کند و عصا را بیوسد».

و در پاورقی می گوید: «أخرج الحمیدی فی الجمع بین الصحیحین وأبوداود فی مسنده أن رسول الله صلی الله علیه وآله کان یشیر إلى الحجر الأسود بمحجنه ویقبل المحجن»؛ «حمیدی در جمع بین صحیحین و ابوداود در مسندش گفته اند: رسول خدا صلی الله علیه وآله با عصایش به حجرالاسود اشاره می کرد و آن گاه عصا را می بوسید».

۱۳ - ابوالعباس احمد رملی کبیر انصاری، استاد اساتید در حاشیه کتاب «روض الطالب» که در حاشیه کتاب «اسنی المطالب» چاپ شده، (۱) در ذیل سخن مصنف، درباره ادب مطلق زیارت قبور (این که زائر به قبر، به همان اندازه ای که در حال حیات به صاحب قبر نزدیک می شد، نزدیک گردد) گفته است: «قال فی المجموع: ولا یستلم القبر ولا یقبله، ویستقبل وجهه للسلام، والقبله للدعاء، و ذکره أبو موسی الأصبهانی قال شیخنا: نعم، إن کان قبر نبی أو ولی أو عالم واستلمه أو قبله بقصد التبرک فلا بأس به»؛ (۲) «در کتاب «المجموع» گوید: و (زائر) قبر را استلام نکند و نبوسد و برای سلام کردن، رو به قبر و برای دعا کردن رو به قبله بایستد. و ابوموسی اصفهانی همین مطلب را ذکر نموده است. شیخ (استاد) ما گفته است: آری،

ص: ۱۲۰

---

۱- ۲۴۳. همان، ج ۱، ص ۱۳۳.

۲- ۲۴۴. الغدیر، ج ۵، ص ۱۵۲.

اگر قبر نبی یا ولی یا عالم باشد، استلام کردن و بوسیدن آن به قصد تبرک اشکال ندارد».

۱۴ - زرقانی مصری مالکی در «شرح المواهب» گفته است: (۱) «تقبیل القبر الشریف مکروه إلا لقصد التبرک فلاکراهه كما اعتقده الرملة»؛ (۲) «بوسیدن قبر شریف پیامبر، مکروه است مگر این که به قصد تبرک باشد که در این صورت کراهت ندارد، چنان که رملی بر این اعتقاد است».

۱۵ - شیخ ابراهیم باجوری در حاشیه خود بر شرح ابن قاسم غزی بر متن شیخ ابی شجاع در فقه الشافعی گفته است: (۳) «یکره تقبیل القبر واستلامه ومثله التابوت الّذی يجعل فوقه وكذلك تقبیل الأعتاب عند الدخول لزیاره الاولیاء إلا إن قصد به التبرک بهم فلایکره، وإذا عجز عن ذلك لازدحام ونحوه کاختلاط الرجال بالنساء كما يقع فی زیاره سیدی أحمد البدوی وقف فی مکان یتمکن فیہ من الوقوف بلامشقه وقرأ ما تیسر وأشار بیده أو نحوها ثم قبل ذلك. فقد صرحوا بأنه إذا عجز عن استلام الحجر الأسود یسن له أن یشیر بیده أو عصا ثم یقبلها»؛ (۴) «بوسیدن قبر و استلام آن مکروه است و همین حکم را تابوتی که بالای قبر می گذارند نیز دارد. و همچنین بوسیدن در گاه ها هنگام داخل شدن برای زیارت اولیا مکروه است مگر این که به قصد تبرک باشد که در این

ص: ۱۲۱

۱- ۲۴۵. همان، ج ۸، ص ۳۱۵.

۲- ۲۴۶. همان، ج ۵، ص ۱۵۳.

۳- ۲۴۷. همان، ج ۱، ص ۲۷۶.

۴- ۲۴۸. پیشین، ج ۵، ص ۱۵۳ - ۱۵۴.

صورت کراهت ندارد و اگر به خاطر ازدحام جمعیت و مانند آن؛ مثل اختلاط مردان و زنان، از این کارها عاجز باشد، همان طوری که در زیارت سید احمد بدوی اتفاق می افتد، در جایی که بدون زحمت امکان توقف وجود دارد بایستد و هرچه می تواند (قرآن) قرائت کند و با دست خود و یا چیز دیگر به قبر اشاره کند و سپس آن را ببوسد؛ چون علما تصریح کرده اند به این که اگر (زایر) از استلام حجرالاسود عاجز باشد، جایز است که با دست یا عصایش به آن اشاره کند و سپس آن را ببوسد.

۱۷ - شیخ حسن عدوی حمزاوی مالکی در کتاب «کنزالمطالب» (۱) و «مشارق الانوار» (۲) بعد از نقل عبارت رملی مذکور، می گوید: «ولامر به حینئذ ان تقبیل القبر الشریف لم یکن إلا للتبرک فهو اولی من جواز ذلک لقبور الأولیاء عند قصد التبرک، فیحمل ما قاله العارف علی هذا المقصد، لاسیما وأن قبره الشریف روضه من ریاض الجنه»؛ (۳) «در این صورت، شکی نیست که بوسیدن قبر شریف (پیامبر) تنها برای تبرک می باشد، پس این جواز، در مقایسه با بوسیدن قبور اولیا به قصد تبرک سزاوارتر است، بنابراین، آنچه عارف گفته است، بر این معنا حمل می شود به ویژه این که قبر شریف آن حضرت، باغی از باغ های بهشت می باشد».

### توجیه ادله قائلین به حرمت

#### توضیح

کسانی که قائل به حرمت دست مالیدن بر قبور اولیا و بوسیدن آن

ص: ۱۲۲

---

۱- ۲۴۹. الغدیر، ص ۲۰.

۲- ۲۵۰. همان، ص ۶۶.

۳- ۲۵۱. همان، ج ۵، ص ۱۵۴.

هستند به ادله ای چند تمسک کرده اند. اینک به هر یک از این ادله پرداخته و آن ها را نقد خواهیم کرد:

۱ - مسح قبور و بوسیدن آن ها از آن جهت که شرک است حرام می باشد. و در این جهت فرقی بین شرک کوچک و بزرگ نیست.

### پاسخ

اولاً: شرک زمانی است که هنگام تبرک جستن انسان از قبور اولیای الهی با دید استقلالی به آن بنگرد. با این نیت که صاحب قبر به طور مستقل در این عالم تصرف می کند و دارای برکت است. ولی اگر تمام تصرفات را از جانب خداوند بدانیم و برکات صاحبان قبور را به اذن خدا به حساب آوریم نه تنها این عمل هرگز شرک به حساب نمی آید بلکه در راستای توحید است.

ثانیاً: مسأله تبرک جستن از قبور اولیای الهی امری است که مورد قبول صحابه بوده و عده ای در منظر آن ها این عمل را انجام می دادند و هرگز از طرف شخصی مورد سرزنش قرار نمی گرفتند.

ثالثاً: در جای خود ثابت نموده ایم انسانی که از این دنیا رحلت می کند حیات و تصرفات او باقی است علی الخصوص که آن انسان یکی از اولیای الهی باشد.

رابعاً: گمان اشکال کننده بر این است که این عمل شرک در عبادت است، در حالی که به اثبات رساندیم عبادت دو رکن اساسی دارد: یکی نهایت خضوع و دیگری همراه بودن با اعتقاد به ربوبیت یا الوهیت کسی که

برای او خضوع می شود. در مورد تبرک و دست کشیدن بر قبور و بوسیدن آن ها هرگز چنین نیتی وجود ندارد.

۲ - دست کشیدن بر قبور و بوسیدن آن بدعت بوده و از منکرات است.

### پاسخ

اولاً: نبود دلیل بر نهی و حرمت عملی، شرعاً و عقلاً دلیل بر جواز است و نیازی به نصّ و تصریح بر جواز ندارد؛ زیرا اصل در اشیاء حرمت و عدم جواز نیست بلکه عکس آن می باشد. و در مورد دست کشیدن بر قبور و بوسیدن آن هیچ دلیلی بر حرمت وجود ندارد.

ثانیاً: نه تنها دلیل بر حرمت وجود ندارد بلکه - همان گونه که اشاره شد - ادله ای بر جواز بلکه استحباب و رجحان این عمل موجود است.

۳ - از عبدالله بن عمر نقل شده که او کراهت داشت از این که قبر پیامبر را زیاد مسّ نماید. و نیز از او نقل شده که: از سنت نیست مسّ دیوار قبر و بوسیدن آن و طواف در اطراف آن. (۱)

### پاسخ

اولاً: این نقل تعارض دارد با نقلی دیگر که از ابن عمر رسیده است.

سمهودی از خطیب بن حمله نقل کرده که گفت: «إِنَّ ابْنَ عُمَرَ كَانَ يَضَعُ يَدَهُ الْيَمْنَى عَلَى الْقَبْرِ الشَّرِيفِ وَأَنَّ بِلَالاً رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَضَعَ خَدَّهُ عَلَيْهِ أَيْضاً...»؛ (۲) «همانا ابن عمر همواره دست راستش را بر روی قبر شریف پیامبر می گذاشت ولی بلال رضی الله عنه دو طرف صورتش را نیز به آن قرار می داد.»

ثانیاً: نقل او با عمل برخی از صحابه منافات دارد؛ زیرا همان گونه که اشاره شد عده ای از صحابه چنین می کردند.

ص: ۱۲۴

۱- ۲۵۲. الشرح الكبير، ج ۳، ص ۴۹۶.

۲- ۲۵۳. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۴۰۵.

ثالثاً: ابن ماجه در سنن خود نقل کرده که ابوبکر، پیامبر را در حالی که از دنیا رفته بود بوسید. (۱) و بوسیدن قبر حضرت نیز به مانند بوسیدن خود حضرت است.

رابعاً: در جایی که بوسیدن قبر پدر و مادر اشکالی ندارد بلکه سنّت است به طریق اولی بوسیدن قبر پیامبر صلی الله علیه و آله سنّت می باشد.

شخصی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! من سوگند خورده ام که آستانه درب بهشت و پیشانی حورالعین را ببوسم. حضرت به او امر فرمود تا پای مادر و پیشانی پدر را ببوسد. عرض کرد: ای رسول خدا! اگر پدر و مادرم زنده نباشند چه کنم؟ حضرت فرمود: قبرشان را ببوس. آن شخص عرض کرد: اگر قبرشان را ندانم؟ حضرت فرمود: دو خطّ بکش یکی را به نیت قبر مادر و دیگری را به نیت قبر پدر، آن گاه آن دو را ببوس تا این که سوگند خود را نشکنی. (۲)

۴ - سمهودی از کتاب «احیاء العلوم» غزالی نقل کرده که: مسّ مشاهد و بوسیدن آن ها از عادات نصارا و یهود است. (۳)

### پاسخ

اولاً: دست کشیدن بر قبور و بوسیدن آن ها - همانگونه که اشاره کردیم - از عادات مسلمانان و بزرگانی از صحابه چون ابویوب انصاری و بلال و عده ای دیگر بوده است.

ص: ۱۲۵

---

۱- ۲۵۴. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۶۸.

۲- ۲۵۵. کشف الارتیاب، ص ۳۵۰.

۳- ۲۵۶. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۴۰۲.

ثانیاً: هر نوع عادتی از یهود و نصارا دلیل بر حرمت آن نیست؛ زیرا چه بسیار مواردی که در شرع اسلام جایز بوده و هست و در شرایع سابق نیز جایز بوده است.

ص: ۱۲۶



از جمله موضوعات مورد اختلاف مسلمانان با وهابیان، موضوع بنا و ساختن گنبد و بارگاه و گلدسته بر روی قبور است. مسلمانان در طول تاریخ به این سنت عمل کرده و بر جواز و استحباب آن، به ادله ای از کتاب و سنت، تمسک کرده اند. خصوصاً این عمل موافق با منطق عقل و روش عقلا است. ولی از زمان ابن تیمیه مخالفت با این عمل شروع شد و بناها و گنبد و گلدسته ها از مظاهر شرک شناخته شد، تا زمان آل سعود که این عقیده به حدی اوج گرفت که آل سعود عملاً به مخالفت با آن پرداختند و با فتوایی که از علمای وهابی صادر شد، امر به تخریب گنبد و بارگاه و گلدسته ها و بناهای قبور داده شد. تمام آن ها به جز بارگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن هم از خوف مسلمین، تخریب گشت. و با این عمل خسارتی بزرگ بر اسلام و مسلمین وارد شد. در این رساله به بررسی موضوع می پردازیم.

### فتوهای وهابیان

۱ - ابن تیمیه می گوید: «مشاهدی که بر روی قبور انبیا و صالحین از

عامه و اهل بیت بنا شده، همه از بدعت های حرامی است که در دین اسلام وارد شده است»<sup>(۱)</sup>.

۲- و در جایی دیگر می گوید: «شیعه مشاهدی را که روی قبور ساخته اند تعظیم می کنند، شبیه مشرکین در آن ها اعتکاف می کنند، برای آن ها حج انجام می دهند همان گونه که حجاج به سوی بیت عتیق حج انجام می دهند»<sup>(۲)</sup>.

۳- صنعانی می گوید: «مشهد به منزله بت است، این ها آنچه که مشرکان در عصر جاهلیت بر بت های خود انجام می دهند، بر قبور اولیای خود انجام می دهند...»<sup>(۳)</sup>.

۴- اعضای استفتای دائمی و هابیان می نویسند: «بنای بر قبور بدعت منکر است که در آن غلو در تعظیم صاحب قبر و راهی به سوی شرک است و لذا بر ولیّ امر مسلمین یا نایب اوست که امر به تخریب بناهایی کند که روی قبور ساخته شده، و آن ها را با زمین یکسان سازد، تا با این بدعت عملاً مقابله شده و راه شرک بسته شود»<sup>(۴)</sup>.

۵- ناصرالدین البانی در پیشنهادش به آل سعود برای تخریب گنبد سبز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می گوید: «از جمله اموری که جای تأسف دارد این که: مدت

ص: ۱۲۸

---

۱- ۲۵۷. منهاج السنه، ج ۲، ص ۴۳۵ - ۴۳۷.

۲- ۲۵۸. منهاج السنه، ج ۱، ص ۴۷۴ - ۴۷۹.

۳- ۲۵۹. کشف الارتیاب، ص ۲۸۶ از تطهیر الاعتقاد صنعانی.

۴- ۲۶۰. اللجنه الدائمہ للبحوث العلمیہ و الافتاء، رقم فتوی ۷۲۱۰.

زیادی است که بر روی ساختمان قبر پیامبر صلی الله علیه و آله گنبدی سبز ساخته شده است... به اعتقاد من اگر دولت سعودی می خواهد داعی توحید داشته باشد، باید مسجد نبوی را به حالت سابقش برگرداند» (۱).

## قرآن و بنای بر قبور

### توضیح

قرآن کریم به مسئله بنای بر قبور به طور صریح و خاص نپرداخته است؛ لکن می توان حکم آن را از ضمن آیات قرآن استفاده نمود:

### ۱ - بنای بر قبور، تعظیم شعائر الهی

خداوند متعال در قرآن کریم امر به تعظیم شعائر الهی کرده و آن را دلیل تقوای قلوب می داند، آنجا که می فرماید: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (۲) «و هر کس شعائر دین خدا را بزرگ و محترم دارد، این، صفت دل های با تقواست.»

شعائر جمع شعیره، به معنای دلیل و علامت است. شعائر الله؛ یعنی اموری که دلیل و علامت و نشانه به سوی خداست و هر کسی که می خواهد به خدا برسد با آن دلیل و نشانه می تواند به خدا برسد. یا این که مراد از شعائر الله، شعائر دین خداست؛ یعنی هر کس که می خواهد به حقیقت دین خدا رهنمون شود، برخی از امور راهنمای اویند که باید آن ها را تعظیم کرد.

ص: ۱۲۹

---

۱- ۲۶۱. تحذیر المساجد من اتخاذ القبور مساجد، البانی، ص ۶۸ و ۶۹.

۲- ۲۶۲. سوره حج، آیه ۳۲.

در قرآن کریم، صفا و مروه از شعائر الهی شمرده شده است، آنجا که می فرماید: « إِنَّ الصَّفاَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ »؛ (۱) «همانا صفا و مروه از شعائر دین خداست.» و نیز شتری که برای نحر به منی برده می شود: « وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ »؛ (۲) «و نحر شتران فربه را از شعائر دین خدا مقرر گردانیدیم.»

این نیست مگر از آن جهت که این امور از نشانه های دین حنیف ابراهیم است.

و نیز «مزدلفه» مشعر نامیده شده، از آن جهت که از علامت ها و نشانه های دین خداست. همه مناسک حج شعائر نامیده شده است از آن جهت که نشانه هایی به سوی توحید و دین حنیف است.

اگر این امور از شعائر دین خدایند، و مردم را متذکر به توحید و دین حنیف می کنند، شکی نیست که وجود انبیا و اولیا نیز از بزرگ ترین و بارزترین نشانه های دین خداوند است؛ زیرا آنان از آن جهت که معصومند و کار خلاف انجام نمی دهند، سیره و اقوال آنان مطابق با حق و حقیقت است. آنان کسانی هستند که می توانند بشر را به سوی حق و حقیقت و توحید رهنمون شوند.

حال اگر وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و اوصیای او و اولیای الهی چنین خاصیتی دارند، حفظ و صیانت آثار آنان و حفظ قبورشان و بنای قبر و گلدسته برای

ص: ۱۳۰

---

۱- ۲۶۳. سوره بقره، آیه ۱۵۸.

۲- ۲۶۴. سوره حج، آیه ۳۶.

آن‌ها نیز در راستای همین اهداف است؛ زیرا این اعمال در حقیقت تعظیم اشخاصی است که خود و سنتشان شعائر و راهنمایی به سوی خدایند.

قرطبی در تفسیرش می‌گوید: «شعائر خدا عبارت است از عَلم‌ها و نشانه‌های دین خدا؛ خصوصاً اموری که مربوط به مناسک است»<sup>(۱)</sup>.

استاد عباس محمود عقّاد نویسنده مصری درباره کربلا و حرم حسینی می‌گوید: «کربلا، امروز حرمی است که مسلمانان برای عبرت و یادآوری به زیارتش می‌آیند. همچنین غیرمسلمانان برای دیدن و مشاهده به آنجا می‌آیند. ولی اگر قرار باشد که آن سرزمین حَقّش ادا گردد، باید مزار انسانی باشد که برای نوع خود نصیب و بهره‌ای از قداست و فضیلت قائل است؛ زیرا ما در میان بقعه و بارگاه‌های مقدس، جایی برتر از بارگاه امام حسین علیه السلام سراغ نداریم»<sup>(۲)</sup>.

## ۲- بنای بر قبور از مصادیق مودّت ذوی القربی

قرآن کریم به صراحت، امر به مودّت و محبّت اقربای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده، آنجا که می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛ (۳)» «بگو از شما تقاضای اجر و مزدی نمی‌کنم مگر مودّت ذوی القربی را.»

واضح است که بنای بر قبور اقربای پیامبر صلی الله علیه و آله از مصادیق اظهار مودّت

ص: ۱۳۱

۱- ۲۶۵. تفسیر قرطبی، ج ۱۲، ص ۵۶.

۲- ۲۶۶. ابوالشهداء، ص ۱۴۵.

۳- ۲۶۷. سوره شوری، آیه ۲۳.

و محبت اهل بیت علیهم السلام است؛ زیرا مودت و محبت بروز و ظهور دارد، و مورد آن تنها محبت قلبی و اطاعت نیست، بلکه شامل مصادیق آن می شود تا حدی که مشمول نهی صریح از آن مورد نشده باشد.

### ۳ - بنای بر قبور اولیای الهی مصداق ترفیع بیوت

خداوند متعال در قرآن کریم اذن داده که خانه هایی که در آن ها یاد خدا شده، رفعت پیدا کند، آنجا که می فرماید: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ \* رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ...»؛ (۱) «در خانه هایی که خدا رخصت داده رفعت یابد و در آن، ذکر خدا شود و صبح و شام در آن تسبیح ذات پاک او کنند. پاک مردانی که هیچ کسب و تجارت، آنان را از یاد خدا غافل نگرداند...». استدلال به آیه فوق متوقف بر بیان دو امر است:

الف) بیوت در آیه خصوص مساجد نیست، بلکه اعم از مساجد و اماکنی است که در آن ها یاد خدا می شود، همانند بیوت انبیا و ائمه علیهم السلام. بلکه می توان مراد از بیوت را غیر از مساجد دانست؛ زیرا بیت به معنای بنایی است که دارای چهار دیوار و سقف باشد، همانند بیت الله الحرام. هم چنین در قرآن می خوانیم: «وَلَوْلَا - أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِّنْ فِضَّةٍ»؛ (۲) «و اگر نبود که همه مردم یک نوع و یک امتند ما آنان که کافر به خدا می شوند سقف خانه هایشان را از نقره خام قرار می دادیم.»

ص: ۱۳۲

---

۱- ۲۶۸. سوره نور، آیات ۳۶ و ۳۷.

۲- ۲۶۹. سوره زخرف، آیه ۳۳.

از این ادله استفاده می شود که بیت در لغت عرب به بنایی اطلاق می شود که دارای سقف باشد. از سوی دیگر مستحب است که مساجد بدون سقف باشد. پس مقصود از بیوت در آیه غیر از مساجد است.

امام باقر علیه السلام فرمود: «مقصود از بیوت در آیه، بیوت انبیا و بیوت علی علیه السلام است».<sup>(۱)</sup>

ب) مقصود از رفع در آیه شریفه دو احتمال است:

۱ - مقصود از «رفع» تعظیم و ترفیع قدر بیوت است که همان رفع معنوی است. همان گونه که در قرآن می خوانیم: « وَرَفَعْنَا مَكَانًا عَلِيًّا »<sup>(۲)</sup> «و ما مقام او را بلند و مرتبه اش را رفیع گردانیدیم.»

۲ - مقصود از رفع بالا بردن ساختمان قبر است که همان رفع ظاهری و بنای قبر است.

زمخشری در تفسیر آیه می گوید: «رفع بیوت، یا به معنای بنای بیوت است همانند آیه شریفه: « وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ... » و یا به معنای تعظیم بیوت و بالا بردن قدر و منزلت بیوت است».<sup>(۳)</sup>

بروسوی در «روح البیان» می گوید: « أَنْ تُرْفَعَ » یا به بنا است یا به تعظیم و بالا بردن قدر و منزلت».<sup>(۴)</sup>

ص: ۱۳۳

---

۱- ۲۷۰. البرهان، بحرانی، ج ۳، ص ۱۳۷.

۲- ۲۷۱. سوره مریم، آیه ۵۷.

۳- ۲۷۲. تفسیر کشاف، ج ۲، ص ۳۹۰.

۴- ۲۷۳. روح البیان، ج ۶، ص ۱۵۸.

اگر مراد به رفع در « أَنْ تُرْفَعَ » بنا باشد که دلالت صریح بر بنای بر بیوت انبیا و اولیا دارد، خصوصاً با در نظر گرفتن این که مدفن پیامبر صلی الله علیه و آله و تعدادی از ائمه در خانه هایشان بوده است. و اگر مراد به رفع در « أَنْ تُرْفَعَ » رفع معنوی است، نتیجه آن اذن به تکریم و حفظ بیوت انبیا و اولیای الهی است که عموم آن شامل بنای بر قبور اولیای الهی و تعمیر آن نیز می گردد.

سیوطی از انس بن مالک و بریده نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه را « فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ... » قرائت نمود، شخصی جلو آمد، عرض کرد: این بیوت کدامند؟ حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: بیوت انبیا. ابوبکر در این هنگام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و خطاب به خانه علی و فاطمه علیهما السلام کرده و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا این خانه از آن بیوت است که خدا و تو اراده کرده ای که تعظیم شود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آری، از بهترین آن بیوت است. (۱)

### سیره سلف و بنای بر قبور

با مراجعه به تاریخ مسلمین بعد از ظهور اسلام پی می بریم که بنای بر قبور، سیره عملی مسلمین در طول تاریخ بوده و مورد اعتراض هیچ یک از صحابه و تابعین تا این زمان واقع نشده است، تنها گروهی که به نام وهابیان در عمل و گفتار با این کار مخالفت نموده اند. به نمونه هایی از این سیره

ص: ۱۳۴



عملی اشاره می کنیم:

۱ - مسلمانان جسد پیامبر صلی الله علیه و آله را در خانه ای سقف دار دفن نمودند و از آن زمان به بعد آن مکان مورد توجه خاص مسلمانان قرار گرفته است.

۲ - بخاری در صحیح خود روایت کرده: «بعد از وفات حسن بن حسن بن علی علیهما السلام همسر او تا یک سال قبه ای بر قبر او زد و به عزاداری پرداخت.» (۱)

ملا- علی قاری در شرح حدیث می گوید: «ظاهر این است که زدن قبه به جهت اجتماع دوستان بر قبر او برای ذکر و قرائت قرآن و حضور اصحاب برای دعا و مغفرت و رحمت بوده است.

۳ - سید بکری می گوید: «از عدم جواز بنای بر قبور، قبور انبیا و شهدا و صالحین و امثال آن ها استثنا می شود.» (۲)

۴ - ابن شبه نقل می کند که: عقیل بن ابی طالب در خانه خود چاهی کند. در آن هنگام به سنگی برخورد کرد که در آن نوشته بود: این قبر حبیبه دختر صخر بن حرب است، عقیل چاه را پر از خاک کرد و روی آن اتاقی بنا نمود.» (۳)

۵ - سمهودی در توصیف مزار حمزه بن عبدالمطلب می گوید: «بر مزار او قبه ای عالی، زیبا و محکم است... که در ایام خلافت خلیفه عباسی ناصر دین الله، سال ۵۷۵-۶۲۲ ه. ق، ساخته شده است.» (۴)

ص: ۱۳۵

---

۱- ۲۷۵. صحیح بخاری، کتاب الجنائز، حدیث ۶۲.

۲- ۲۷۶. اعانه الطالبین، ج ۲، ص ۱۲۰.

۳- ۲۷۷. تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۱۲۰.

۴- ۲۷۸. وفاء الوفاء، ج ۲.

۶ - ابن سعد در «طبقات» نقل می کند: «بعد از وفات عثمان بن مظعون و دفن او در بقیع، پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی را بر سر قبر او گذاشت و فرمود: این، نشانه ای بر قبر اوست» (۱). عمرو بن حزم می گوید: «قبر عثمان بن مظعون را دیدم؛ در حالی که چیز بلندی در کنار او مانند علم قرار داده بودند» (۲).

مطلب نقل می کند: «بعد از وفات عثمان بن مظعون و دفن او، پیامبر صلی الله علیه و آله به کسی دستور داد تا سنگی را بیاورد، ولی او قادر بر حمل آن نبود. پیامبر صلی الله علیه و آله آستین را بالا زد و سنگ را بلند کرد و در کنار قبر عثمان بن مظعون قرار داد و فرمود: می خواهم بر قبر او علامت بگذارم» (۳).

۷ - ابن سعد از امام باقر علیه السلام روایت کرده که: «فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله کنار قبر حمزه می آمد و آن را اصلاح می کرد» (۴) (۵).

۸ - بخاری نقل می کند که بعد از وفات عبدالرحمن بن ابوبکر، عایشه دستور داد تا سر قبر او خیمه ای زده شود و کسی را نیز موکل بر آن قبر نمود... (۶)

۹ - عمر امر کرد تا خیمه ای بر روی قبر زینب دختر جحش زده شود و کسی او را نهی نکرد. (۷)

ص: ۱۳۶

---

۱- ۲۷۹. طبقات ابن سعد، ج ۳، ص ۲۹۱، ق ۱.

۲- ۲۸۰. همان، ج ۳، ص ۲۸۹، ق ۱.

۳- ۲۸۱. سنن ابی داود، ج ۳، ص ۲۱۱؛ السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۹۵.

۴- ۲۸۲. طبقات ابن سعد، ج ۳، ص ۱۱، ق ۱.

۵- ۲۸۳.

۶- ۲۸۴. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۱۹.

۷- ۲۸۵. طبقات ابن سعد، ج ۸، ص ۸۰.

با مراجعه به تاریخ پی می بریم که ساختن زیارتگاه و مزار برای بزرگان سنتی همیشگی در طول تاریخ بوده است. اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

#### ۱ - مزار بلال حبشی

قبر او در دمشق در باب الصغیر است. ابن جبیر می گوید: «وفی رأس القبر المبارک تاریخ باسمه، والدعاء فی هذا الموضع المبارک مستجاب، قد جرب کثیر من الأولیاء وأهل الخیر المتبرکین بزیارتهم»؛<sup>(۱)</sup> «و در سر قبر مبارک او تاریخی به اسم او است، و دعا در آن موضع مبارک مستجاب است. بسیاری از اولیا و اهل خیری که به زیارت اولیا متبرکند این مطلب را تجربه کرده اند.»

#### ۲ - مزار سلمان فارسی

خطیب بغدادی می گوید: «قبره الآمن ظاهر معروف بقرب ایوان کسری علیه بناء و هناك خادم مقيم لحفظ الموضع و عمارته والنظر فی أمر مصالحه، وقد رأیت الموضع وزرته غیر مره»؛<sup>(۲)</sup> «قبر او الآمن ظاهر و معروف است نزدیک ایوان کسری. و بر روی آن ساختمانی است. و در آنجا خادمی اقامت کرده تا آنجا و عمارتش را حفظ نموده و در امر مصالحتش نظر کند. من آن موضع را دیده ام و چندین بار نیز زیارت کرده ام.»

ص: ۱۳۷

---

۱- ۲۸۶. رحله ابن جبیر، ص ۲۲۹.

۲- ۲۸۷. تاریخ بغدادی، ج ۱، ص ۱۶۳.

### ۳ - مزار طلحه بن عبیدالله

ابن بطوطه می گوید: «مشهد طلحه بن عبیدالله أحد العشره وهو بداخل المدینه وعلیه قبه ومسجد»؛<sup>(۱)</sup> «مشهد طلحه بن عبیدالله - یکی از ده نفری است که بشارت به بهشت به او داده شده - داخل مدینه است و بر روی آن گنبد و مسجدی است.»

### ۴ - مزار زبیر بن عوام

ابن جوزی می گوید: «فمن الحوادث فی سنه ۳۸۶ إن أهل البصره فی شهر المحرم ادعوا إنهم کشفوا عن قبر عتیق فوجدوا فيه میتاً طریاً بشابه وسیفه، وإنه الزبیر بن العوام، فاخرجوه وکفّوه ودفنوه بالمربد بین الدربین، وبنی علیه الأثیر أبوالمسک عنبر بناءً وجعل الموضع مسجداً، ونقلت الیه القنادیل والآلات والحصر والسّماوات، وأقیم فیهِ قوام وحفظه ووقف علیه وقوفاً»؛<sup>(۲)</sup> «از حوادث سال ۳۸۶ این که اهل بصره در ماه محرم ادعا کردند که قبری قدیمی کشف کرده اند. در آن قبر بدنی تازه با لباس و شمشرش پیدا کردند. فهمیدند که او زبیر بن عوام است. او را بیرون آورده و کفن کردند و او را در مربد بین دو درب دفن کردند. آن گاه اثیر ابوالمسک عنبر ساختمانی بر روی آن ساخت و آن موضع مسجد شد و سپس قنادیل ها و آلات و حصیرها و تکیه گاه ها به آنجا منتقل شد. و نیز دربان ها و نگهبانان بر آن قرار داده و املاکی را نیز برای آن موضع وقف کردند.»

ص: ۱۳۸

۱- ۲۸۸. رحله ابن بطوطه، ص ۲۰۳.

۲- ۲۸۹. المنتظم، ابن جوزی، ج ۹، ص ۳۹.

## ۵ - مزار ابویوب انصاری

حاکم نیشابوری می نویسد: «یتعاهدون - أي أهل الروم - قبره ویزورونه ویستشفعون به إذا قحطوا»؛ (۱) «اهالی روم با قبر او عهد و پیمان دارند و به زیارت او می آیند و به او هنگام قحطی استشفاع می کنند.»

## ۶ - مرقد امیر المؤمنین علیه السلام

حسین بن احمد بن محمد معروف به ابن حجاج بغدادی یکی از شعرای قرن سوم و چهارم، قصیده فائیه ای در مدح امام امیر المؤمنین علیه السلام دارد که در کنار قبر حضرت سروده است. او به گنبد حضرت خطاب کرده و می گوید:

یا صاحب القبه البیضا علی النجف

من زار قبرک واستشفی لدیک شفی

زوروا بأالحسن الهادی لعلکم

تحظون بالأجر والإقبال والزلف (۲)

«ای صاحب گنبد سفید بر نجف، هر کس قبر تو را زیارت کند و نزد تو شفا طلبد، شفا می یابد.

ابوالحسن هادی را زیارت کنید، تا شاید شما از اجر و اقبال و خوشی بهره ببرید.»

ابن بطوطه می گوید: «وهذه الروضه ظهرت لها کرامات، لأن بها قبر

ص: ۱۳۹

---

۱- ۲۹۰. مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۴۵۸؛ صفه الصفوه، ابن جوزی، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲- ۲۹۱. وفيات الاعیان، ج ۱، ص ۱۷۰؛ المنتظم، ج ۷، ص ۲۱۶.

علیٰ فمنها: إنّ ليله السابع والعشرين من رجب وتسمّى عندهم ليله المحيا، يؤتى إلى تلك الروضة بكلّ مقعد من العراقيين وخراسان وبلاد فارس والروم. فيجتمع منهم الثلاثون والأربعون ونحو ذلك. فإذا كان بعد العشاء الآخر جعلوا فوق الضريح المقدس، والناس ينتظرون قيامهم، وهم مابين مصلاً وذاكر وتال ومشاهد للروضه. فإذا مضى من الليل نصفه أو ثلثاه أو نحو ذلك قام الجميع اصحّاء من غير سوء، وهم يقولون (لا إله إلا الله، محمّداً رسول الله، عليّ وليّ الله). وهذا أمر مستفيض عندهم سمعته من الثقات؛<sup>(۱)</sup> «و برای این بارگاه کراماتی ظاهر شده است؛ زیرا در آن قبر علی است. از آن جمله این که شب بیست و هفتم از رجب که نزد آنان به شب زنده داری معروف است، نزد آن بارگاه هر زمین گیر و معلول را از عراق و خراسان و شهرهای فارس و روم می آورند. هر کدام از آن ها سی تا و چهل تا دور هم جمع می شوند. و چون بعد از نماز عشا می شود آن ها را بالای سر ضريح مقدس قرار می دهند، و مردم منتظر برپا شدن آن ها هستند؛ در حالی که خودشان مشغول نماز و ذکر و تلاوت قرآن و مشاهده ضريح حضرتند. و چون از شب، نصف یا دو سوم یا مثل این مقدار می گذارد، همگی صحیح و سالم بدون آن که مشکلی در آن ها باشد از جا برمی خیزند؛ در حالی که همگی می گویند: (لا اله الا الله، محمّداً رسول الله، عليّ وليّ الله). و این قصه ای معروف نزد آنان است که من از افراد مورد وثوق شنیدم.»

ص: ۱۴۰

خطیب بغدادی به سندش از احمد بن جعفر بن حمدان قطیعی نقل کرده که گفت: از حسن بن ابراهیم ابوعلی خلال (شیخ حنابلہ در عصرش) شنیدم کہ می گفت: «ما هَمْنی أمر فقصدت قبر موسی بن جعفر، فتوسلت به إلهما سهل الله تعالی لی ما أحب»؛<sup>(۱)</sup> «هیچ امر مهمی برای من اتفاق نیفتاد جز آن که قصد قبر موسی بن جعفر را کردم و به او متوسل شدم تا آن که خداوند متعال برای من آنچه را که دوست داشتم تسهیل نمود.»

حاکم نیشابوری در مورد آن حضرت می گوید: «استشهد علی بن موسی بسناباد من طوس. وقال: سمعت أبا بکر محمّد بن المؤمل بن الحسن بن عیسی یقول: خرجنا مع إمام أهل الحدیث أبی بکر ابن خزیمه وعدیله أبی علی الثقفی مع جماعه من مشایخنا وهم إذ ذاک متوافرون إلی علی بن موسی الرضا بطوس، قال: فرأیت من تعظیمه - یعنی ابن خزیمه - لتلك البقعه وتواضعه لها وتضرّعه عندها ماتحیرنا»؛<sup>(۲)</sup> «از ابوبکر محمّد بن مؤمل بن حسن بن عیسی شنیدم کہ می گفت: ما با امام اهل حدیث ابوبکر بن خزیمه و همراه او ابی علی ثقفی با جماعتی از مشایخ ما که زیاد بودند به سوی علی بن موسی الرضا در طوس حرکت کردیم. او گفت: من از تعظیم ابن خزیمه نسبت به آن بقعه و تواضع و تضرّع او نسبت به آن، چیزهایی دیدم که همه ما را به تحیر واداشت.»

ص: ۱۴۱

۱- ۲۹۳. تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۲۰.

۲- ۲۹۴. تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۹۹.

ابن عماد حنبلی می گوید: «توفی ببغداد، الشریف أبو جعفر محمد الجواد بن علی بن موسی الرضا الحسینی أحد الاثنی عشر إماماً الذین تدعی فیهم الرافضه العصمه، ودفن عند جدّه موسی، ومشهدهما ینتابه العامه بالزیاره»؛<sup>(۱)</sup> «در بغداد، شریف ابو جعفر محمد جواد فرزند علی بن موسی الرضا حسینی فوت نمود، یکی از دوازده امامی که رافضه ادّعی عصمت آنان را دارند، در کنار جدّش موسی مدفون شد و مشهد آن دو را عامه مردم نوبت به نوبت زیارت می کنند.»

#### ۱۰ - مزار معروف کرخی

خطیب بغدادی از ابی عبداللّه محاملی نقل کرده که گفت: «أعرف قبر معروف الکرخی منذ سبعین سنه، ما قصده مهموم إلاً فرج الله همّه»؛<sup>(۲)</sup> «قبر معروف کرخی را از هفتاد سال پیش می شناسم. هیچ مهمومی قصد آن را نکرده جز آن که خداوند همّ و غمّ او را برطرف نموده است.»

#### ۱۱ - مزار احمد بن موسی علیه السلام

ابن بطوطه می گوید: «هو مشهد معظم عند أهل شیراز یتبرکون به ویتوسلون إلى الله تعالی بفضله»؛<sup>(۳)</sup> «آن قبر مشهدی است تعظیم شده نزد اهالی شیراز که مردم به آن تمسک جسته و به سوی خدا به فضل او توسّل می جویند.»

ص: ۱۴۲

۱- ۲۹۵. شذرات الذهب، ج ۲، ص ۴۸.

۲- ۲۹۶. تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۲۲.

۳- ۲۹۷. رحله ابن بطوطه، ص ۲۲۵.



## ۱۲ - مزار عبيدالله بن محمد بن عمر بن علي بن الحسين عليه السلام

خطيب بغدادی می گوید: «باب البردان فيها أيضاً جماعة من أهل الفضل، وعند المصلی المرسوم بصلاته العيد قبر كان يعرف بقبر النذور، يقال: إنَّ المدفون فيه رجل من ولد علي بن أبي طالب عليه السلام، يتبرک الناس بزيارته ويقصده ذوالحاجه منهم لقضاء حوائجهم»؛<sup>(۱)</sup> «درب بردان در آنجا نیز جماعتی از اهل فضل وجود دارند. و کنار مصلاي آنجا که معروف به نماز عيد است، قبری است معروف به نام قبر نذرها، و گفته می شود که در آنجا یکی از اولاد علي بن ابی طالب عليه السلام مدفون است. مردم به زیارت او تبرک جسته و محتاجان از مردم به جهت برآورده شدن حوایجشان قصد او را می نمایند.»

## ۱۳ - مزار سيده نفیسه

عمر رضا کحاله می گوید: «ولأهل مصر اعتقاد بها عظیم، فيقال: إنَّ الدعاء يستجاب عند قبرها»؛<sup>(۲)</sup> «و برای اهل مصر اعتقاد عظیمی به او است. گفته می شود که دعا در کنار قبر او مستجاب است.»

## ۱۴ - مزار ذوالنون مصري

ابن خلکان می گوید: «دفن في القرافه الصغرى وعلى قبره مشهد مبني، وفي المشهد قبور جماعة من الصالحين، وزرته غير مرّه»؛<sup>(۳)</sup> «او

ص: ۱۴۳

۱- ۲۹۸. تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۲۳.

۲- ۲۹۹. اعلام النساء، ج ۵، ص ۱۸۷ و ۱۸۹.

۳- ۳۰۰. تاریخ ابن خلکان، ج ۱، ص ۱۰۹.

در قرافه صغری دفن شد. و بر روی قبر او مشهدی بنا شده و در مشهد او قبرهای جماعتی از صالحان است. و من چندین بار آن را زیارت کرده ام.»

## ۱۵ - مزار ابن طباطبا

ابن خلکان می گوید: «وقبره معروف ومشهور بیاجاه الدعاء»؛<sup>(۱)</sup> «قبر او معروف، و به اجابت دعا مشهور است.»

## بررسی ایرادهای وهابیان

### توضیح

وهابیان در ادعای خود بر حرمت بنای بر قبور به مواردی استدلال کرده اند که به آن ها پرداخته و پاسخ می دهیم:

### ۱ - بنای بر قبور از مظاهر شرک یا راهی به سوی شرک است

در پاسخ می گوئیم:

اولاً: در بحث «شرک و توحید» به میزان آن دو اشاره نمودیم و گفتیم که شرک دو رکن و عنصر دارد: یکی این که انسان عملی انجام دهد که نشانه خضوع برای کسی باشد. و دیگر این که اعتقاد به الوهیت یا ربوبیت آن کس داشته باشد که برای او خضوع می کند. این دو رکن که از آیات و تعاریف به دست آمده است، در مورد بنای بر قبور صادق نیست؛ زیرا کسی که بیوت و مشاهد اولیای الهی را تعظیم می کند، بنای آن ها به قصد تعظیم، با اعتقاد به الوهیت یا ربوبیت نیست.

ص: ۱۴۴

---

۱- ۳۰۱. تاریخ ابن خلکان، ج ۲، ص ۸۲.

ثانیاً: در مبحث «مقدمه» گفته شده که مطلق مقدمه حرام، حرام نیست، بلکه مقدمه موصله حرام است؛ یعنی اگر کسی به طور حتم این قبور را برای شرک بنا کند حرام است. ولی اگر کسی برای تعظیم شعائر الهی بنا کند، نه تنها اشکالی ندارد بلکه مستحب است.

## ۲ - بنای بر قبور از اعمال مشرکین است

۲ - بنای بر قبور از اعمال مشرکین است (۱)

در پاسخ می‌گوییم:

اولاً: مشرکین اگر بنای بر قبور بزرگان خود می‌ساختند به جهت تعظیم و تکریم آن‌ها به عنوان ربّ بوده است؛ همان گونه که در جای خود مورد بررسی قرار گرفته است؛ لذا اسلام، آنان را از این جهت مذمت نموده است و این به خلاف بنای بر قبور اولیای الهی در میان مسلمین است. (۲)

ثانیاً: مطلق تشبّه به مشرکین و کفار حرام نیست، مگر در امور اختصاصی و در شعائر آنان خصوصاً به قصد احیای شعائر و آیین کفار. برای اطلاع بیشتر به بحث «برپایی مراسم جشن» مراجعه شود.

## ۳ - بنای بر قبور، بدعت منکر است

در پاسخ می‌گوییم:

در بحث میزان بین بدعت و سنت، گفته شد که بدعت دو رکن دارد: یکی زیاده یا نقیصه در دین، دیگری نبود دلیل عام یا خاص بر امر حادث.

ص: ۱۴۵

---

۱- ۳۰۲. منهاج السنه، ج ۱، ص ۴۷۴.

۲- ۳۰۳. ر.ک: مقالات الکوثری، ص ۲۴۶ به نقل از شرح صحیح مسلم، آبی مالکی، ج ۲، ص ۲۳۴.

در مورد جواز بنای بر قبور، هم دلیل خاص داریم که سنت و سیره سلف از مسلمین است و هم دلیل عام که به آن ها اشاره شد.

#### ۴ - ادعای اجماع

علمای وهابی مدینه منوره در استفتای آل سعود درباره بناهای بقیع نوشتند: «بنای بر قبور اجماعاً ممنوع است؛ به جهت صحت روایاتی که در منع از آن وارد شده است...» (۱).

در پاسخ می گوئیم:

اولاً: اجماعی که ادعا می کنند مدرکی است؛ که به مدرک آن خواهیم پرداخت، پس اجماع آنان مستقلاً اعتباری ندارد.

ثانیاً: در اجماعی که ادعا شده، سه احتمال است:

الف) اجماع تقدیری: به این بیان که روایاتی وجود دارد که اگر علما به آن توجه کنند، به مضمونش فتوا می دهند. این فرض باطل است؛ زیرا این احتمال فرع صحت حدیث از حیث سند و تمامیت آن از حیث دلالت است، که هر دو ناتمام است.

ب) اجماع محقق: به این معنا که همه علما فتوا به تحریم داده اند، هم از حیث حدود و هم از حیث بقا. این احتمال هم به طور قطع باطل است؛ زیرا اولاً: بحث غالب علما در بنای بر مطلق قبور است؛ در حالی که بحث ما در قبور اولیای الهی است. ما نیز در قبور غیر اولیا کراهت را قبول داریم.

ص: ۱۴۶

ثانیاً: غالب علما قائل به کراهتند، نه حرمت و حتی برخی تصریح به عدم کراهت دارند.

قائلین به عدم حرمت

۱ - عبدالرحمن جزیری می گوید: «کراهت دارد که بر روی قبر، قبه یا بنا ساخته شود».<sup>(۱)</sup>

۲ - امام نووی می گوید: «بنای بر قبور اگر در ملک بانی باشد، مکروه است و اگر در مقبره ای باشد که راه مردم است، حرام است».<sup>(۲)</sup>

۳ - از مالک بن انس - رئیس مذهب مالکیه - نقل شده که می گفت: «کراهت دارم که قبور، گچ مالی شده و بر آن، بنا شود...».<sup>(۳)</sup>

۴ - شافعی می گوید: «دوست دارم که روی قبر بنایی نشود و نیز گچ مالی نگردد؛ زیرا این عمل زینت کاری است و قبر جای این امور نیست».<sup>(۴)</sup>

۵ - ابن حزم می گوید: «اگر بر روی قبر بنا یا ستونی ساخته شود، کراهت ندارد».<sup>(۵)</sup>

۶ - نووی بنای بر قبور را مکروه می داند، ولی می گوید: «به ابوحنیفه نسبت داده شده که کراهت ندارد».<sup>(۶)</sup>

ص: ۱۴۷

---

۱- ۳۰۵. الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۴۲۱.

۲- ۳۰۶. شرح صحیح مسلم، نووی، ج ۷، ص ۲۷ کتاب الجنائر.

۳- ۳۰۷. مقالات الکوثری، ص ۲۴۷، به نقل از المدونه الکبری، ج ۱، ص ۹۰.

۴- ۳۰۸. همان، به نقل از کتاب الأم، ج ۱، ص ۲۴۶.

۵- ۳۰۹. المحلی، ج ۵، ص ۱۳۳.

۶- ۳۱۰. المجموع، ج ۵، ص ۲۹۸.

آن همه فتوا که غالباً بر کراهت بود، در صورتی است که بنا بر قبر فرد عادی باشد، ولی اگر بنا بر قبر یکی از اولیای الهی باشد از این کراهت مستثنا است.

عبدالغنی نابلسی در کتاب «الحدیقه الندیه» می گوید: «حکم به کراهت روشن کردن چراغ در صورتی است که فایده ای بر آن مترتب نباشد، اما در صورتی که فایده ای از قبیل... یا این که صاحب قبر از اولیای الهی باشد، یا عالمی از محققین باشد، به جهت تعظیم روح او، روشن کردن چراغ بر سر قبرش اشکالی ندارد».<sup>(۱)</sup>

ج) مراد از اجماع، سیره عملی مسلمین باشد از زمان وفات پیامبر صلی الله علیه و آله تا این زمان، که این برخلاف چیزی است که آن را به اثبات رساندیم؛ زیرا با مروری بر تاریخ مسلمانان پی می بریم که مسئله بنای بر قبور از سیره و سنت همیشگی مسلمین بوده است.

## ۵ - استدلال به برخی از احادیث

### استدلال به برخی از احادیث

عمده استدلال وهابیان بر حرمت بنای بر قبور، روایاتی است که از طریق اهل سنت وارد شده است که ما به آن ها اشاره کرده و جواب هر کدام را خواهیم داد.

### الف) حدیث ابی الهیاج

مسلم از یحیی بن یحیی و ابوبکر بن ابی شیبه و زهیر بن حرب، از

ص: ۱۴۸

---

۱- ۳۱۱. الحدیقه الندیه، ج ۲، ص ۶۳۰.

وکیع، از سفیان، از حیب بن ابی ثابت، از ابی وائل، از ابی الهیاج اسدی نقل می کند که علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «تو را به مأموریتی می فرستم که رسول خداصلی الله علیه وآله به آن فرستاد: این که هیچ تمثالی نیابی مگر آن که محو کنی و هیچ قبر مشرفی نیابی مگر آن که مساوی سازی.»(۱)

حدیث از حیث سند و دلالت ضعیف است:

اول، از حیث سند؛ چند نفر از رجال این حدیث تضعیف شده اند:

۱ - وکیع بن جراح بن ملیح رواسی کوفی که در حق او تضعیفات زیادی رسیده است.(۲)

۲ - سفیان بن سعید بن مسروق ثوری کوفی که ابن حجر و ذهبی او را متهم به تدلیس در حدیث کرده اند؛ یعنی حدیثی را به کسی نسبت می دهد که او را ندیده است.(۳)

۳ - حیب بن ابی ثابت قیس بن دینار که او نیز به تدلیس نسبت داده شده است.(۴)

۴ - ابووائل اسدی که از منحرفین از امام علی علیه السلام بوده است.(۵) همچنین از والیان عبیدالله بن زیاد در کوفه بوده است، کسی که ظلم و غارتگری او بر احدی مخفی نیست.

ص: ۱۴۹

---

۱- ۳۱۲. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۱، کتاب الجنائز.

۲- ۳۱۳. ر.ک: تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۱۲۳.

۳- ۳۱۴. همان، ج ۴، ص ۱۱۵.

۴- ۳۱۵. همان، ج ۲، ص ۱۷۹.

۵- ۳۱۶. ر.ک: تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۳۶۲.

۵ - ابوالهیاج که در نقل حدیث مشهور نیست، لذا سیوطی در حاشیه سنن نسایی می گوید: «در کتب حدیث غیر از این حدیث از او نرسیده و کسی غیر از ابن حبان او را توثیق نکرده و ابن حبان کسی است که مجهول ها را توثیق می کند. عجلی هم او را توثیق کرده، که دأبش زیاده روی در توثیق تابعین است، به جهت خوشبینی که نسبت به آنان دارد».<sup>(۱)</sup>

دوم، از حیث دلالت؛ حدیث از حیث دلالت، اشکال های متعددی دارد:

۱ - از حیث متن و سند اضطراب دارد؛ زیرا در حدیثی ابی الهیاج می گوید: «قال لی علی» و در حدیث دیگر ابی وائل می گوید: «إِنَّ عَلِيًّا قَالَ لِأَبِي الْهَيَّاجِ» و در حدیث دیگر چنین آمده است: «لَأَبْعَثَنَّكَ...». و می دانیم که اضطراب سند و متن موجب سقوط حدیث از حجیت و اعتبار است.

۲ - حدیث مربوط به هدم و خراب کردن قبور همه عالم نیست، بلکه مورد خاصی بوده که حضرت او را مأمور به آن کرده است. شاید برخی از قبور مشرکین بوده که مورد پرستش آنان قرار گرفته بوده است. و بر فرض که مطلق قبور بوده، چه ربطی به قبور اولیای الهی دارد که به جهت توجه مردم به خدا از طریق آنان و اقامه شعائر الهی، بدون هیچ توجه شرک آلود به آنان بنا شده است.

۳ - اهل لغت و عرف به این نکته توجه کرده اند که ماده «تسویه» در

ص: ۱۵۰

---

۱- ۳۱۷. ر.ک: زیاره القبور، علامه بدر الدین حوثی.



صورتی که قرین مساوی با او ذکر نشود به معنای صاف کردن آن است فی نفسه. و این حدیث این چنین است؛ زیرا در آن نیامده که آن را مثلاً با زمین مساوی کنید، پس معنای آن این است که هر قبری که به مانند تل و مثل کوهان شتر است او را صاف کن؛ زیرا در روایات آمده که تمام قبور شهدا همانند سنام و کوهان شتر بوده است. (۱)

۴- روایت، ربطی به بنای سقف، دیوار و وجوب خراب کردن آن ندارد.

۵- این حدیث مورد اعراض علما و مسلمین در طول تاریخ بوده که این اعراض سبب وهن روایت خواهد شد.

### (ب) حدیث جابر

مسلم از ابوبکر بن ابی شیبه، از حفص بن غیاث، از ابن جریح، از ابی الزبیر، از جابر نقل کرده که فرمود: رسول خدا از گچ کاری در قبور و از این که کسی بر روی قبور بنشیند و از بنای بر قبور نهی نموده است. (۲) به این مضمون روایات دیگری هم از طرق مختلف، نقل شده است. لکن در این احادیث هم مجموعه ای از نقاط ضعف وجود دارد که باعث می شود از حجیت و اعتبار بیفتد:

اولاً: در تمام احادیث جابر، ابن جریح و ابوالزبیر - با هم یا به تنهایی - وجود دارند.

ص: ۱۵۱

---

۱- ۳۱۸. کنز العمال، ج ۱۵، ص ۷۳۶، ح ۴۲۹۳۲.

۲- ۳۱۹. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۲.

ابن حجر می گوید: از یحیی بن معین درباره حدیث ابن جریح سؤال شد، گفت: تمام احادیثش ضعیف است. (۱)

از احمد بن حنبل نیز نقل شده که درباره ابن جریح می گوید: احادیث منکر نقل کرده است. (۲) مالک بن انس در شأن او می گوید: ابن جریح مانند کسی است که در شب به دنبال جمع هیزم است. کنایه از این که هر نوع حدیثی را نقل می کند. (۳)

درباره ابوالزبیر نیز تضعیفاتی وارد شده است؛ احمد بن حنبل از ایوب نقل می کند که ابوالزبیر ضعیف الروایه است. شعبه می گوید: ابوالزبیر نمازش را درست ادا نمی کرد. و نیز می گوید: او اهل تهمت بود. ابوحاتم رازی می گوید: حدیث او نوشته می شود ولی به آن احتجاج نمی گردد. (۴)

ثانیاً: حدیث از حیث متن شدیداً اضطراب دارد؛ زیرا با تعبیرهای گوناگون از جابر نقل شده است. در برخی از روایات از گچ کاری و اعتماد بر قبر نهی شده و در بعضی، از گچ کاری و کتابت و بنای بر قبر و راه رفتن بر آن، و در پاره ای، تنها از کتابت بر آن و در برخی دیگر از نشستن و گچ کاری کردن و بنا و کتابت بر آن، و در برخی هم اضافه بر این ها زیاده بر قبر وارد شده و روشن است که اضطراب متن، روایت را از حجیت ساقط می کند.

ثالثاً: بر فرض صحت سند روایت و قطع نظر از اضطراب در متن، تنها

ص: ۱۵۲

---

۱- ۳۲۰. تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۴۰۶.

۲- ۳۲۱. همان.

۳- ۳۲۲. همان، ج ۶، ص ۴۰۴.

۴- ۳۲۳. همان، ترجمه ابی الزبیر.

دلالت بر نهی از بنای بر قبور دارد، ولی دلالت صریح بر حرمت ندارد؛ زیرا نهی بر دو قسم است: نهی کراهتی که استعمال زیادی در کلام شارع دارد و نهی تحریمی. درست است که اصل در نهی، حرمت است، ولی علما و فقها از این نهی، کراهت فهمیده اند، لذا مشاهده می کنیم که ترمذی در صحیح خود، این حدیث را تحت عنوان «کراهت بناء بر قبور» آورده است. و از این رو شارح صحیح ابن ماجه، سندی از حاکم نیشابوری نقل می کند که احدی از مسلمین به این نهی عمل نکرده است.

بر فرض استفاده کراهت از این احادیث، می توان به سبب عناوین دیگر؛ همچون اقامه شعائر الهی و عناوین دیگر آن را از کراهت خارج کرده و داخل در استحباب نمود، همانند لباس مشکی پوشیدن در سوک اولیای الهی خصوصاً عزای امام حسین علیه السلام.

حال با چند حدیث این چنینی آیا می توان یک عمل را تحریم کرده و آن را شرک آلود دانست، و عمل کننده را نیز مشرک نامید؟

### ج) حدیث ابوسعید و ام سلمه

وهابیان به دو حدیث دیگر نیز تمسک کرده اند: یکی از ابوسعید خدری که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی کرد از بنای بر قبور. (۱) و دیگر از ام سلمه که رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی کرد از بنای بر قبر و گچ کاری کردن قبر.

در ضعف سند حدیث اول وجود وهب که مجهول است، کافی است.

ص: ۱۵۳

و در حدیث دوم عبدالله بن لهیعه است که ذهبی از ابن معین نقل کرده که او ضعیف است و به احادیثش احتجاج نمی شود. همچنین از یحیی بن سعید نقل شده که او ابن لهیعه را چیزی به حساب نمی آورده است. (۱)

## ۶- زمین بقیع موقوفه است

از جمله ادعاهایی که وهابیان برای توجیه تخریب قبور ائمه بقیع دارند، این است که: زمین بقیع موقوفه است و این بناها مخالف با نظر واقف است، لذا باید ولی امر مسلمین آن ها را خراب کند.

در جواب آنان می گوئیم: اولاً: در هیچ کتابی، حدیثی یا تاریخی اشاره نشده که زمین بقیع موقوفه است؛ خصوصاً آن که زمین حجاز و مدینه چندان ارزشی نداشته که بخواهد کسی آن را وقف نماید.

ثانیاً: بنا به نقل سمهودی، بقعه ای که در برگیرنده اجساد ائمه طاهرین در بقیع است خانه شخصی عقیل بن ابی طالب بوده است. لذا سمهودی می گوید: «عباس بن عبدالمطلب کنار قبر فاطمه بنت اسد بن هاشم در اول مقابر بنی هاشم در خانه عقیل دفن شد». (۲) حال با این وضع می توان به صرف ادعای وقف، بارگاه مطهر اولیای الهی را خراب نمود؟

## آثار سازنده بنای قبور اولیای الهی

اولیای الهی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اوصیایش از آنجا که در راه اسلام همه

ص: ۱۵۴

---

۱- ۳۲۵. میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۷۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۴۴۴.

۲- ۳۲۶. وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۹۶.

نوع فداکاری و جان فشانی داشته اند، به همین خاطر برای همه مسلمانان تا روز قیامت الگو هستند. از طرف دیگر شکی نیست که استفاده از کارهای هنری و روان کاوی برای تجدید عهد مردم به اسلام و زنده کردن اسلام توسط الگوها، یکی از راه های بیداری اسلامی است. کسی که در طول عمرش یک بار یا بیشتر به مکه و مدینه می رود و از نزدیک آثار باقیمانده زمان صدر اسلام را زیارت می کند و همچنین بارگاه بزرگان دین خود را با عظمت، شکوه و جلال مشاهده می نماید، به یاد فداکاری های آن بزرگان می افتد و عظمت و شکوه آنان در نظرش جلوه می نماید، گویا با خدای خود عهد و پیمان می بندد که در راه و مسیر بزرگان دین قرار گیرد. این یکی از راه های زنده نگه داشتن بزرگان دین است. کسی که قبر، گنبد و بارگاه اولیای دین خود را می بیند به آنان و تعالیشان یقین حاصل می کند.

مگر نه این است که مسیحیت در برهه ای از زمان به جهت نداشتن آثار مسیح، در وجود آن حضرت شک کردند. مورخ آمریکایی در کتاب «تاریخ تمدن» تاریخچه دو بیست سال تشکیک در حضرت مسیح علیه السلام را آورده است.

ناپلئون در سال ۱۸۰۸ میلادی از یک نویسنده آلمانی به نام «ویلند» می پرسد که آیا او به تاریخی بودن حضرت عیسی علیه السلام معتقد است یا نه؟

امّا مسلمین در طول تاریخ خود از این جهت، سر بلند و دارای افتخارند که ما بزرگانی داریم که بعد از گذشت قرن ها، قبورشان برای ما معلوم است و هر چند وقت یک بار بر سر قبرشان رفته و با آنان عهد و پیمان می بندیم

که در راه آنان خواهیم بود، راهی که با پیمودن آن قطعاً به خدا و ثواب و بهشت او خواهیم رسید.

### عدم فرق بین بنای بر قبر با دفن در بنا

بعضی از نویسندگان وهابیان برای فرار از اشکال گفته اند: آنچه حرام است «ساختن بنا بر قبر» است، امّا اصحاب، جنازه پیامبر صلی الله علیه و آله را داخل بنا دفن کردند نه این که بر قبر او ساختمانی را بنا کنند و دفن جنازه در بنایی که از قبل موجود بوده مانعی ندارد.

این سخن فقط برای توجیه یک واقعیت خارجی است که در برابر آن قرار گرفته اند. و ما به عنوان پاسخ به این جواب غیر قابل قبول، چند سؤال را مطرح می کنیم:

۱ - آیا اگر برای مؤمنین و علماء، قبل از مرگ، مقبره ساخته شود و بعد از وفات، آن ها را در مقبره دفن کنند، مانعی دارد یا خیر؟ آیا وهابی ها چنین کاری را اجازه می دهند؟ قطعاً چنین اجازه ای نمی دهند. اگر بودن بنا بر قبر حرام است، هر انسان عاقل و باانصافی حکم می کند که فرقی نمی کند که بنا از قبل موجود باشد یا بعداً ساخته شود.

وهابی ها عملاً فرقی قائل نیستند، اما در مورد بحث، جوابی می دهند که خودشان هم قبول ندارند و قائل به فرق می شوند.

ما می گوییم: شما که قیاس را در دین جایز می دانید، در اینجا باید قطعاً

قیاس جاری کنید. شما که گاهی قیاس را در بین دو امری که مناسبت خیلی دور با هم دارند جاری می کنید، در اینجا که اصلاً تفاوتی وجود ندارد، حتماً باید جاری کنید.

به هر حال ما فرقی بین این دو مورد؛ یعنی دفن در مقبره و بنای بر قبر نمی بینیم و حکم هر دو را - هر چه که باشد - واحد می دانیم.

وهابی ها هم همان طور که گفتیم در عمل، قائل به فرق نیستند و لذا اجازه نمی دهند که اول مقبره ساخته شود و بعد از مرگ، بدنها در آن دفن شود. امّا از آنجا که در پاسخ اشکال طرف مقابل، به هر حال باید جوابی داد! جوابی می دهند که خودشان هم ملتزم به لوازم آن نیستند.

۲ - آیا در مورد مقابری که وهابیان تخریب کرده و یا الآن تخریب می کنند، تحقیق کرده اند و بر ایشان ثابت شده که این بناها پس از احداث قبر ساخته شده است؟ و یا این که اصلاً تحقیقی نکرده اند و چه بسا با علم به این که بناها از قبل موجود بوده، دست به تخریب آن ها زده اند؟

اساساً از دیدگاه اصولی، برفرض آن که احداث بنا بر قبر حرمت داشته باشد، در هر موردی که ما شک کنیم که مسلمین قرون گذشته این بناها را بعد از دفن اموات ساخته اند یا از قبل موجود بوده، باید فعل آن ها را حمل بر صحّت کرد و گفت: حتماً بنا از قبل موجود بوده، وگرنه مُسَلِم کار حرام انجام نمی دهد. به عبارت دیگر: ظاهر حال مُسَلِم و مؤمن این است که چنین فعل حرامی را مرتکب نمی شود. بنابراین در تمامی موارد شک باید گفت: بناها موجود بوده و جنازه ها را بعداً در آن دفن کرده اند.

بلکه مواردی به طور یقین بوده که افرادی را در مقبره و سردابی دفن کرده اند؛ همچون خانه عقیل.

بنابراین، مسأله تنها، «حمل به صحت» و «ظاهر حال مُسَلِّم» نیست بلکه شواهد و قراین نیز این مطلب را تأیید می کند.

۳ - آیا حرمت فقط در احداث بنا بر قبر است یا استمرار و بقای بنا نیز حرام است؟ به عنوان مثال: تصرّف در زمین دیگران بدون رضایت آن ها، هم ابتدائاً حرام است و هم استمراراً و بقائاً؛ یعنی اگر مثلاً خانه ای در ملک دیگران ساخته است، هم ساختنش حرام بوده و هم باقی ماندن آن خانه حرام است؛ زیرا مستلزم تصرّف در ملک دیگران است. در مورد قبور، سؤال این است که آیا هم احداث بنا حرام است و هم بقای ساختمان هایی که بنا شده است؟ و یا تنها احداث بنا حرمت داشته ولی بعد از ساخت بناء دیگر بقای آن مانعی ندارد و تخریب آن واجب نیست؟

اگر بگویید: تنها احداث بنا حرام است و بقای بنا حرام نیست، می گوئیم وقتی ابقاء و استمرار بنا حرام نباشد، خراب کردنش هم جایز نیست. پس به چه مجوّزی صحن و سرا و قبه و بارگاه ائمه بقیع علیهم السلام را خراب کرده اید و تا این حد بر آن اصرار و پافشاری داشته و دارید؟! و اگر هم بگویید احداث بنا حرام است و هم ابقاء آن، همان طور که از جملات ابن قیم و ابن تیمیه هم پیدا است که می گویند: «يجب هدم المشاهد التي بنيت على القبور ولا يجوز إبقاؤها» ما می گوئیم حال که ابقاء بنا حرام است، چرا اصحاب



پیامبر صلی الله علیه و آله سبب بقای خانه پیامبر صلی الله علیه و آله شدند و آن را تخریب نکردند؟ آیا می توان گفت: که اصحاب به منشأ ابقای خانه، مرتکب حرام شدند؟!

اگر پیامبر صلی الله علیه و آله از ساختن بنای بر قبور نهی فرموده است و نهی او دلالت بر حرمت دارد و قبر خودش را هم استثنا نکرده است، اولین بنایی که باید خراب شود، بنای قبر خود ایشان است؛ زیرا قطعاً به بقای بنا - که حرام است! - راضی نخواهد بود.

ما فرض می کنیم که اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بنایی بر قبر آن حضرت نساخته اند اما چرا با ابقای بنای واقع بر قبر آن حضرت مرتکب حرام شدند؟!

بنابراین، باید گفت استمرار و ابقای بناهای واقع بر قبور مانعی ندارد خصوصاً آن که آن ها فعل اصحاب را حجّت می دانند.

البته در اینجا هم ممکن است کسی بگوید: بنایی که بر قبر ساخته شود و بنایی که از قبل موجود بوده فرق دارند؛ یعنی ابقای بنای اول حرام است اما ابقای دوّمی حرام نیست! ولی کدام عاقلی است که بین این دو، فرق قائل باشد و لذا می بینیم جواب معقولی برای ابقای ساختمان قبر پیامبر صلی الله علیه و آله ندارند.

عموم مسلمین ساختن مسجد در کنار قبور اولیای الهی را جایز شمرده و بدان عمل می کنند. منتها به این نیت که زمین و بقعه ای که ولی خدا در آن مدفون است، متبرک می باشد. اما وهابیان، همان گونه که ساختن گنبد و بارگاه بر قبور اولیای الهی را حرام می دانند، ساختن مسجد در کنار قبور اولیا را نیز حرام دانسته و راهی به سوی شرک می دانند. اینک این موضوع را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد؛

### فتاوی وهابیان

ابن تیمیه می گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله حرام کرده که قبور خود را مسجد قرار دهند؛ یعنی نباید کسی در اوقات نماز به آنجا رفته و نماز و دعای خود را در آنجا بخواند؛ اگرچه به قصد عبادت خدا هم برود؛ زیرا آن مکان ها راهی برای شرک است؛ یعنی ممکن است که انسان به خاطر صاحب قبر دعا و نماز خوانده و او را تعظیم و تکریم کند. لذا ساختن مسجد در کنار قبور اولیا

حرام است. بنابراین اگر چه بنای مسجد فی نفسه مستحب است، ولی از آنجا که این عمل ممکن است برخی را به شرک وادار کند، مطلقاً حرام است»<sup>(۱)</sup>.

همچنین در جایی دیگر می گوید: «علمای ما قائل هستند که ساختن مسجد بر قبور جایز نیست»<sup>(۲)</sup>.

### قرآن و ساختن مسجد در جوار قبور اولیا

خداوند متعال در قضیه اصحاب کهف می فرماید: « وَكَذَلِكَ أَعْتَزْنَا عَلَيْهِمْ لِيُغْلَبُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا»<sup>(۳)</sup> «و باز مردم را بر حال اصحاب کهف آگاه ساختیم تا خلق خدا بدانند که وعده خدا به حق بوده و ساعت قیامت بی هیچ شک خواهد آمد تا مردمی که میانشان در مورد آن ها تنازع و اختلاف بود، رفع بشود. با این همه بعضی گفتند: باید گرد آن ها حصار و بنایی بسازیم. خدا به حال آن ها آگاه تر است. آنان که برواق احوال آن ها اطلاع یافتند، گفتند: البته برایشان مسجد بنا کنیم».

خداوند متعال در این آیه به چگونگی اطلاع مردم از آنان اشاره کرده است. آنان در طریقه تکریم اصحاب کهف اختلاف داشتند؛ برخی معتقد

ص: ۱۶۱

۱- ۳۲۷. القاعده الجلیله، ص ۲۲.

۲- ۳۲۸. زیاره القبور، ص ۱۰۶.

۳- ۳۲۹. سوره کهف، آیه ۲۱.

بودند که بر روی آنان ساختمانی ساخته شود یا دیواری دور آنان کشیده شود. ولی غالب افراد پیشنهاد دادند که در کنار آنان مسجدی ساخته شود.

فخر رازی می گوید: برخی گفته اند: این گروه که پیشنهاد ساختن مسجد را دادند پادشاهان مسلمان و طرفداران اصحاب کهف بودند. برخی نیز معتقدند: آنان که پیشنهاد مسجد را دادند رؤسای شهر بودند تا در آنجا عبادت کرده و آثار اصحاب کهف را به سبب آن مسجد باقی بگذارند. (۱)

ابوحیان اندلسی می گوید: «کسی که پیشنهاد ساختمان را داد، کافر از دنیا رفت و با این عمل می خواست مرکزی برای کفر خود بسازد که مؤمنین از این عمل مانع شده و پیشنهاد ساختن مسجد را دادند». (۲)

ابوالسعود و زمخشری نیز همین نظر را قبول کرده اند؛ یعنی پیشنهاد دهندگان ساختن مسجد در کنار جایگاه اصحاب کهف، مسلمین و مؤمنین بوده اند. (۳)

البته می دانیم که قرآن، کتاب قصه گویی صرف نیست، بلکه اگر داستانی را تعریف می کند به منظور بهره برداری مسلمانان از آن داستان است. از آنجا که خداوند متعال پیشنهاد دوم (ساختن مسجد در کنار اصحاب کهف) را رد نکرده و آن را مجرای شرک نمی داند، می توانیم آن را دلیل به امضا و تقریر عمل آنان بدانیم.

ص: ۱۶۲

---

۱- ۳۳۰. مفاتیح الغیب، ج ۲۱، ص ۱۰۵.

۲- ۳۳۱. البحر المحيط، ذیل آیه.

۳- ۳۳۲. تفسیر ابی السعود، ج ۵، ص ۲۱۵؛ تفسیر کشاف، ج ۲، ص ۲۴۵.

## سیره مسلمین بر بنای مسجد در جوار قبور اولیا

با مراجعه به سیره مسلمین در طول تاریخ، پی می بریم که آنان به این عمل مبادرت ورزیده و در کنار قبور اولیای خود مسجد می ساختند.

مورخین داستان مسافرت ابو جندل با ابوبصیر را نقل کرده اند که در ضمن آن آمده: «نامه رسول خدا صلی الله علیه وآله به دست ابو جندل رسید؛ در حالی که ابوبصیر مشغول جان کندن بود، او در حالی که در دستش نامه رسول خدا صلی الله علیه وآله بود از دار دنیا رفت. ابو جندل او را در همان مکان دفن کرد، و بر روی قبرش مسجدی بنا نمود».<sup>(۱)</sup>

## نقد ادله وهابیان

### توضیح

وهابیان بر حرمت ساختن مسجد در کنار قبور اولیای الهی به ادله ای استدلال کرده اند که در ذیل به بحث و بررسی آن ها می پردازیم:

### الف) استدلال به روایات

وهابیان بر مدعای خود به روایات ذیل استدلال کرده اند:

۱ - جندب بن عبدالله بجلی می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه وآله پنج روز قبل از وفاتش شنیدم که فرمود: «آگاه باشید، همانا کسانی قبل از شما قبور انبیای خود را به عنوان مساجد قرار می دادند. اما شما این گونه نکنید، من شما را از این عمل باز می دارم».<sup>(۲)</sup>

ص: ۱۶۳

---

۱- ۳۳۳. استیعاب، ج ۴، ص ۲۱-۲۳؛ تاریخ ابن عساکر، ج ۸، ص ۳۳۴.

۲- ۳۳۴. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۷۸.

۲ - از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که به خدا عرض کرد: «بار خدایا قبر مرا بت قرار مده، خدا لعنت کند قومی را که قبور انبیای خود را مساجد کردند.» (۱)

۳ - مسلم نقل می کند که امّ حبیبه و امّ سلمه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله یادی از کنیسه ای کردند که در حبشه دیده بودند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آنان کسانی هستند که هر گاه مرد صالحی از میانشان می میرد بر قبر او مسجدی می سازند و صورت هایی نیز بر آن قرار می دهند، آنان نزد خدا در روز قیامت مخلوقات بدی هستند.» (۲)

۴ - بخاری در صحیح خود از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «خدا لعنت کند نصارا و یهود را؛ زیرا قبور انبیای خود را مسجد قرار دادند.» (۳)

در جواب از استدلال به این روایات باید گفت:

اولاً: فهمیدن مقصود این روایات، متوقف بر دانستن مقصود یهود و نصارا از ساختن مسجد بر قبور اولیای خود می باشد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله از قیام به عملی که یهود و نصارا با قصد خاصی انجام می دهند، نهی کرده است.

با مراجعه به روایات پی می بریم که یهود و نصارا، قبور اولیای خود را مسجد و قبله قرار می دادند و بر روی آن قبور سجده می کردند. در حقیقت آنان را عبادت می کردند. لذا پیامبر صلی الله علیه و آله شدیداً با این عمل مقابله کرده و از آن نهی فرموده است.

ص: ۱۶۴

---

۱- ۳۳۵. مسند احمد، ج ۲، ص ۲۴۶.

۲- ۳۳۶. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۶، کتاب المساجد.

۳- ۳۳۷. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۱۱، کتاب الجنائز؛ سنن نسائی، ج ۲، ص ۸۷۱، کتاب الجنائز.

حال اگر در کنار قبور اولیای الهی به جهت تبرک، مسجد ساخته شود، تا انسان به برکت آن ولی خدا، توجه و حضور قلبش بیشتر باشد و از طرفی نیز هیچ قصد تعظیم و تکریمی نسبت به آن ولی در حال نماز نداشته باشد، قطعاً از مورد این روایات خارج است؛ چنان که در روایت امّ حبیبه و امّ سلمه به این مقصود یهود و نصارا اشاره شده است.

بیضاوی در شرح این احادیث می گوید: «از آنجا که یهود و نصارا بر قبور انبیا به خاطر تعظیم شأن آنان، سجده کرده و آن قبور را قبله خود قرار می دادند، به همین جهت مسلمین از این نوع عمل باز داشته شدند؛ زیرا این عمل شرک محض است. ولی اگر کسی مسجدی را در جوار قبر صالحی به قصد تبرک بسازد، مشمول نهی روایات نمی شود.»

سندی، شارح «سنن نسائی» نیز می گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله امت خود را از عمل یهود و نصارا نسبت به قبور انبیای خود باز می دارد، خواه به سجده بر قبور و تعظیم آن ها باشد و خواه به خاطر قبله قرار دادن قبور باشد تا هنگام نماز به آن متوجه باشند» (۱).

ثانیاً: روایت، از ساختن مسجد بر روی قبر نهی می کند و هیچ اشاره ای به ساختن مسجد در کنار قبور انبیا و اولیا ندارد.

ثالثاً: معلوم نیست که نهی در این روایات، تحریمی باشد؛ چنان که

ص: ۱۶۵

بخاری این روایات را تحت عنوان «باب مایکره من اتخاذ المساجد علی القبور» آورده و آن‌ها را حمل بر نهی تنزیهی و کراهتی کرده است. (۱)

شیخ عبدالله هروی در توجیه احادیث فوق می‌گوید: «آن احادیث بر کسانی حمل می‌شود که قصد نماز بر قبر انبیا به جهت تعظیم شان دارند و این در صورتی متصور است که قبور، آشکار و باز باشد و گرنه نماز در آنجا حرام نیست». (۲)

نیز عبدالغنی نابلسی حنفی می‌گوید: «اگر کسی مسجدی را در کنار قبر صالحی بسازد یا در کنار قبر او به جهت تبرک جستن از او نماز گزارد، نه به جهت تعظیم صاحب قبر و توجه به او در نماز، اشکالی ندارد؛ زیرا مرقد اسماعیل علیه السلام نزد "حطیم" مسجد الحرام است و آن محل بهترین مکانی است که نماز در آنجا خوانده می‌شود». (۳)

علامه بدرالدین حوثی، در شرح روایات فوق می‌گوید: «معنای مسجد قرار دادن قبور، این است که انسان نماز گزار قبر را قبله قرار داده و بر آن نماز گزارد». (۴)

## ب) استدلال به قاعده سدّ ذرایع

یکی دیگر از ادله وهابیان بر حرمت بنای مسجد در جوار قبور اولیای الهی استدلال به قاعده سدّ ذرایع است.

ص: ۱۶۶

---

۱- ۳۳۹. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۱۱.

۲- ۳۴۰. المقالات السنیه، ص ۴۲۷.

۳- ۳۴۱. الحدیقه الثنیه، ج ۲، ص ۶۳۱.

۴- ۳۴۲. زیاره القبور، ص ۲۸.



طبق این قاعده: اگر عملی فی نفسه مباح یا مستحب باشد، ولی منجر به حرام شود، آن عمل نیز حرام است، تا کسی به سبب آن به سوی حرام سوق داده نشود.

ابن قیم جوزیه در استدلال به این قاعده، به ادله بسیاری تمسک کرده است؛ از جمله به آیه شریفه: «وَلَا تَسْتَبِئُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْتَبِئُوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»؛ «دشنام ندهید کسانی را که غیر خدا را می خوانند؛ زیرا آنان نیز خدا را بدون آگاهی ناسزا می گویند.» و آیه: «وَلَا يَضُرُّنَّ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعَلِّمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»؛ «و پاهای خود را به زمین نکوبند تا آنچه از زینت ها مخفی می دارند معلوم شود.»

به برخی از ادله عقلی نیز برای اثبات سدّ ذرایع تمسک کرده است. (۱)

در جواب می گوئیم: در بحث مقدمه واجب گفته شده که تنها مقدمه موصله واجب، واجب است نه هر مقدمه ای؛ یعنی آن مقدمه ای که ما را مستقیماً به واجب می رساند واجب است؛ مثلاً اگر بودن بر بالای بام بر ما واجب است و آن متوقف بر نصب پله باشد، نصب آن پله که ما را به بالای بام می رساند واجب می شود. همین مطلب را عیناً در مقدمه حرام می گوئیم؛ یعنی خصوص آن عملی که ما را به حرام رسانده، از باب مقدمه حرام است.

بنابر این ساختن مسجد در کنار قبور اولیای الهی اگر به قصد شرک

ص: ۱۶۷

نباشد و غالب مردم نیز این نیت را از خواندن نماز در آن مساجد نداشته باشند. اشکالی در ساختن آن مساجد نیست؛ اگرچه ممکن است که برخی از غالیان هنگام نماز این نیت را داشته باشند. اگر این مطلب را نپذیرفتیم بسیاری از معاملات روزمره نسبت به آلات مشترکه، باطل و حرام خواهد بود؛ زیرا ممکن است که برخی از مردم از آن سوء استفاده نمایند؛ مثلاً کسی که چاقو می خرد، یا رادیو می خرد، ممکن است کسی از آن سوء استفاده نموده و در راه فساد استفاده کند، ولی هیچ کس چنین معامله ای را حرام و باطل نکرده است، بلکه تنها فروش آن ها را به قصد فساد، باطل می دانند.

### **حکم تزیین قبور اولیای الهی و روشن کردن چراغ**

وهابیان همان گونه که اموری مانند: ساختن مسجد در کنار قبور اولیای الهی، نماز و دعا خواندن و زیارت قبور را حرام می دانند، روشن کردن چراغ و تزیین قبور را هم به طور مطلق حرام می دانند؛ اگر چه برای قبر یکی از اولیای الهی - مثل پیامبر صلی الله علیه و آله و امام - باشد. ولی بقیه مسلمین این عمل را جایز می شمارند و بر آن به ادله ای استدلال کرده اند که یکی از آن ها قیاس به تنقیح مناط قطعی است؛ زیرا همان گونه که زینت کعبه جایز و راجح است و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله، صحابه، تابعین و مسلمین در طول تاریخ نیز این بوده که برای تعظیم و تکریم آن و ترغیب مردم بدان زینت می کردند و در آن هیچ اشکالی نمی دیدند، به همان ملائک، تزیین قبور اولیای الهی و روشن کردن چراغ در جوار آن ها اشکالی ندارد.

### اشاره

نسایی به سند خود از ابن عباس نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «خدا لعنت کند زنانی که به زیارت قبور می آیند و کسانی که قبور را مساجد قرار داده و بر آن چراغ روشن می کنند»<sup>(۱)</sup>.

### پاسخ

این حدیث از حیث سند و دلالت اشکال داشته و هیچ دلالتی بر حرمت روشن کردن چراغ بر سر قبور اولیای الهی ندارد؛ زیرا:

### الف) سند حدیث

محدث وهابی، ناصرالدین البانی بعد از نقل حدیث ابن عباس می گوید: «این حدیث را ابوداؤد و دیگران نقل کرده اند، ولی از حیث سند ضعیف است. اگرچه کثیری از سلفیون به آن تمسک کرده اند، ولی باید حق گفته شود و متابعت گردد. و از جمله کسانی که این حدیث را تضعیف کرده، مسلم است. او در کتاب «التفصیل» می گوید: «این حدیث ثابت نیست و مردم از حدیث ابوصالح باذام که در سند اوست پرهیز نموده اند و نیز کسی که راوی از ابن عباس است، ثابت نشده که از او حدیث شنیده باشد».

آن گاه می گوید: ضعف این حدیث را در کتاب «الاحادیث الضعیفه و الموضوعه و اثرها السیئیه فی الامه» ثابت نموده ام. سپس می گوید: کسی به احادیث ابوصالح باذام احتجاج نکرده و نزد جمهور ائمه ضعیف است و کسی او را توثیق نکرده، مگر عجلی که معروف به تساهل در توثیق

ص: ۱۶۹

است؛ همانند ابن حبان. و حدیث طریق دیگری هم ندارد تا بتواند این طریق را تقویت کند»<sup>(۱)</sup>.

## (ب) دلالت حدیث

۱- این حدیث بر قبور غیر انبیا و اولیا حمل می شود؛ زیرا قبور آنان را باید با وجوه مختلف تعظیم کرد که از جمله آن ها روشن نمودن چراغ است.

۲- حدیث بر موردی حمل می شود که منفعت بر آن مترتب نگردد؛ زیرا تضييع مال است، ولی چراغ روشن کردن بر بالای قبر برای زیارت صاحب آن قبر، قرائت قرآن، دعا، خواندن نماز و نفع های دیگری که می تواند زائر در آنجا ببرد، در این موارد نه تنها حرام و مکروه نیست، بلکه رجحان نیز دارد؛ زیرا از مصادیق تعاون بر برّ و تقوا است.

عزیزی در شرح حدیث می گوید: «مورد حدیث در جایی است که زنده ها از چراغ ها نفع نبرند، ولی اگر نفعی بر آن مترتب شود اشکالی ندارد»<sup>(۲)</sup>.

سندی نیز در شرح «سنن نسایی» می گوید: «نهی از روشن کردن چراغ به این جهت است که تضييع مال بدون منفعت است و مفهوم آن این است: در صورتی که بر آن نفعی مترتب شود از مورد نهی خارج است»<sup>(۳)</sup>.

شیخ علی ناصف می گوید: «روشن کردن چراغ بر سر قبور جایز نیست؛

ص: ۱۷۰

---

۱- ۳۴۵. تحذیر المساجد من اتخاذ القبور مساجد، البانی، ص ۴۳ و ۴۴.

۲- ۳۴۶. شرح جامع الصغیر، ج ۳، ص ۱۹۸.

۳- ۳۴۷. سنن نسائی، ج ۴، ص ۹۵.

زیرا ضایع کردن مال است، مگر در صورتی که یکی از زنده ها بر سر آن قبور باشد که در این صورت روشن کردن چراغ اشکالی ندارد»<sup>(۱)</sup>.

۳ - حدیث دلالت بر حرمت ندارد، بلکه ممکن است که بر کراهت حمل گردد.

۴ - سیره مسلمین در طول تاریخ اسلام بر این بوده که بر سر قبورشان؛ خصوصاً در صورتی که شخصیتی بزرگ و از اولیای الهی است، چراغ روشن می نمودند.

خطیب بغدادی به سند خود از شیخی از اهل فلسطین نقل می کند: در پایین دیوار قسطنطنیه ساختمان روشنی را مشاهده نمودم، درباره آن سؤال کردم. گفتند: این قبر ابویوب انصاری، صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله است، کنار قبر او آمدم، قبرش را در آن ساختمان دیدم؛ در حالی که قنديل و لوستری با زنجیر از سقف آن آویزان بود.<sup>(۲)</sup>

ابن الجوزی می گوید: «یکی از حوادث سال ۳۸۶ ه. ق این است که اهل بصره ادعا کردند که به قبری قدیمی دسترسی پیدا کردند که معلوم شد قبر زبیر بن عوام است. آن گاه قنديل، ابزار، حصیر و غیره آوردند و افرادی را نیز به عنوان حافظ و خدمت کار بر آن گمارده و زمین هایی بر آن وقف نمودند».<sup>(۳)</sup>

صفدی درباره قبر امام کاظم علیه السلام می گوید: «قبر او در آنجا مشهور است، مردم به زیارتش می آیند. مشهدی بزرگ بر آن قبر است و در آن مشهد

ص: ۱۷۱

---

۱- ۳۴۸. التاج الجامع للاصول، ج ۱، ص ۳۸۱.

۲- ۳۴۹. تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۵۴.

۳- ۳۵۰. المنتظم، ج ۱۴، ص ۳۸۳.

قندیل ها و لوسترهایی از طلا و نقره موجود است. انواع ابزارها و فرش ها بدون حدّ و حصر وجود دارد»<sup>(۱)</sup>.

۵ - حدیث ابن عباس معارض دارد؛ زیرا ترمذی نیز از ابن عباس نقل می کند که رسول خداصلی الله علیه وآله شبانگاه وارد بر قبری شد؛ در حالی که شخصی برای او چراغ روشن کرده بود.<sup>(۲)</sup>

ص: ۱۷۲

---

۱- ۳۵۱. وفيات الاعیان، ج ۵، ص ۳۱۰.

۲- ۳۵۲. الجامع الصحیح، ج ۳، ص ۳۷۲، باب ۶۲.

## فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

- ۱ قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای
- ۲ قرآن کریم / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه ای
- ۳ قرآن کریم / نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای
- ۴ قرآن کریم / وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای
- ۵ قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه
- ۶ صحیفه سجاده ویرایش حسین وزیری / الهی قمشه ای
- ۷ کلیات مفاتیح الجنان / عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران
- ۸ کلیات مفاتیح الجنان / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای
- ۹ منتخب مفاتیح الجنان / (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای
- ۱۰ منتخب مفاتیح الجنان / جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای
- ۱۱ ارتباط با خدا واحد تحقیقات
- ۱۲ آشنایی با چهارده معصوم (۲۰۱) / شعر و رنگ آمیزی سید حمید رضا موسوی
- ۱۳ آئینه اسرار حسین کریمی قمی
- ۱۴ آخرین پناه محمود ترحمی
- ۱۵ آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات
- ۱۶ آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی
- ۱۷ آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش

- ۱۸ از زلال ولایت واحد تحقیقات
- ۱۹ اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۲۰ امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش
- ۲۱ امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات
- ۲۲ امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی
- ۲۳ امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۲۴ انتظار بهار و باران واحد تحقیقات
- ۲۵ انتظار و انسان معاصر عزیز الله حیدری
- ۲۶ اهمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی
- ۲۷ با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی
- ۲۸ بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی
- ۲۹ بهتر از بهار / کودک شمس (فاطمه) وفائی
- ۳۰ پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی
- ۳۱ پرچم هدایت محمد رضا اکبری
- ۳۲ تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری
- ۳۳ تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری
- ۳۴ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات
- ۳۵ تاریخ سید الشهداء علیه السلام شیخ عباس صفایی حائری
- ۳۶ تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی
- ۳۷ جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام حسین علی پور



۳۸ چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی

۳۹ چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

ص: ۱۷۴

۴۰ حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی

۴۱ حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۴۲ ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش

۴۳ خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری

۴۴ خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی

۴۵ خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۴۶ دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی

۴۷ داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۴۸ داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی

۴۹ در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی

۵۰ در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای

۵۱ دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی

۵۲ دین و آزادی محمد حسین فهیم نیا

۵۳ رجعت احمد علی طاهری ورسی

۵۴ رسول ترک محمد حسن سیف اللهی

۵۵ روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرازی

۵۶ زیارت ناحیه مقدسه واحد تحقیقات

۵۷ سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی

۵۸ سرود سرخ انار الهه بهشتی

۵۹ سقا خود تشنه دیدار طهورا حیدری

۶۰ سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۶۱ سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی

ص: ۱۷۵

۶۲ سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی

۶۳ سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

۶۴ شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه) محمد حسین نائجی

۶۵ شمس وراء السحاب / عربی السید جمال محمد صالح

۶۶ ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد الله هاشمی شهیدی

۶۷ عاشورا تجلی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی

۶۸ عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۶۹ عطر سبب حامد حجّتی

۷۰ عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی

۷۱ علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات

۷۲ علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان

۷۳ غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۷۴ غدیرخم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی

۷۵ فتنه و هابیت علی اصغر رضوانی

۷۶ فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی

۷۷ فروغ تابان ولایت علی اصغر رضوانی

۷۸ فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی

۷۹ فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی

۸۰ فرهنگ درمان طبیعی بیماری‌ها (پخش) حسن صدری

۸۱ فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی

۸۲ کرامات المهدي عليه السلام واحد تحقیقات

۸۳ کرامت های حضرت مهدي عليه السلام واحد تحقیقات

ص: ۱۷۶

- ۸۴ کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله / منصور پهلوان
- ۸۵ کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی
- ۸۶ گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)
- ۸۷ گفتمان مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی
- ۸۸ گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی
- ۸۹ مشکاه الانوار علامه مجلسی رحمه الله
- ۹۰ مفرد مذکر غائب علی مؤذنی
- ۹۱ مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی / حائری قزوینی
- ۹۲ منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله
- ۹۳ منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی
- ۹۴ منشور نینوا مجید حیدری فر
- ۹۵ موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۹۶ مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات عزیز الله حیدری
- ۹۷ مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب
- ۹۸ مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علامه مجلسی رحمه الله / ارومیه ای
- ۹۹ مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی
- ۱۰۰ مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی
- ۱۰۱ میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی
- ۱۰۲ ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات
- ۱۰۳ نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله

۱۰۴ نجم الثاقب (دو جلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله

۱۰۵ نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی

ص: ۱۷۷

۱۰۶ نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده

۱۰۷ ندای ولایت بنیاد غدیر

۱۰۸ نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۱۰۹ نهج البلاغه / (وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله / محمد دشتی

۱۱۰ نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمّد رضا اکبری

۱۱۱ و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی

۱۱۲ واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۱۳ وظایف منتظران واحد تحقیقات

۱۱۴ ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری

۱۱۵ هدیه احمدیه / (جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله

۱۱۶ همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی / بیژن کرمی

۱۱۷ یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی

۱۱۸ یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد حجّتی

۱۱۹ ینابیع الحکمه / عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۶۶۹۳۹۰۸۳، ۶۶۹۲۸۶۸۷ - ۰۲۱



یزد: ۶۲۴۶۴۸۹، ۲-۶۲۸۰۶۷۱-۰۳۵۱

فریدونکار: ۱۴-۵۶۶۴۲۱۲-۰۱۲۲

ص: ۱۷۸

## سلسله کتاب های پیرامون وهابیت

۱ - شناخت سلفی ها(وهابیان)

۲ - ابن تیمیه، مؤسس افکار وهابیت

۳ - خدا از دیدگاه وهابیان

۴ - مبانی اعتقادی وهابیت

۵ - موارد شرک نزد وهابیان

۶ - توسل

۷ - زیارت قبور

۸ - برپایی مراسم جشن و عزا

ص: ۱۷۹

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

